مجلس شورای اسلامی در برابر وظایفی تاریخی و حیاتی

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۹ دورهٔ دوم دوشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

کسب تکلیف ریاست مجلس شورای اسلامی از امام خمینی و نامهٔ جوابیه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که روز یکشنبه گذشته انتشار یافت، میتواند سرآغاز دوران نوینی در "حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران" ومقابله باتوطئه‌ها وکید های آمریکا وضد انقلاب بشمار آید، افق تازه‌ای دربرابرمردم رنجدیدهٔ میهن ما بگشاید وشالودهٔ مستحکمی برای سومین مرحله تکامل انقلاب شکوهمند ما ایجاد کند.

امام خمینی با ابراز اعتماد به مجلس شورای اسلامی و وقوف بر خصلت مردمی اکثریت آن که در "خط امام" عمل می‌کنند و به میهن انقلابی خود و مردم زحمتکش شهر و ده وفادار هستند، دست مجلس را باز گذاشته‌اند تا درزمینهٔ تدوین قوانینی که "درحفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارند" اقدام کنند. امام خمینی به مجلس شورای اسلامی اختیارات مهمی برشالودهٔ نظارت مقام رهبری بر قوای سه‌گانه داده‌اند که، اگر درست و به موقع از آنها استفاده شود، میتواند گره‌گشای بسیاری از مسائل و کارهای فروبستهٔ اجتماع ما باشد، مسائلی که دو سال ونیم است حل وفصل ضروری آنها به تاخیر افتاده است. تا این مسائل اساسی که از ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی ژرفی آب میخورد حل نشود مردم انقلابی میهن ما نمی توانند مطمئن باشند که جمهوری اسلامی ایران حفظ شده وانقلاب به پیروزی قطعی رسیده است.

بقیه در صفحهٔ ۹

در پیرامون نطق وزیر امور خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

سیاست خارجی ایران در راه شایستهٔ انقلاب

سیاست خارجی ما بطور عمده از چنگ خط سازشکارانهٔ لیبرالها بدرآمده و در مسیر نیازهای واقعی انقلاب به حرکت درآمده است اما هنوز دو وزنهٔ سنگین به پاهای آن آویخته است

نگاهی کلی به مضامین نطق آقای میرحسین موسوی ــ وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد قبل از هرچیز، نشان میدهد که سیاست خارجی کشور ما بطور عمده امروز دیگر از جنگ آمریکائی

بقیه در صفحه ۲

آمریکا برای «واکنش سریع» خیز برمی دارد

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا که دراین پایان قرن همه‌جا با جنبش رهایی توده‌ها و با انقلابهای ریشه‌ای استقلال‌طلبانه روبرواست، هارتر از همیشه برای دریدن خلق‌ها وانقلاب‌ها آماده‌شده‌است تا شاید مرگ محتوم خود را به تعویق بیاندازد. امپریالیست ها درهرجا که جنبش انقلابی درکار گسستن بندهاست چنگ ودندان نشان می دهند و ناوگان کشی می کنند. یکی ازحساس ترین وحیاتی ترین این نقاط خاورمیانه و در قلب آن ایران است.

انقلاب ضداستبدادی، ضد ــ امپریالیستی، مردمی واسلامی ایران، زخمی عمیق برپیکرامپریالیسم بود. این تیر به قلب راکفلرها، ریگان ها، تاچرها، هیروهیتوها... اصابت کرد و زهر درکام ضیاء الحق‌ها، سادات ها، ملک‌فهدها و ... ریخت. آمریکا و متحدان آن نمی توانند این انقلاب را تحمل کنند، آنها حتی "دولت میانه‌رو ــ تری" راهم نمی توانستند ونمی توانند تحمل کنند، آنها لیبرالها وبنی صدرها و رجوی‌ها راهم برای صاف کردن جادهٔ تسلط کامل برایران می خواهند، آن‌ها نوکرگوش بفرمان می خواهند، شاه و پینوشه وسادات ومارکوس می خواهند.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکای جنایتکار برای دست‌یابی به این هدف‌ها واستقرارمجدد سلطهٔ خود برایران تاکنون هرچه درتوان داشته، و می توانسته، کرده‌است. لیکن دیدیم که طبس گورگاه آمریکائیان شد. نوژه به کودتائی علیه ریشه‌های گندیدهٔ آمریکا درایران بدل شد... وجنگ صدام، محرک جنگی بزرگتر علیه خود وی و نظامش. اینک آمریکا، راه دیگری را می‌آزماید، توطئه دیگری را به مرحلهٔ اجرامی گذارد. عناصراصلی این توطئهٔ جدید ایجاد هرج ومرج درداخل کشور، جلوگیری ازتثبیت نهادهای قانونی، تقویت نفاق وچنددستگی بین نیرو ــ های انقلابی ایران، واردآوردن فشار اقتصادی هرچه بیشتر وایجادکانون ــ های تشنج درگوشه‌وکنار مملکت است ترور مقامات دولت انقلابی که از یک طرف روندتثبیت نهادهای قانونی را کند می‌کندوازسوی دیگر به تشنج در کشور دامن می‌زند، در خدمت همین توطئه است. تحریک و بسیج ضد ــ انقلابیون در سیستان و بلوچستان، آذربایجان، کردستان و ...

قسمت دیگری از این طرح است فشاراقتصادی هم که مدت‌هاست برایران انقلابی واردمی آیدوهمین چندی پیش ژاپن، متحدآمریکا، با اعلام فسخ قرار دادخریدنفت ازایران درحقیقت گوشه دیگری ازاین فشاراقتصادی را به نمایش گذاشت. ژاپن حدودیک‌سوم نفت ایران رامی خریدوطبیعی است که قطع چنین منبع درآمدی، درصورتیکه منبع قابل اتکاء دیگری جای آن را نگیرد، چه دشواری در امر اقتصاد مملکت پدید می‌آورد.

درکنارهمه اینهاوبازمهمترازهمه اینهاتدارک وسیع امپریالیسم آمریکادر منطقه‌برای حمله‌نهائی به‌ایران است.

بقیه در صفحه ۱۰

ارتش صدام فرو می ریزد

(مقاله‌ای دربارهٔ وضع درونی ارتش صدام

اقتباس از "طریق الشعب"

ارگان مخفی

حزب کمونیست عراق

شماره ۱۰

اواسط ژوئیه ۱۹۸۱)

صفحه ۱۰

مائو و سایهٔ نیاکان باستان

مدت مدیدی است که پدیدهٔ عجیب وغریبی توجه پژوهشگران را به خودجلب کرده‌است. درطول مدت بیش از ۳۰ سال موجودیت جمهوری خلق چین، هر بار که درکشوربحران سیاسی نوبتی شعله‌ورمی شود، یایکی از جنجال‌های ایدئولوژیک همیشگی گسترش پیدامی کند، به‌همراه آنها، و گاهی اوقات درمقدمهٔ آنها، مباحثات بسیارشدیدی (با "نتیجه‌گیری های سازمانی") درباره امور واشخاص قرون بس گذشته درمیگیرد. سیر این پدیده فرهنگ سیاسی، که‌برای دیگر دولت‌ها غیرعادی‌است، در رابطه فوق العاده سیاست وتاریخ‌است.

درنخستین سال های پس از پیروزی انقلاب می‌توانست چنین در ــ یافتی بوجودآید، که‌گویاچین پیوند خود باهزاره‌های باستان رامی گسلد، که رهبران آن حاضراند ازسنت‌های کهن درفرهنگ و ایدئولوژی، در همهٔ گستره‌های زندگی مادی ومعنوی دست بردارند. لیکن رویدادهای سالهای ۵۰ وسپس ۷۰ ــ ۶۰ قرن بیستم نشان داد که‌موضوع به‌مراتب بغرنج تراست. بسیاری‌حوادث حاکی ازحفظ سنت‌های کهنه درتفکرسیاسی، درشیوه‌ها و ترفند ــ های‌مبارزه‌سیاسی، دررفتار اجتماعی چینی‌ها، ودرخود ساختاراجتماعی آن کشوراست. وازاینجا چنین نتیجه‌ای حاصل می شدکه، توضیح روندهائی، که درچین معاصر روی می دهد، بدون درک ویژگیهای تمدن وفرهنگ سیاسی چین که‌آموزش "کنفوسیوس" "وعقاید" شاگردان" هسته‌مرکزی آن بود، غیر ممکن است.

دانشمندان زحمات زیادی کشیدند، تا نه فقط عقاید سیاسی و

بقیه در صفحه ۳

اعلامیه مشترک

سازمان جوانان تودهٔ ایران

و سازمان

دانشجویان پیشگام ایران

برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی، برای برآوردن نیازهای رشد و توسعهٔ جمهوری اسلامی ایران،

دانشگاهها و مدارس عالی باید هرچه سریع تر گشوده شوند!

صفحه ۸

مستضعفان

درمراسم شکوهمند

تنفیذ حکم ریاست جمهوری

حجت الاسلام خامنه‌ای:

• امام خمینی

"ازهمه‌کسانی که‌این ملت بازحمت خودش، آنها رابه‌مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودش را برای خدمت این مستضعفان وخدمت این بیغوله نشین‌های بیچاره وخدمت به این زاغه‌نشینان صرف کنندوانشاء الله بعداز استقرار حکومت که الان دیگر تمام شد ازهمه‌جهات و عذری برای هیچیک ازشماها نیست، برای این که سابقاکارشکنی می شدوحالاشما همه‌تفاهم داریدوکارشکنی هیچیک برای دیگری نمی کنید، همه‌همفکروهمصدا قیام کنیدو برای‌مستضعفین وبرای این‌ملت که به همه ما و به‌همهٔ شما دارد وحق دارد، برای‌آنها خدمت‌کنیدوانشاء الله موفق شوید."

• رئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای

"این‌وحدت امیدآفرین (بیش از ۱۶میلیون‌از۱۷میلیون‌رای به‌یک‌شخص) که مردم‌ما در روزدهم مهرماه از خود نشان‌دادند، پاسخی شایسته‌وسزاوارمی طلبد.

"ما به‌روشنی‌می دانیم که مردم پاکدل وبی‌آلایش ما در روز دهم مهر ماه نه به یک شخص بل به خط و جریان رای اعتماد دادند".

"همه‌کوشش خودرا بکارمی‌برم تا دورهٔ جدیدی‌که درجمهوری‌اسلامی ایران آغاز می‌شود، دوره خدمت به محرومان ومستضعفان ودوره‌تجلی‌کامل اراده باریتعالی درقطع ریشه‌استکبار و استضعاف اجتماعی‌واقتصادی‌داخلی درمیهن‌اسلامی ما باشد".



درباره بیمهٔ بیکاری

طرح بیمهٔ بیکاری با نیازهای کارگران یک جامعهٔ انقلابی متناسب نیست

در تاریخ ۶۰/۴/۲۴ از سوی وزارت کار و امور اجتماعی‌رئوس "طرح بیمه بیکاری" انتشار یافت و قائم مقام این وزارت طی مصاحبه‌ای‌بیان داشت که‌این طرح پس از نظر خواهی از کارگران ودست‌اندرکاران مسائل کار و کارگری برای تصویب به مجلس شورای اسلامی داده خواهدشد.

انتشار "طرح بیمه بیکاری" در مطبوعات نظرهای گوناگونی رابدنبال داشت که درمواردی چندحاوی دید ــ گاه‌های‌روشنگرانه‌ای‌بود. متاسفانه این بحث سازنده که در صورت تداوم‌و گسترش خود می‌توانست راهگشای نگرشی جامع‌تر به مسائل کارگری و قوانین وحقوق کار بطور اعم باشد، پس از چندی دربوتهٔ فراموشی فرورفت.

اما از آن‌جائی که تدوین قوانین کارو تامین‌اجتماعی به‌گونه‌ای که شایسته انقلاب بزرگ میهن ماست، همچنان ضرورتی مبرم و درنگ ناپذیر به شمارمی‌آیدو نیز به این سبب‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران دراصول متعددخود به‌مساله‌اشتغال، تعمیم بیمه وبرخورداری از تامین‌اجتماعی درهمه شرایط و به مثابه حقی "همگانی" دلالت دارد، چنین بحث‌هایی نه‌تنها بایدادامه‌یابد، بلکه‌ناگزیربایدجامعیت یابد وپهنه‌های بیشتری رادر برگیرد. از این نظر مقاله حاضرنه فتح‌باب‌بلکه یک بررسی اجمالی پیرامون "طرح بیمه بیکاری" وکوششی‌است در راستای طرح درست مساله.

بقیه در صفحهٔ ۹

MANCHESTER
1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library’s website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

سیاست خارجی ...

بقیه از صفحه ۱

سازشکارانه لیبرالها بدرآمده و در مسیری آغاز به حرکت کرده که پاسخگوی نیازمندی‌های اهداف ضدامپریالیستی، استقلال‌طلبانه ومردمی انقلاب اسلامی ایران است. چندی پیش آقای موسوی ضمن مصاحبه‌ای اظهار داشت که محوراصلی سیاست خارجی وداخلی ما ضدآمریکایی است. نطق وزیر امور خارجه درسازمان ملل متحد نشان می دهدکه این گفته آقای موسوی سنجیده بوده است. در سراسر نطق، خط ضدآمریکایی: ضدامپریالیسم بسرکردگی آمریکا، ضدصهیونیسم، ضد ـ استعماری، ضدمناسبات غیرعادلانه اقتصادی، ضدنژادپرستی، ضدسلطه ـ جویی وسلطه‌گری . . . بنحوی برجسته مشهود است. دراین نطق چهره جهانخوار وجنایتکار آمریکا چنان که هست، معرفی شده است، چه به وسیلهٔ افشای توطئه‌های رنگارنگی که علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران چیده و به‌اجرا گذارده است و چه از طریق محکوم ساختن توطئه های رنگارنگ امپریالیسم سرکردگی آمریکا در خلیج فارس، درمنطقه خاورمیانه، درآفریقاو بطورکلی درجهان. دراین نطق که بیانگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است موضع کشورما در دفاع ازفلسطین و سوریه ولبنان ولیبی دربرابر تهاجمات صهیونیسم وتحریکات امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، در دفاع ازجنبش سواپو واستعمارزدایی درنامی‌بیا و در دفاع ازآنگولا در برابرتهاجمات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی که "به کمک بعضی ازدول غربی بسرکردگی آمریکا و اسرائیل" انجام می‌گیرد، در دفاع از جنبش پولیساریو وجمهوری دمکراتیک صحرا، دردفاع از وحدت کشورکره که تجزیه آن ناشی از "مداخله و نفوذ امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است" . . . بطورکلی در دفاع از جنبش ـ های آزادی بخش استقلال طلبانهٔ خلقهای مستضعف جهان در برابر استعمار "بهرصورت وشکل آن "مشخص و معلوم گردیده است.

دراین نطق " برقراری صلح جهانشمول که تامین‌کننده منافع انسان ـ های مظلوم وتحت ستم باشد" هدف ملی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده، تشدیدمسابقه‌تسلیحاتی وبویژه "تصمیم آمریکای جهانخوار در زمینه‌تولیدبمب نوترونی "که "نشانگر ماهیت و خصلت جنایتکارانه‌گردانندگان آمریکا است " محکوم شده، برچیده شدن پایگاه‌های نظامی و حضور نظامی خارجی در خلیج‌فارس خواسته‌شده، تشکیل‌نیرو ـ های واکنش سریع که‌وسیله‌ای در جهت دسترسی به اهداف "استعماری آمریکا و همدستان‌اودرمنطقه‌می باشد "به سختی مورداعتراض‌قرارگرفته‌وبعنوان توطئه ای علیه‌خلق‌های منطقه‌که "باعث تشدید جوتشنج‌وخشونت‌نیزمی گردد" ، محکوم شده‌واز "قطعنامه سازمان‌ملل‌متحدمبنی برتبدیل‌اقیانوس هند به یک منطقهٔ صلح "پشتیبانی‌بعمل‌آمده‌است.

نطق وزیر امور خارجه‌درسازمان ملل نشان می دهدکه کشور مامی‌رودکه جای شایستهٔ خود را در جبهه ضدامپریالیستی جهانی بیابد، تانقش مؤثر خود رادرنبردعظیمی که علیه امپریالیسم واستعمار و سلطه‌گری و جنگ‌افروزی به‌مقیاس جهانی در گیر است، باسربلندی ایفاکند.

سیاست ایران درباره جنگ وصلح با عراق

درباره آن قطعه ازنطق وزیرامور خارجه در سازمان‌ملل متحد که توطئه ـ های‌آمریکارابرای براندازی‌انقلاب‌و جمهوری اسلامی از جمله توطئه ـ های مداخله عراق رابرمی شمارد و نیز اهداف جنگ جنایتکارانه‌ای را که صدام "به‌تحریک آمریکا" بر ایران تحمیل‌کرده، برملا می سازد، میتوان گفت که‌حق سخن اداشده و واقعیات درمعرض دید مجمع عمومی سازمان‌ملل متحد قرار داده شده‌است. شرایط صلحی نیز که ازسوی وزیر امور خارجه بنام دولت‌جمهوری‌اسلامی‌ایران مطرح شده، شرایطی شایسته وعادلانه است که‌اگرصدام‌آنها رابه رضانپذیرد، به ناچار بایدآنها رابه زور به اوتحمیل کرد.

روشن‌است که صدام به کشورما تجاوزکرده وبخشی از خاک ایران را اشغال نموده‌است‌و بنابراین " خروج بی‌قیدوشرط کلیه‌نیروهای متجاوزعراق از اراضی‌اشغالی‌ایران "نخستین شرطی است که عراق، بی‌چون وچرا، باید بپذیرد و به‌اجرابگذارد تا برقراری صلح ممکن‌گردد. این شرط نخستین‌و شرط کلیدی حل مسئله‌است. شرط دوم که‌ازطرف‌ایران مطرح شده" اجرای مفاد عهدنامه۱۹۷۵ الجزایر است" . عراق قاعدتاً این شرط را نیز باید بپذیرد، زیرا خودمدعی بوده‌است‌که گویا عهدنامه از سوی‌ایران‌نقض شده و گویا به‌همین‌دلیل به‌ایران‌حمله کرده است. شرط سوم و چهارم که دولت جمهوری‌اسلامی‌ایران مطرح ساخته " تشخیص متجاوز و محکومیت آن توسط یک دادگاه صالحهٔ بین‌المللی "و "پرداخت خسارت به کشوری که مورد تجاوز قرارگرفته‌است" ازسوی کشور متجاوز است. این شروط نیز شروطی کاملا عادلانه‌ومتعارف هستند. درتمام قراردادهای صلحی‌که پس از هر جنگ بین طرفین متخاصم در همه جا و در طول‌تاریخ‌امضاء شده، فصلی به‌پرداخت خسارت جنگ ازسوی متجاوز اختصاص یافته، مگر موردی که متجاوز در جنگ پیروز شده‌باشد، یعنی موردی که به عراق متجاوز ربطی ندارد، زیرا اولا جنگ ادامه دارد وثانیا شکست‌عراق متجاوز دیگر پشت کوه قاف نیست. صدام‌نیزعاقبت شکست سخت‌و رسوای خود را احساس می‌کندو به همین‌دلیل دراین‌اواخردوستدار "صلح "شده‌است‌و درنتیجه‌حبیب شطی‌بابرخی‌اصلاحات درپیشنهادهای گذشته هیئت صلح "کنفرانس اسلامی "مجددا فعال شده‌و پیشنهادجدیدی برای صلح که به‌گفتهٔ اوصدام‌نیزآنراپذیرفته‌به‌آقای موسوی وزیرخارجه تسلیم‌نموده است که‌قرار است موردبررسی قرارگیردوپاسخ‌رسمی آن‌داده‌شود.

مضمون سیاسی اصطلاح «ابرقدرت‌ها»

نطق وزیرخارجه درمجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحدکه بطور کلی به روی محور اصلی سیاست‌خارجی ضدامپریالیستی بویژه ضدامپریالیسم آمریکا تنظیم شده، ولذا بطور عمده پاسخگوی اهداف ضدامپریالیستی، استقلال طلبانه و مردمی انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران است، در عین حال ـ به نظر ما ـ نیاز به برخی انتقادات سازنده نیز به سود تقویت همان خط و محور اصلی سیاست ضدامپریالیستی واستقلال‌طلبانه‌دارد. دراین زمینه می‌توان دو موضوع‌رامورد توجه‌قرارداد. یکی اصطلاح "ابرقدرت ـ ها" ودیگری طرح ـ حل مسئلهٔ افغانستان که تاحدودی (ولی نه‌به غلظت سابق) متأثر از همان ارزیابی "ابرقدرت‌ها" است.

اصطلاح ابرقدرت‌ها، مکرر در نطق بکار رفته است. این اصطلاح که اختراع تبلیغات امپریالیستی ـ مائوئیستی است، سالیان درازی است که بطور گسترده ولاینقطع بکاررفته و تکرارشده وگاه ازسوی گویندگان و نمایندگان بکلی بی‌غرض و یا حتی انقلابیون راستین‌ضدامپریالیستی بر دولت‌های آمریکاو شوروی اطلاق شده است. ولی‌این‌اصطلاح لفظی خالی‌از مضمون سیاسی نیست. مضمون آن یکسان قلمدادکردن سیاست ماهیتاًو تماماً متناقض "دوابرقدرت" بااستفاده ازتشابه "قدرت" آنهااست. هدف‌آن بی‌آبروکردن شوروی، خطرناک وانمود کردن آن، استعماری جلوه‌دادن‌آن سلطه‌گر قلمداد کردن آن، همانند امپریالیسم خطرناک‌استعمارگروسلطه‌گر آمریکاست. امپریالیسم، پس‌از آن که پته "جهان‌آزاد" در برابر خلق های اسیر روافتاد و "پرده‌آهنین" که‌به‌دور شوروی کشیده‌بود‌شکسته‌شدوخلق های جهان بیش از پیش این‌واقعیت‌رادرک کردندکه دشمن‌اسارتگر و غارتگر آنها امپریالیسم بسرکردگی آمریکااست، درصدد برآمد که بایکسان معرفی‌کردن سیاست شوروی وآمریکاخشم‌انقلابی خلق‌ها رامتوجه شوروی نیز بنمایدویا لااقل سؤظنی نسبت به‌این بزرگترین نیروی متحدخلقهای جهان درنبرد ضدامپریالیستی‌برانگیزد، تااین‌خلق ـ ها عملا ازکمک‌های شوروی محروم شوند وسرکوب جنبش ها و انقلاب های آزادی بخش آنهاآسانتر شود. فراموش نکنیم که در دوران شاه ملعون مدفون، محور تبلیغات امپریالیستی وآریامهری ضدشوروی‌بود، تمام سیاست‌نظامیگری‌که آمریکا در ایران به‌اجرا گذارد تحت عنوان‌جلوگیری از" خطر شوروی " و "خطرکمونیسم " بود ونیزفراموش‌نکنیم که‌آمریکا از زبان برژینسکی بعد از انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی‌ایران به "تفاله‌هایش" دستور داد که این "سوء ظن " که خود مصنوعا د ر اذهان ایرانیان بوجود آورده بود، بایددامن زده‌شود تامنتهی به‌تیرگی روابط جمهوری‌اسلامی ایران واتحادشوروی و پایان حمایت شوروی از "رژیم‌خمینی" شود وبدینوسیله جمهوری‌اسلامی‌ایران "تضعیف وآسیب پذیر "گردد.

واقع بینی حکم می‌کندکه‌ما باز ـ مانده‌های این "سوء ظن " القاء شده‌را ببینیم‌ونیزمتوجه باشیم که‌حتی کسانی که‌توانسته‌اند خود را از زیر این سایه "سوء ظن "کناربکشند، ممکن است بر حسب عادت، اصطلاح "دوابر قدرت" را، بی‌توجه به مضمون زهرآگین‌آن‌بکار برند.

ولی‌این‌اصطلاح‌که‌هم قلب‌واقعیت وهم به‌زیان‌تقویت‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران درنبردسرنوشت‌سازضد ـ امپریالیستی‌است، می‌بایستی‌بتدریج‌از فرهنگ تبلیغاتی وسیاسی‌کشورما حذف شود، لااقل به‌این‌دلیل ساده‌ومشهودو مکررآزموده که اگر آمریکا باهزارتوطئه دشمنی‌آشتی‌ناپذیر خودرابا‌انقلاب ایران به اثبات رسانده، اتحادشوروی علی‌رغم تبلیغات ضدشوروی که در ایران بعدازانقلاب نیز رواج داشته، فقط‌ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران هرجاکه توانسته و به مقداری که ما خواستار شده‌ایم، حمایت کرده است.

البته درنطق‌آقای‌موسوی وزیر خارجه لحن خصومتی نسبت به‌شوروی (برخلاف دوران گذشته که سیاست خارجی دست لیبرالهابود)، مشاهده نمی‌شود، ولی‌ما می‌توانیم که برمبنای استقلال‌کامل، احترام‌متقابل و سود متقابل، باکشور بزرگ همسایه شمالی (که‌اگر ابرقدرت است، ابرقدرتی ضدامپریالیستی‌وحامی‌مبارزه خلق‌ها برضدامپریالیسم‌است‌واین درهمه‌جا به مقیاس جهانی‌مشهود و بارز است) مناسبات حسنه و گسترده‌ای به سود تقویت همه‌جانبه‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برقرارکنیم.

درهرحال زهرتبلیغاتی ـ سیاسی اصطلاح امپریالیستی ـ مائوئیستی " دو ابرقدرت" راباپادزهرشناخت‌واقعیات‌و واقع بینی می‌توان‌خنثی کرد. واین شناخت واقعیت، بوسیله‌تجربه توام با خود رهایی‌از پیشداوری‌ها ممکن‌است. ماامیدواریم هماطورکه‌دشمنان انقلاب ایران درچهره‌امپریالیسم بسرکردگی آمریکا ودرچهره دولت‌های دست ـ نشانده آمریکا بطور عمده شناخته شده‌اند، روندشناخت‌کشورهای دوست انقلاب‌ایران نیز که‌آغاز شده، با سرعتی بیشتر وبادیدی واقع بینانه تر به‌سوداستقلال وانقلاب‌کشورماپیشرود

مسئله افغانستان و واقعیت‌ها

امادرباره‌افغانستان‌وحل مساله آن ـ به نظرمی‌رسد که باید به‌نکات چندی‌توجه کرد و توجه داد. نخست بایدبه‌این‌پرسش پاسخ داد که آیا کمک نظامی‌شوروی به‌افغانستان‌بنابه‌تقاضای دولت‌افغانستان "تجاوز "است؟پاسخ این‌سوال‌منفی‌است. نه‌فقط به‌دلیل این‌که‌کمک‌نظامی‌موقت ومحدودشوروی به‌افغانستان‌بنابه‌تقاضای دولت‌افغانستان وطبق قوانین بین ـ المللی مصرح درمنشورسازمان‌ملل‌متحد انجام‌گرفته، بلکه بیشتر به این دلیل که‌ماهیت وهدف این کمک نظامی ضد تجاوز است، برای محافظت انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی افغانستان از تجاوزنظامی‌امپریالیسم آمریکاومتحدان آنست. امروز دیگر این واقعیتی‌عیان است‌که‌دولت‌آمریکا به کمک دولت‌های دست نشانده‌مصر وپاکستان ودیگران دستجاتی‌رادرخاک پاکستان تعلیمات نظامی می‌دهد و مسلح می‌کند وبرای عملیات تروریستی و خرابکاری به افغانستان‌گسیل می‌دارد. البته‌این دستجات مسلح بنام‌اسلام و زیرپوشش مسلمان عمل می‌کنند، ولی وقتی سران این‌دستجات‌علنا محمدظاهر شاه را به عنوان سرفرمانده خود وحکمران‌آینده افغانستان انتخاب می‌کنند و وقتی اردوگاه‌های آنان پی‌درپی‌موردبازدید نمایندگان‌رسمی‌دولت‌های آمریکا و انگلستان‌قرارمی‌گیرد، آیادیگرتردیدی برای شناخت ماهیت‌وهدف‌ضدانقلابی تجاوزکارانه آنان‌باقی‌می‌ماند؟ آیا تردیدی‌هست که اگرکمک نظامی به افغانستان‌نبود، همانطور که دست آمریکا ازآستین‌صدام علیه‌انقلاب‌ایران به‌تجاوزمسلحانه پرداخت، به‌همانگونه رژیم‌ضیاء‌الحق به‌تحریک آمریکا برای سرکوب انقلاب افغانستان به تجاوز مسلح‌گسترده متوسل‌می‌شد؟

یک لحظه فرض کنیم که‌درشرایط کنونی که‌افغانستان موردتجاوزدستجات ظاهراً مسلمان ولی واقعا آمریکایی و ضدانقلابی‌قرارگرفته و در معرض خطر تجاوز آمریکابوسیله رژیم دست‌نشانده پاکستان‌است، نیروی‌شوروی "بدون قید وشرط" ازاین‌کشور خارج شود وانقلاب افغانستان در برابراین تجاوز وتهاجم بشکند. آیا درچنین‌صورتی دولتی‌که درافغانستان روی کار خواهدآمد "اسلامی وضدآمریکایی" خواهد بود و یا "اسلام‌نما وآمریکایی" از نوع‌رژیم ـ های نظیر در پاکستان، عمان، عربستان سعودی، اردن وغیره؟

دومین‌پرسش‌این‌است که‌آیا خروج بی‌قیدو شرط نیروهای شوروی‌از افغانستان‌درشرایط کنونی "بهانه‌حضور آمریکا را درمنطقه ازدست‌او (آمریکا) خواهدگرفت"؟ وباعث خواهد گشت عروسک‌های آمریکایی طرفدار اسرائیل نیز درمنطقه وسیله عوامفریبی خود را تحت عنوان‌خطرکمونیسم ازدست بدهند؟

برای یافتن پاسخ درست این پرسش،اولا باید بخاطرآورد که حضور نظامی‌آمریکا درمنطقه و تقویت این حضور سالها قبل از ورود نیروهای شوروی به‌افغانستان انجام‌گرفته است. ازسال ۱۹۷۰ به‌این سو، یعنی پس از آنکه انگلستان (بنابرتمایلی که‌ذکر آنها درحوصله‌این‌مقال‌نیست) تصمیم‌گرفت، حضور نظامی‌خود را در منطقه تقلیل دهد، آمریکا ضمن ایجاد "ژاندارم‌های منطقه‌ای" به‌تقویت حضورنظامی خود در منطقه پرداخت (دردیه‌گوگارسیا دست به‌ایجادیک‌پایگاه عظیم نظامی زد، درمصیره "حضورنظامی" یافت، در پایگاه‌هوایی بحرین بجای انگلستان استقراریافت وغیره). بعدازانقلاب ثور (اردیبهشت) ۱۹۷۷ درافغانستان‌و بویژه بعدازانقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ایران، بشدت برحضورنظامی خود در منطقه‌افزود (یک ناو گروه متشکل از بیش از ۳۰ ناوجنگی درآبهای غرب اقیانوس هند و دریای عمان مستقر ساخت، یکانهائی از نیروهای واکنش سریع خود را به منطقه گسیل داشت و غیره) . . . ثانیا بایدتوجه داشت‌که امپریالیسم بسرکردگی آمریکا برای اجرای سیاست سلطه‌گری وتوسعه‌طلبی خودهمیشه هزار "بهانه" درانبان‌دارد. شما هر "بهانه‌ای" را از اوبگیرید، بهانه‌دیگری راعنوان‌می‌کند. بهنگام "گروگانگیری جاسوسان او درایران "بهانه" او برای توجیه‌توطئه‌هایی به قصدشکستن انقلاب ما (ازجمله تهاجم مستقیم نظامی‌طبس) گروگانها بودند، ولی بعد از تحویل‌گرفتن گروگانها با توسل به دیگر بهانه‌ها توطئه‌گری های خودرا برای شکستن انقلاب‌و جمهوری اسلامی‌ایران‌ادامه‌داد (ازجمله بوسیله تهاجم نظامی‌صدام). ثالثاباید توجه داشت که امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم‌آمریکا، درهرجنبش ودرهر انقلاب‌استقلال‌طلبانه‌رهائی‌بخش و مردمی "دست‌مسکو" و "خطرکمونیسم" رامی‌بیندوبه‌این "بهانه" بخود حق می‌دهداین‌جنبش‌هاوانقلابها‌را‌بشکند. اگر قرارباشد که از دادن "بهانه" به امپریالیسم خودداری شود، باید همه خلقها، جنبشهای آزادیبخش و انقلابها در برابرامپریالیسم به سر ـ کردگی‌آمریکاسرتسلیم‌وتعظیم فرود آورند . . .

خلاصه‌آنکه درست است که آمریکا به "بهانه" ورودنیروهای‌شوروی به‌افغانستان به‌تقویت نظامی‌در منطقه ادامه‌می‌دهد، ولی‌اگراین "بهانه" نیز ازطریق خروج بی‌قیدوشرط نیرو های شوروی از اوگرفته‌شود، کمترین تاثیری درجهت تخفیف این‌حضورنظامی نخواهد داشت، زیرابزرگترین "بهانه ـ ها"برای‌او خودانقلابها، انقلاب‌ایران وافغانستان، انقلاب لیبی وجمهوری دمکراتیک خلق‌یمن، به‌گل‌فرورفتن خر قراردادکمپ دیوید ومجموعه‌اوضاع خاورمیانه‌است که "منافع حیاتی" امپریالیسم بسرکردگی آمریکا را در معرض تهدید قرار داده‌است.

سومین‌پرسش این‌است که دولت شوروی وافغانستان‌آیا میل دارند که نیروهای شوروی از خاک افغانستان خارج شود؟ پاسخ این‌پرسش از طرف هر دو دولت رسما داده شده است. آنها اعلام‌کرده‌اند، آنگاه که‌مداخلات مسلحانه علیه‌افغانستان پایان گیرد و مصونیت افغانستان در برابر تجاوز خارجی‌تضمین‌شود، نیروهای شوروی به درخواست افغانستان ازاین‌کشور خارج خواهند شد.

باتوجه به‌آنچه گفته‌شد، ما اگر می‌خواهیم‌وهدف ما این‌است‌که نیروی کمکی نظامی شوروی ازافغانستان خارج شود، باید بکوشیم که انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی‌افغانستان مصون ازمداخلات‌تجاوزگرانه مسلح امپریالیسم وعروسکهای آن گرددو تمامیت ارضی‌افغانستان دربرابرتهاجم امپریالیسم وعروسکهای اوتضمین‌شود. ازاین‌مواضع‌است که وزارت‌خارجه‌ایران برای رسیدن به‌آن‌هدف می‌بایستی فعالیت آغاز کند و وسیله‌آن مذاکره با دولتهای ذینفع ازجمله و بویژه با دولت‌افغانستان‌است. بین جمهوری اسلامی ایران وجمهوری‌دمکراتیک افغانستان روابط دیپلماتیک برقرار است و ازمجرای آن ابتدا می‌توان مذاکرات را برای مسائل موجود فی ما‌بین ونیزمسائل منطقه‌ای آغاز کرد و بدین وسیله مقدمات مذاکرات‌درسطح عالی فراهم نمود. این راهی است هموار که برای افغانستان نیز مطلوب است ودرنتیجه ثمربخش خواهدبود.

به‌این‌نکته مهم نیز باید توجه کامل کرد که حکومت فعلی‌افغانستان محصول‌انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی‌دراین‌کشور همسایه است: به همین دلیل دولت افغانستان از هواداران وحامیان‌انقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران‌است. بعلاوه بین ایران و افغانستان پیوندهای دیرین‌فرهنگی و زبانی، تاریخی ودینی‌وجود داشته و دارد وبنابراین طبیعی‌ترین‌مناسبات بین‌دوخلق‌ودودولت‌ما، فقط می‌تواند کاملا حسنه‌وبرادرانه وانقلابی‌وحمایت متقابل درمبارزه مشترک علیه دشمن مشترک ـ امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و عروسکهایش ونیز کمک‌متقابل برای تامین استقلال‌همه‌جانبه، پیشرفت در جهت تکامل و رشد درهمه زمینه‌ها باشد.

مائو و سایهٔ نیاکان باستان

بقیه از صفحه ۱

اخلاقی چین باستان را احیا کنند، بلکه همچنین تحولات بعدی آنها، نقش فعال آنها در تاریخ سیاسی چین را نیز دنبال کردند. یکی از اقدامات تازه و موفق در این زمینه، کتاب ل. س. پرلوموف Perlomov پژوهشگر مشهور شوروی، متخصص چین باستان و مفسر موثق آموزشهای باستانی آن کشور است که زیر عنوان "کنفوسیوس گرائی و آموزش "شان یان" در تاریخ سیاسی چین" اخیرا از چاپ بیرون آمده است. خواننده، هنگام قرائت این کتاب حدی وحالب، به‌چین ۶ قرن پیش از میلاد مسیح برده می‌شود، از زندگی و کارهای کنفوسیوس، از آموزش او، از پیدایش تعلیم دیگری، که باآن رقابت می‌کرد، یعنی آموزش "شان یان" و از مبارزه طولانی آنها، که بالاخره با آمیزش هردوآموزش پایان یافت، آگاه می‌شود. بدین ترتیب، حدود ۲ هزار سال پیش کنفوسیوس گری "هان‌ها" (سلسله‌ای از سلاطین چین) بوجود آمد که‌حتی درقرن ۲۰ هم اهمیت یکایدئولوژی دولتی را حفظ کرده است. سیاحت عجیبی از ورای سده‌های دراز تاریخ چین صورت می‌گیرد، وما شاهد مبارزه بیرحمانه مائو علیه . . . کنفوسیوس می‌شویم.

درنظر اول، این واقعیت دشوار فهم، باتصوراتی که ما ازمائوتسه‌دون، چون یک ملی‌گرا، داریم، ظاهرا تضاد پیدا می‌کند. چگونه می‌توان تفکر ناسیونالیستی را با ردخصمانه‌ارزش‌های فرهنگی وسنت‌های گذشته‌تاریخی کشورخود یک‌جا جمع کرد؟ مائوتسه‌دون با آن توهم بیمارگونه از عظمت نه تنها شخص خویش، بلکه عظمت هر چه به چین تعلق دارد، سراسر زندگی به‌تقلید‌ازسخن‌سرایان باستان، شعر می‌گفت، در رساله‌های اندیشمندان چین باستان غرق می‌شد وبه وفور از آنها نقل می‌کرد. هم‌اونیز به‌یکباره‌در نقش براندازندهٔ کهنگی‌ها ازصحنهٔ تاترها به میدان می‌آمد، دارودسته حوکننده تاثیرات "خانمان برانداز" مشهورترین رمان‌های باستان را به‌راه می‌انداخت. هنگام "انقلاب فرهنگی" خون‌وی بین‌ها، این پرورش یافتگان نادان وخشمگین مائو، همه فرهنگ، چه‌کهنه وچه‌نو، رانابود می‌کردند بالاخره‌مائو چنان‌حنجالی را علیه کنفوسیوس، یعنی مقدس ترین سیمای معبدچین، براه‌انداخت، که حتی در چین هم سابقه‌نداشت.

اما این تضاد فقط ظاهری است. مائوتسه‌دون، درعین حال که‌ملت‌گرائی غدار بود، پیش ازهرچیز سیاستمردی بود. که‌انتخاب وسیله‌برایش بی‌اهمیت بودو ازمیراث عظیم فرهنگی چین فقط چیزی توجه اورا جلب می‌کرد، که تصورات سیاسی واخلاقی شخص او را تائیدکند. درچنین صورتی او باکمال میل، برای اثبات حقانیت خویش، به هرقهرمان تاریخی یاافسانه‌ای استناد می‌کرد، به هرفرمانروا، سرکرده ومتفکر صرفنظر از حسن شهرت یاسابقه‌تاریک و سیاهشان. اما وای به حال کسی که‌برای مائو مناسب نبود، که مائو درآن شخصیت، سرزنش خویش ورفتاروگفتار خویش راحس می‌کرد. اینجا دیگر مائو کوچکترین رحمی‌نداشت، حتی اگر صحبت برسرکسانی بودکه‌هزاران سال پیش جهان را بدورد گفته بودند. مائوتسه‌دون استعداد حیرت آوری داشت که سایه‌هائی‌را، که مدتهاست محوشده‌اند، دوباره زنده‌سازد تا با آنها برزمد ومجددا به خاکشان دراندازد. این "لشگرکشی‌های‌صلیبی" علیه سایه‌های باستان، اما فراموش نشده. آیا بازی‌های یک‌شعوربیمارگونه تهییج شده بود، یامبارزه‌ای که‌ضرورت سیاسی دیکته کرده‌بود؟

این است آن مسئله‌ای، که باید بررسی کرد. وکتاب ل. س. پرلوموف به‌این پرسش پاسخ می‌دهد.

مانزد هر یک از خلق‌هائی، که رابطه‌زنده بافرهنگ معنوی گذشته را نگسسته‌اند، تاثیر این‌گذشته‌را، مظاهر گوناگون آنرابدون‌زحمت فراوان کشف می‌کنیم. لیکن وقتی‌مسئله به چین مربوط‌می‌شود، آنوقت این پدیده عادی ده‌هامرتبه بارزتر وبه‌حد اعلا خیال‌انگیز به‌چشم‌می‌خورد. درآنجا گذشته ــ واقعیتی است درآگاهی و درزندگی.

انتقاد از وضع موجود از زبان کنفوسیوس

مولف کتاب بادلایل گوناگون یکی‌ازجهات مشخصه چینی‌ها را در سطح نسبتا بالای خودآگاهی‌تاریخی، دراطلاع ازتاریخ کشور خودمی‌داند. او، این‌خصلت را نه فقط باتاثیرکنفوسیوس گرائی وپرستش هرچه‌باستانی است مربوط می‌داند، بلکه همچنین با ویژگی‌های فرهنگ‌ملی توضیح‌می‌دهد، که دوران باستان را، تاریخ‌را، همچون بخش عضوی وارگانیک جهان بینی معاصر درخود دارد. به‌عقیده‌نویسنده کمترکشوری رامی‌توان یافت، که‌موازین احتماعی ــ اخلاقی کهن تا به امروز چنین‌فعالانه روی خصلت مناسبات متقابل بین مردم درخانواده، در روستا تاثیر نماید. قواعد همزیستی، رفتار احتماعی وپسیکولوژی رامعین کند.

رابطه ناگسستنی تاریخ‌با زندگی معاصر، باسیاست، از زمانهای بسیار بسیار قدیم، یا دقیق‌ترگفته‌باشیم، از زمان‌پیدایش دولت درچین بوجود آمده است. حتی در زمان حیات کنفوسیوس، حکمرانان وسیاستمردان سلطنت‌های باستان، هنگامی‌که به مردم‌خطاب می‌کردند، برای تائید نقشه‌ها ومقاصدخویش ازوقایع تاریخی ازسوابق گذشته‌و ازگفته‌های‌دانشمندان پیشین‌استفاده‌می‌کردند. و این شیوه چنان درشعور خلق استوارشدکه بعدها هنگامی‌که کنفوسیوس حاکم برعقول‌شد، استناد به نفوذ واعتبارش موثق ترین دلیل غیرقابل انکار در حل مبرم‌ترین مسائل مخرنج سیاسی روز گردید. حتی وقتی سون‌یاتسن از پیروزی‌انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتبر الهام گرفته‌خواست مراتب تحسین‌و تمجید خودرا نسبت‌به تبدلات عظیم احتماعی، که درروسیه روی می‌داد، بیان‌کند، گفت:

"دراتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی جامعه‌ای بنا شده‌است‌که کنفوسیوس آن‌را آرزو می‌کرد."

و نه تنها دمکرات انقلابی سون‌یاتسن، بلکه‌کمونیست‌های چین‌نیز دراحترام همگانی نسبت به‌کنفوسیوس شریک‌بودند. البته‌این یک‌تعظیم‌کورکورانه نبود، بلکه‌قدردانی ازشخصی بود که، به‌گفته یکی‌از نخستین کمونیست های انترناسیونالیست چین لی‌داچترائو، "حقیقتا محور جامعه ونابغه خردمند دوران خود بود". اما لی‌داچترائو در دنباله‌گفتار خود توضیح می‌دادکه، اگر او درعین‌حال "کنفوسیوس را مردود می‌داند، به‌شخص او حمله نمی‌کند، بلکه به‌آن بتی‌حمله می‌کند که شاهان چین ازکنفوسیوس ساخته‌اند. من نه‌به کنفوسیوس، بلکه به ماهیت‌خودکامگی، به‌روح آن حمله‌می‌کنم".

و تا به امروز نیز برخورد سالمی دراین‌افکار به چشم می‌خورد.

لیکن در حزب کمونیست‌چین، ازسالهای ۴۰، ارزیابی‌های دیگری از کنفوسیوس، از آموزش هواداران اولیه کنفوسیوس و شان یان، قوت گرفت، ارزیابی‌هائی‌که رقابت ومبارزه‌پنهانی گروه‌های مختلف در رهبری را منعکس می‌کرد. لوشائوچی مثلا سعی داشت کنفوسیوس‌گرائی ابتدائی‌رابامارکسیسم پیوندزندوبدین‌ترتیب‌نوع "مارکسیسم چینی‌شده" خودرا ایجادکند. در سخنرانی‌هائی، که او در سال ۱۹۳۹ در دانشکده‌مارکسیسم ــ لنینیسم یان ایرادمی‌کرد، هنگامی که می‌خواست خصائل یک "انقلابی باصفات عالی و از لحاظ سیاسی تزلزل‌ناپذیر" رانشان دهد، به همان‌اندازه که از مارکس و انگلس نقل قول می‌کرد، ازکنفوسیوس و من‌تسزی هم به‌فراوانی سخن می‌گفت.

دو "نمونه شخصیت"

مولف‌کتاب، پرلوموف، در این زمینه بادلائل کافی‌نشان‌می‌دهد که لوشائوچی در سخنرانی‌های خود آشکارااندیشه‌کنفوسیوس‌راتبلیغ میکرد که‌برطبق آن پرورش شخصی انسان ها شرط‌مقدم انتظام وهم‌آهنگی همه جامعه بطورکلی شمرده می‌شود. لوشائوچی درواقع "نجیب جوانمرد"، یعنی ایده‌آل کنفوسیوس رابه "کوشنده حزبی‌نمونه" مبدل‌می‌کرد.

درآن سالهامائوتسه دون هم احساسات وتصورات خودرادرباره‌طرق وشیوه‌های تبدل‌و تکامل شخصیت معین‌می‌کرد. درمسئله "نمونه‌شخصیت" اونسبت به هواداران عقایدشان‌یان و نه هواداران کنفوسیوس، حسن رغبت نشان می‌داد.

مائوتسه‌دون به ویژه ازشیوه‌های خشن اداره ونظارت برفعالیت‌اشخاص که طرفداران شان‌یان تبلیغ میکردند ازضدیت آنها باروشنفکری وروشنگری، ازمخالفت قطعی آنها باانتقاداز سران دولت، سخت خوشش می‌آمد. البته او این‌مطالب بسیارحساس را بیشتر در جلسات مشاورات دربسته عنوان‌میکرد وترجیح می‌دادموقتا بگوش همگان‌نرسد اما هم مائو و هم مخالفانش، به‌هجوم تاریخ گذشته به عرصه مبارزات سیاسی روز کمک می‌کردند. این وضع پس‌از ۱۹۴۹ نیز تغییرنکرد، بلکه برعکس، هروقت درگیری‌ایدئولوژی‌وسیاسی نوبتی روی می‌داد، شرکت کنندگان‌آن خردمندان‌باستان رابکمک می‌گرفتند، تا برحریف پیروز شوند. وتصادفی‌نبود که‌بسیاری از مخالفان نظرات مائو (در صفوف حزب‌کمونیست چین‌و خارج از آن) دلائل‌خودراعلیه شیوه و سبک رهبری مائو، علیه سیاست‌داخلی‌و خارجی او، بویژه از کنفوسیوس و هواداران‌اولیه او اخذ می‌کردند.

توسعه پرستش شخصیت‌مائو تسه‌دون، تجدیدنظردرتقسیمات‌کنگره هشتم‌حزب، ماجراجوئی‌ها در امور اجتماعی ــ اقتصادی ("جهش بزرگ"، "کمونی‌کردن" سراسری دهات) که سبب رکود، گرسنگی وشکست کامل شد، همه‌وهمه نارضایی‌رادرکشور شدت داد. وچون کمترکسی‌جسارت می‌کرد آشکاراعلیه‌مائووطرفدارانش برخیزد، جریان مخالف باز به همان شیوهٔ آزمون‌شده متوسل گردید، که عبارت بود از زدن وضع فعلی بوسیله گذشته . . . وکنفوسیوس در‌صفوف‌مخالفین‌مائو ظاهرشد.

اواخر سالهای ۵۰ ــ اوائل سال‌های ۶۰هجوم علیه‌مائودرمطبوعات‌به نحوی‌بسیار روشن استتارشده بود. می‌نوشتندکه، از سوی‌فرمانروایان چه خیانتی بزرگتر ازاین، که‌وصیت‌اساسی کنفوسیوس درباره اهمیت غیرقابل مقایسه مواظبت ازخیروصلاح خلق نقض شود. نویسنده‌ومورخ، اوخان، که درآن زمان معاون شهردار پکن بود، مقاله‌ای زیر عنوان "خای ژوی به امپراطور ناسزامی‌گوید"، آن هم در روزنامه "ژن‌مین‌ژیبائو" ارگان‌حزب، به چاپ رساند. چینی‌ها، که در خلال رویدادهای چهارصدسال پیش می‌خواندند چگونه‌صاحب‌منصب دولت خای ژوی، باجسارت وتندی هر چه تمامتر امپراطور رابه‌باد‌انتقادمیگرفت، بخوبی درک می‌کردندکه اوخان چه کسی را درنظرگرفته است. نویسنده مقاله‌مثلا چنین سخنانی را از گزارش خای ژوی به‌امپراطور نقل‌کرده‌بود:

"اکنون‌مالیات‌هاوعوارض‌بمراتب سنگین‌ترازآنند، که‌معمولا بود . . . مردم زیراین‌آسمان‌کبودمدتی‌است‌ناراضی‌اند. صاحب منصبان‌ومردم در دربار و درایالات به همه‌چیز پی برده‌اند. شما باپندارهایتان چنان غرق‌عرفانید که‌آرزوی ابدیت‌وجوانی‌جاویدان عقل شمارا تیره‌کرده‌است. تنهاخودتان را برحق‌می‌دانیدوانتقادرامردود می‌شمارید. خطاهای‌شما بسیار زیاد است . . ."

چنین‌مقالاتی رفته‌رفته زیادتر شدند. درسال ۱۹۶۱ اوخان‌نمایشنامه‌ای‌زیرعنوان "خلع درجه از خای ژوی" منتشرکرد، که‌در آن خطاب‌به امپراطور چنین‌آمده بود:

"درگذشته توبعضی‌کارهای نیک می‌کردی، اما حالا توجه‌می‌کنی؟! خطاهای خودرا‌تصحیح‌کن و به‌مردم‌امکان بده‌زندگی‌سعادتمندداشته‌باشند. تو خطاهای بسیاری مرتکب شده‌ای. اما خود را محق می‌شمری وازاین‌رو انتقاد را ردمی‌کنی . . ."

اشاره‌ای که دراین‌سخنان بود، برای همه روشن بود. سخنرانی‌مفصل وزیردفاع آن‌زمان پن‌دخوی درانتقاد ازخط‌مشی مائو را مردم به‌خاطرداشتند برای‌آنهائی‌هم، که هنوز در اهمیت واقعی اینگونه آثارادبی ممکن بودشک کننده، درسپتامبرسال ۱۹۶۲، همه‌چیزروشن شد: درجلسه‌عمومی کمیته‌مرکزی حزب، پن‌دخوی‌صریحا اعلام‌داشت‌که:

"من‌دیگرسکوت نخواهم‌کرد من می‌خواهم‌خای‌ژوی‌باشم" و سرنوشت بعدی اوچنان شدکه‌مائوئیست‌ها به فجیع‌ترین وضعی‌او رااز‌بین‌بردند. اما مبارزه‌سیاسی شدت‌گرفت و به موازات تشدیدآن، کنفوسیوس‌بیش از پیش به این‌مبارزه جلب می‌شد، چون برای انتقاد از "حکمران ناحق" "آموزش او بهترین‌وسیله‌بود. او رانمونه‌میآوردند به‌اواستنادمی‌جستندومائوئیست ها را به‌تصحیح‌اشتباهات خود فرا می‌خواندند.

زبان هزل برای افشای مائو

یکی ازدرخشان‌ترین و فعال‌ترین چهره‌ها درمیان‌مخالفین مائو عضو قدیمی‌حزب ونویسنده باتجربه دن‌تو بود، که‌تاسال ۱۹۵۹ سردبیرروزنامهٔ "ژن‌مین‌ژیبائو" بود. اوهمه قدرت قلم انتقادی رابه‌صورت داستانهای کوچک هزل‌آمیز وظریف درباره‌گذشته چین و بویژه کنفوسیوس بکارمی‌برد. دریکصد وپنجاه‌وسه مقاله‌او، که در سال های ۱۹۶۲ ــ ۱۹۶۱ در روزنامه‌عصر پکن منتشر شد، (واقعیتی که خود نشان می‌دهد، مائوئیستها درآن‌زمان‌نمی‌توانستند دهان دگراندیشان‌راببندند) اشاره به مسائل روز برای هرکس آشکار بود. دن‌تو تاریخ باستان را به خدمت اهداف سیاسی‌روز وامی‌داشت. او دانسته یاندانسته، کنفوسیوس و من‌تسزی رابصورت ایده‌آلی مجسم می‌کردکه‌گویا "می‌تواندشرافت، واقع‌بینی‌وخط مردمی رابرای حکمران آگاه توضیح‌دهد". اما برای او بویژه این نکته حائزاهمیت خاص بودکه‌بیعدالتی وبی‌انصافی استبدادخودکامه را به اثبات‌رساند، وبه‌این‌منظور "شان‌یان" را که‌مبلغ سیستم‌خشن استبداد شخصی بود، چون‌مظهر بیعدالتی وظلم هدف قرارمی‌داد. برای هرفردچینی‌آشکار بودکه‌درپس "شان‌یان" تاریخی، مائوتسه دون کنونی‌قرار دارد. ازاینرو نیز دن‌تومطئمن‌بودکه مقصد و مضمون کلمات‌اودرباره‌اینکه "مظالم استبدادی می‌تواند همچون‌خودکامگی، ذهنی‌گرائی‌وعوامفریبی پرسروصداوتوخالی توضیح داده‌شود"، برای هرخواننده قابل درک‌است. دن‌تو، حتی‌باتوسل به‌چنین شیوه‌های ارزیابی ازرویدادهای‌تاریخی، ازاحیای‌مناسبات‌دوستانه بااتحادشوروی هواداری‌می‌کرد، بررسی تجربه‌شوروی‌راضرورمی‌شمرد. در این مقالات، درسیمای آموزگار بزرگ کنفوسیوس، کشوراتحاد شوروی ودر صفت شاگرد متکبری، که از استاد روگردانده، مائو و هوادارانش مجسم می‌شدند.

مائوئیست‌ها هم کمترازدیگران نمی‌فهمیدندکه دن‌تو چه‌کسی رادرنظر دارد. آنها فقط درپی‌فرصت بودند. درسالهای "انقلاب‌فرهنگی" اوخان، دن‌تووهزاران‌اعضای‌حزب‌وغیر حزبی گرفتاربدترین‌تعقیب وتضییق شدند، درزندانها از بین رفتند. اما هنوز کنفوسیوس اعدام نشده بود.

مائوئیست‌ها اواخر "انقلاب‌فرهنگی"، پس‌از چندین‌سال مبارزه‌سیاسی بی‌رحمانه، که درآن ده‌هامیلیون‌انسان شرکت جست وآن خرابی‌های‌بیسابقه را ببارآورد، به سروقت اورفتند.

حزب بی‌رمق ومنکوب شد، مخالفین کم‌وبیش چشمگیر درمحضر عام مفتضح‌وسرکوب شدند، مطبوعات دربوق وکرنا از "پیروزی‌های‌عظیم صدرمائو در "انقلاب فرهنگی" خبر می‌داد. اما او خود می‌دانست‌که آخرین‌عمل‌بزرگی که‌طرح‌ریزی‌کرده‌بود، تاهمه‌زمام حاکمیت را شخصا ومنحصرا بدست‌گیردو مائوئیسم را چون یگانه ایدئولوژی‌حاکم برشعورخلق مسلط سازدهنوز به‌مقاصد خودنرسیده‌است. اومخالفین را نابودمی‌کرد، بدون‌اینکه **کوچکترین رحمی به‌کسی بکند ــ به همرزمان قدیمی‌خویش، به‌روشنفکران**، به‌دیگران باکینه‌ورزی وانتقامجوئی اختلاف نظرهای سابق رابخاطرمی‌آورد **وحتی‌اگر بهانه‌ای هم‌نمی‌یافت اتهاماتی عجیب‌وغریب سرهم‌بندی می‌کردتابالاخره‌آنها راسرکوب‌کند**. با مطالعه‌مطبوعات‌چین‌و اوراق "خون‌وی‌بین"‌های آن‌زمان‌انسان می‌توانست چنین‌تصورکندکه‌درسالهای‌دراز مبارزه انقلابی تنهاجاسوسان، دورو یان منحرفین و خائنین، مائوتسه دون را احاطه کرده‌بودند، بعضی‌ها، به‌قیمت قبول‌تحقیرهاواعتراف به‌هرگونه‌گناهی جان‌خود را به نحوی به سلامت در می‌بردند. اکثرآنها را مائو از لحاظ اخلاقی‌وسیاسی‌نابودمی‌کردوخیلی‌هارا به‌سادگی‌می‌کشت. اشخاص مشکوک، جاه پرست، دورو، که به‌وفاداری به "قائد عظیم‌الشان" واندیشه‌هایش سوگند می‌خوردند، جای‌کادرهای‌پرسابقه‌حزب وانقلاب رامی‌گرفتند. همه‌تاریخ حزب و انقلاب راچنان‌می‌نوشتندکه‌گویا ازآغاز تاآخرین‌روزها‌تنها‌مائوتسه‌دون‌بود که بی‌خطا ولغزش آنرامی‌آفرید. ظاهرا مقصدنزدیک‌بود. امابه‌یکباره‌حادثه‌ای‌غیرمترقبه‌روی داد: دشمن غدار و خیانت پیشه ازمیان‌نزدیک‌ترین‌کسان سربدرآورد. او "لین بیائو" بود، یعنی کسی، که مائوتسه‌دون‌خوداوراجانشین خویش معین‌کرده‌وبه‌نام "وفادارترین شاگردصدرمائو" مفتخرکرده‌بود. اورا ازهمه‌مقامات‌ودرجات‌محروم‌کردند، به‌کشتن‌دادند. بدست فراموشی سپردند، اوائل کارحتی‌نام او را هم نمی‌بردند، بعدشروع‌کردند درعرض چهارسال، تا زمان‌مرگ‌مائو در ۱۹۷۶، به‌انواع‌واقسام نام او را صرف‌کنند. و هنگامی، که‌مائوئیست‌ها یادداشت‌های شخصی‌روزانه لین‌بیائو را بدست آوردند، دیدندکه اوتنها‌نبوده‌است: پهلوبه‌پهلوی اودشمن‌دیگری دست‌به کاربود، که آن‌هم ــ کنفوسیوس پیربود. سایه پر عظمت او دائما مائو را تعقیب می‌کردومورد‌سرزنش‌وتوبیخ قرارمی‌داد. دریادداشت‌های‌محرمانه لین‌بیائو، که‌پس ازمرگ اوکشف‌شد، سخنان‌کنفوسیوس دیده‌می‌شد که همه برخلاف دستورها ونظرات اصلی‌مائو ــ تسه‌دون بود . . . بهر حال، ادعای تبلیغات رسمی‌چین، که تاکنون اعتبار خودراحفظ کرده‌است، چنین‌حاکی است. لیکن درتاریخچهٔ لین بیائو خیلی‌مطالب تاکنون تاریک ومستور است.

"جنگ صلیبی" برای سرکوب مخالفان

مائوتسه‌دون تصمیم به‌آغاز جنبش تازه‌ای گرفت، البته نه‌جنبش اندیشه‌ای سیاسی نوبتی، بلکه "جنگ‌صلیبی" به‌قصدریشه‌کن کردن اسامی لین‌بیائووکنفوسیوس ازشعورها. بخش‌دوم‌کتاب ل. س. پرلوموف رویدادهای سالهای ۱۹۷۶ ــ ۱۹۷۱ را بررسی‌می‌کند، یعنی سالهائی‌که‌مشحون ازمبارزه‌بیرحمانه‌علیه لین‌بیائو و کنفوسیوس بود ــ یکی کشته شده در سال ۱۹۷۱ ودیگری بدرود حیات گفته در دوهزار وپانصدسال پیش ازآن. در فصل‌های‌آخرکتاب مولف علل این اعمال مائو، نظرات‌خود، جریان

بقیه در صفحه ۴

مائوو ...

بقیه از صفحه ۳

رویدادهاومعنای سیاسی آنها را روشن کرده است.

مائونمی خواست به این واقعیت تن در دهدکه آموزش کنفوسیوس همچون سلاحی علیه بینش‌هاوسیاست او باقی مانده است. اگر نزدیک ترین آدم او خیانت کرده وصایای کنفوسیوس را علم می‌کرد، پس می‌بایست هم منافقین و هم بدعت ونفاق را ریشه‌کن ساخت. مائوئیست‌ها، که به‌هرگونه حادثه غیر مترقبه درچین عادت کرده بودند، لازم بودکه به نحوی خبرخیانت لین بیائو را تدارک ببینند. به‌همین سبب نخست شروع کردند "متقلبی چون لیوشائوچی" را رسواکنند وسپس به‌دیگران بپردازند سپس خیانت‌های لین بیائو را اعلام کردند، که‌یکی ازآنها، وهولناک ترین آنها درنظرمائوئیست‌ها، این بود: لین بیائو بااستناد به‌کنفوسیوس علیه تشدیدوخامت درمناسبات با اتحاد شوروی هشدارمی‌داد. هنوز درسال ۱۹۶۰، درآغازهجوم مائوئیستی به مواضع حزب، همین لین بیائو بود، که باز هم بااستفاده ازسخنان کنفوسیوس اعلام کرده بود: " اگر دونفر با هم خصومت ورزند، ازیکدیگر نفرت میکنند واگر بین آنهاتوافق برقرارباشد، آنها باهم دوست می‌شوند ". گویا ازهمان زمان شوروی ستیزی رهبری مائوئیستی چین را لین بیائو، بطوریکه بعدا گویا تحقیق شده است، به دفعات محکوم می‌کرد، "افراطی"، "زیاده‌ازحد" و "اشتباه آمیز" می‌نامید. به نظر مائوئیست‌ها، این مطلب می‌بایست همگان را به‌خیانت‌کاری لین بیائو معتقدسازد طبق داده‌های دیگر، لین بیائو با قاطعیت مخالف خط مائوتسه‌دون — چوئن‌لای جهت نزدیکی چین به‌ایالات متحده‌آمریکا بود.

لین بیائودر محافل خصوصی هواداران خودنظریه‌کنفوسیوس‌مبنی‌بر "اداره‌انسانگرایانه "کشوررامورد تمجید قرارمی‌داد. و به رعایت اصول کنفوسیوس خیرخواهی، انساندوستی، عدالت، صداقت وگذشت فرامی‌خواند. درهرحال اینها بودآنچه که تبلیغات چین به‌اونسبت می‌دادتا به اصطلاح عمق سقوط اورانشان دهد. در حالیکه بالین بیائو، تسویه حساب می‌کردندکنفوسیوس راهم فراموش نمی‌کردندوخواستارمی‌شدندتا " اورانیز مانند موشی، که ازجلوی راه‌ردمی‌شود، بزنند "زیراکه لین بیائو و دوستانش سخنان کنفوسیوس راتقریبا بمرامنامهٔ سرّی فعالیتهای خودشان مبدل کرده بودند. چنین نیت سوء قصد کنندگان رامثلا نمونه می‌آورند: "بایدخودداری کرد، برای اینکه‌به‌قواعدکهنه‌رجعت‌کرد" درپس این سخنان کنفوسیوس، که لین‌بیائو آنها رانوشته بود، دعوت به احیای نظریه وسیاست‌تدوین شده‌در کنگره‌هشتم حزب رامی‌دیدند، سخن دیگرنقل شده ازکنفوسیوس، دائر بر اینکه "هرکه به خیرخواهی تکیه‌می‌کند رشدمی‌کند وهرکه‌به قهر متکی‌است از بین‌می‌رود "به‌معنای‌انکار" انقلاب فرهنگی "تعبیر می‌شد. مائوئیست ها مدعی بودندکه‌بااین‌سخنان— " باید سلطنت های از بین رفته رااحیا کرد، رشتهٔ قطع شدهٔ نسلها—را ازنوپیوست، برکنارشدگان‌از وظایف را به کار دعوت کرد " — لین بیائونقشه خودرا برای انشعاب در حزب، برای "تجدیدتقسیم حاکمیت"، برای ایجادکمیته‌مرکزی‌نو طرح کرده بود. مولف‌کتاب متذکرمی‌شودکه " لین بیائو" مانند دن‌تو و اوخان، نه فقط به‌نفوذ واعتبار کنفوسیوس رجوع‌میکرد بلکه انسانگرائی کنفوسیوس، ستایش دانش وغیره را درمقابل خود کامگی مائوئیستی قرارمی‌داد، یعنی‌آن‌عناصر معقولی ازآموزش کنفوسیوس را درنبرد با مائوئیسم واردمی‌کرد، که‌در شعور عادی هرچینی‌پایدارشده بود ".

دشوارمی‌توان گفت که‌واقعیت امر چه بوده است. رفتار لین بیائو اظهارات علنی و کردار او باچهره کسی که طرفدار شیوه‌های انسانگرایانه اداره کشور ومخالف اصولی مائوئیسم باشد، جوردرنمی‌آمد. بیش از هرچیز بنظرمی‌رسد، که او قربانی نزاع بر سر قدرت شد، که‌درسرنوشت‌آن چوئن‌لای نقش‌معینی بعهده‌داشت. درهر حال لین‌بیائو، درآخرین نبردپیروز نشد او مرد، اما مائو هم دراین زدو خورد پیروز نشد، باوجوداینکه‌دستگاه‌عظیم تبلیغاتی دراختیاراوبود، غیر از برد تاکتیکی، مبارزه‌علیه لین‌بیائو و کنفوسیوس رویهمرفته به‌سودمائو و آموزش اوتمام نشد. افزون‌براین، بامرگ مائوشکست مائوئیسم وبحران ژرف آن چنان‌واقعیتی شدند، که جانشینان کنونی اوهم نتوانستندآن‌راپوشیده دارند. لیکن‌بجای‌این‌که باشجاعت و قاطعیت‌میراث خانمان‌برانداز مائوئیسم را بدور اندازند، جانشینان‌اوراه بهبودبخشیدن به‌آن، تصفیه آن از بعضی‌منفورترین جنبه‌هایش رادرپیش گرفتند تاشایدآموزش‌مائو رانجات‌دهند ازبحران درآورندوآن‌رابخشی‌ازفرهنگ ملی‌چین‌کنند. غافل‌ازاینکه روی چنین زمینه‌لرزانی‌نمی‌توان‌سیاستی‌بناکرد که پاسخگوی منافع ملی باشد. و از کجا معلوم، که بازهم‌مزاحمت سایه های نیاکان باستان ضرورت پیدانکنند. تابه حکمفرمایان‌گوشزد شودکه دلسوزی برای رفاه‌خلق‌بالاترین‌وظیفه‌آنهاست.

(از "عصرجدید" شماره ۳۰ سال ۱۹۸۱)

مجلس شورای اسلامی درهفته‌ای که‌گذشت:

رأی به‌آقای خامنه‌ای رأی به‌خط امام بود

● نمایندهٔ مردم ممسنی: با تصویب قوانین انقلابی باید جواب دست‌های پینه بستهٔ کوخ نشینان را داد.

● نمایندهٔ مردم نطنز: برخورد بافریب‌خوردگان باید انسانی وحساب شده باشد.

مجلس شورای اسلامی هفتهٔ گذشته‌شاهد مراسم تحلیف سومین‌رئیس جمهور ایران، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای بود. دراین‌مراسم حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی ضمن سخنانی یادآورشدکه: رای به ایشان (رئیس‌جمهور) یعنی‌رای به‌امام، به روحانیت، به‌انقلاب به‌مجلس ورای‌به‌خط امام رای‌به ایشان‌یعنی محکوم‌کردن‌ضد — انقلاب. رئیس‌مجلس همچنین جوابیهٔ امام خمینی‌رهبرانقلاب رابه‌مجلس‌در رابطه با امر ولی فقیه‌ودادن اختیاربه‌نمایندگان مردم‌برای حل‌مشکلات اساسی انقلاب‌ونشانهٔ‌اعتماد ایشان‌به مجلس دانست.

اولین‌جلسهٔ علنی‌مجلس‌شورای اسلامی درهفتهٔ‌گذشته روزیکشنبه ۱۹ مهرماه‌تشکیل‌شد. دراین‌جلسه ابتدا سیدحسن‌شاهچراغی نمایندهٔ مردم دامغان به‌عنوان‌اولین ناطق پیش از دستور سخن‌گفت. وی درآغازسخنان خود با اشاره به نطق اخیر مهندس بازرگان در ارتباط با وضعیت کنونی کشورگفت:

"من‌فکرنمی‌کردم بعد از آن تروریسم‌کوروکری که درایران به راه افتاده‌بود و بسیاری از خادمان به‌ملت وبزرگان وعلما و چهره‌های‌محبوب‌این مردم راگرفت وبعدازافشای خیانت و وابستگی سران تروریست‌ها و منافقین برای کسی در بطلان‌راه‌آنهاوحقانیت راه‌مردم‌تردیدی باقی‌مانده‌باشد."

ناطق دربخش‌دیگری‌از سخنان خود بااشاره به‌سفرش به‌کشورهای‌هند وپاکستان‌گفت: "دشمنان ما گسترده عمل‌می‌کردند. میلیونها تومان درروز خرج‌می‌کردند، روزنامه‌هارامی‌خریدند چهره‌هارامی‌خریدند، باعلما ارتباط برقرارمی‌کردند... درحالی‌که‌ماهیچ اقدام‌موثری درزمینهٔ تبلیغاتی تا به حال به‌شکل منظم نکرده‌بودیم."

دومین‌ناطق پیش از دستوراین جلسه‌محمدعلی‌بشارتی نماینده مردم جهرم‌بود. وی‌طی سخنانی به ثمرات‌و نتایج‌سفرهیئت‌ایرانی به‌کنفرانس‌بین‌المجالس که‌چندی پیش در هاوانا پایتخت کوبابرگزارشد، اشاره‌کرد، آن گاه‌به‌دیدار فیدل کاسترو رهبر کوبابا اعضای هیئت نمایندگان ایران پرداخت و ضمن تشریح استقبال گرم کاسترو از ایرانی‌ها، تاکید کرد که کاسترو چپ‌های امریکائی را عامل ترورها وانفجارهای اخیر کشورما ن می‌داند. ناطق سپس از قول کاسترو چنین‌گفت: "من‌می‌دانم که شما به رویاهای خود می‌رسید وموفق‌میشوید کهمنطقهٔ خاورمیانه را از لوث نفوذ امپریالیسم پاک‌کنید."

"نمایندهٔ مردم جهرم سپس یادآورشدکه‌کاسترو "مسائل‌رااستادانه تجزیه وتحلیل "می‌کردو "هروقت‌اسم امام می‌آمد کرنش می‌نمود "وی‌افزود "وقتی از کاسترو دعوت‌شدکه‌به‌ایران بیایدوبا امام‌خمینی‌ملاقات‌کند سلام نظامی داد و گفت: "افتخارمی‌کنم."

پس از پایان نطق‌های پیش از دستور حجت‌الاسلام‌رفسنجانی‌رئیس مجلس ضمن‌سخنانی به‌نامهٔ جوابیهٔ امام‌خمینی به‌پادشاه‌عربستان اشاره‌و ازآن تجلیل کرد. آنگاه تذکرات‌برخی نمایندگان از سوی رئیس مجلس‌عنوان شد وسپس مجلس کار بررسی لایحهٔ تشکیل"سازمان‌بازرسی کل کشور " را ادامه‌داد. کل این لایحه‌دراین‌جلسه به‌تصویب رسید.

در دومین جلسهٔ علنی مجلس که‌روز سه‌شنبه تشکیل شد، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای ضمن‌مراسمی که درحضور اعضای شورای نگهبان، هیئت‌دولت، شورای عالی قضائی، رئیس دیوان‌عالی کشور و جمعی از معلولین انقلاب و خانواده‌های شهدا برگزار شد، سوگند یادکرد.

پیش از این مراسم، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس طی‌سخنانی با اشاره به نامهٔ امام خمینی به‌مجلس درباره‌امرولایت آنرانشانهٔ‌اعتماد امام به اکثریت نمایندگان‌مجلس دانست و اظهار امیدواری کرد که در امر قانونگزاری مجلس به "افراط و تفریط" کشیده‌نشود وی دربخش دیگری‌ازسخنان خود به‌نویسندگان وگویندگان ونیز ارباب جراید در مورد گفتار ونوشته‌هایشان تذکراتی داد و گفت: باید مراقب باشندکه‌مبادابهانه‌ای دست مخالفان بدهندو مایهٔ بی‌ثباتی یامانعی در راه اهداف صحیح اسلامی گردند."

رئیس مجلس آنگاه در ارتباط بامراسم تحلیف ریاست‌جمهوری ضمن سخنانی به شرکت عظیم و گستردهٔ جامعه در انتخابات اخیر" اشاره‌کرد و تاکیدکردکه رای به (حجت‌الاسلام خامنه‌ای) رای به‌خط امام‌بوده‌است.

پس از سخنان رئیس مجلس، حجت‌الاسلام سیدعلی‌خامنه‌ای، رئیس جمهوری، مطالبی بیان‌داشت. وی در آغاز سخنان‌خود یادآورشد که در این انتخابات مردم به یک "جریان"رای دادند ونه‌به‌یک‌شخص. رئیس جمهوردر بخش دیگری ازسخنان‌خود گفت: بر تاریخ‌کوتاه‌جمهوری اسلامی دوره‌ای گذشته‌است که رئیس جمهور در فهم و معنای ریاست جمهوری اشتباه و تصور میکرد که ریاست جمهوری یعنی‌سلطنت

رئیس جمهور در ادامهٔ سخنان خود ازمجلس‌خواست که‌درجهت تسهیل امور رئیس جمهور را یاری کند. حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای در پایان سخنان‌خود به‌نقص‌ها وکمبودهای جامعه اشاره کرد وگفت: "مانقص‌ها وکمبودهای زیادی داریم که باید جبران شود ازجمله‌این کمبودها، کمبود نیروهای‌کارآمدی‌است که‌بایدبکارآیند."

پس از پایان سخنان ریاست جمهوری مراسم ادای سوگندبه‌عمل‌آمد. وآنگاه‌آیت‌الله‌موسوی اردبیلی رئیس دیوان‌عالی‌کشور، سخنانی‌ایراد داشت وی انتخابات ریاست‌جمهوری رانشانه‌ای از"همراهی قاطبهٔ مردم به خصوص قشر عظیم مستضعف"، درحل "مشکلات اقتصادی، نظامی وپیکار علیه توطئه‌ها حمله‌ها، هجوم‌ها، شیطنتها از خارج وداخل" دانست.

رئیس دیوانعالی کشور ضمن اشاره‌به‌مسئولیت‌های عظیمی‌مانندقوام بخشیدن‌به‌انقلاب وحفظ و مراقبت از خطوط‌اصلی آن و حل مسائل امنیتی‌و اقتصادی، بازگشائی دانشگاه و حل مسئله جنگ وپیامدهای‌آن که در برابر ریاست‌جمهوری قراردارد، اظهارامیدواری‌کردکه‌بتوان با وجود امکانات بسیاری‌که‌دراختیاراست، این‌مسئولیت‌ها را به‌نحو احسن انجام‌داد.

دراین‌جلسه همچنین احمد کاشانی نمایندهٔ مردم نطنز و قمصر به عنوان ناطق پیش ازدستورسخن گفت. وی دراغاز سخنان خود به نطق پیش ازدستور مهندس مهدی‌بازرگان درباره وضع‌کنونی‌کشورکه‌درجلسه‌روزچهارشنبه گذشته‌مجلس به‌عمل‌آمد، اشاره‌کرد و ضمن‌تاکیدبرمخالفت‌خودبامواضع‌آقای بازرگان اقدام معترضین را که منجر به قطع این نطق وتشنج مجلس‌شد، مورد انتقاد قرار داد. وی در بخش دیگری‌از سخنان‌خود یادآورشد که: "عنوان مطالبی حتی خلاف واقع این‌حسن را دارد که مردم که اصلی ترین عامل انقلاب هستند خود شناسایی کنندو تصمیم لازم رااتخاذکنند، همانطور که درمورد بعضی ازنمایندگان طردشد چنین‌کردند"

ناطق دربخش‌دیگری‌ازسخنان‌خود بمسئلهٔ‌اعدام‌ها وترورها اشاره کرد و گفت:

"مسئله دارای همهٔ‌ابعادسیاسی اقتصادی، اجتماعی وخصوصا انسانی بوده و از اهمیت فوق العاده‌وویژه‌ای برخوردار است و من آن‌را بزرگ ترین جنایت و رذالت استعمار از آمریکای جهانخوار گرفته تاسایر متجاوزین به حقوق ملت‌ها ورهبران و مسئولان‌تبهکار این‌گروهک‌ها می دانم."

وی دربخش‌دیگری‌از سخنان‌خود ضمن‌یادآوری این نکته که باید مسئله برخورد با این گروه‌ها را جدی گرفت وضایعات آنرابه حداقل رسانید، خاطر نشان‌ساخت‌که:

"در روز حکم ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای، حضرت امام به مسئله‌ای که‌بطور جدی پرداختند قضیه‌همین فریب‌خوردگان‌داخلی بود. کلمه‌ای که بزرگان مملکت روی‌آن تکیه می‌کنند و دربارهٔ اینان بکارمی‌برند، فریب‌خورده بودن‌آنها است و امام عزیزمان‌وحضرت آیت الله منتظری‌بالحنی سوزناک وکرارا ریاست‌محترم‌مجلس‌روی‌این‌نکته نیزتکیه‌نمودند ومن‌روی همین‌کلمه به نمایندگان‌محترم ومسئولان‌امریادآور می‌شوم‌که‌برخورد با اینان‌خیلی حساب شده‌وسنجیده‌باشد."

دراین‌جلسه‌همچنین "لایحه تاسیس سازمان تربیت‌بدنی و ورزش جمهوری اسلامی "برای‌بررسی‌وتصویب به‌کمیسیون‌مشترک‌نخست‌وزیری آموزش وپرورش‌وامورداری‌واستخدامی ارجاع شدهمچنین کلیات‌لایحه نحوه بازنشستگی‌وبازخریدخدمت‌کارکنان مازاد براحتیاج‌دولت‌وکلیات‌لایحه‌راجع به اعاده به‌خدمت کارکنان‌بازنشسته‌دولت مطرح‌شدکه‌کلیات‌این‌دولایحه‌ازتصویب نمایندگان‌گذشت. همچنین‌یک فوریت طرحی دربارهٔ تعیین‌تکلیف‌نمایندگانی که بیش از ۳۰روزمتوالی‌و۶۰روز غیر— متوالی درسال غیبت‌غیرموجه‌دارند، موردتصویب قرارگرفت. در این‌جلسه، همچنین آقایان‌حسین کمالی و خسرو ناقی نمایندگان جدید مجلس شورای اسلامی که عضویت آن‌هادرمجلس‌مورد تصویب قرارگرفته‌بود، مراسم‌تحلیف‌به جاآوردند.

سومین جلسهٔ علنی‌مجلس روز پنجشنبه۲۳ مهرتشکیل‌شد اولین‌ناطق پیش از دستور این جلسه شجاعیان نمایندهٔ مردم‌ممسنی بود که‌طی سخنانی به‌گسترش جنبش‌انقلابی در کشور های مصر وسودان‌اشاره‌کرد. وی در بخش دیگری ازسخنان‌خود ضمن‌اشاره‌به‌سفرهای‌اخیررهبران‌کشورهای‌امپریالیستی چون‌تاچر وهیگ‌به‌منطقهٔ خاورمیانه‌این تلاش‌هارا توطئه‌های‌امپریالیستی علیه منطقه‌وانقلاب‌ایران دانست. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به‌این نکته که نگاه مستضعفان جهان‌به انقلاب اسلامی‌ایران‌دوخته‌شده‌است، خواستار گام‌های اساسی برای‌پایه‌ریزی شالوده‌های‌انقلاب‌شد. وی آنگاه‌گفت:

"باید جواب دست‌های‌پینه‌بسته کوخ‌نشینان را داد و با تصویب‌قوانین اسلامی وانقلابی دست دشمنان واقعی جمهوری اسلامی از حقوق مستضعفین کوتاه‌کرده و این ایادی امپریالیسم را به‌دنبال آقای خود فرستاد".

وی با اشاره به‌دوخط"استضعاف و"استکبار"خواستار ناامیدکردن "خط استکبار"شد. ناطق در پایان سخنان خودخواستار گسترش تعاونی‌های‌شهری وروستائی برای کوتاه‌کردن‌دست‌واسطه ها، ارائه‌برنامه جهت پایه‌ریزی صنایع ماشینی، بازگشایی دانشگاه‌ها، بویژه برای تامین کمبود کادر پزشکی و اقداماتی جهت تامین‌کمبود ماشین‌های‌کشاورزی شد.

دراین‌جلسه همچنین آقایان عالی‌پور وسید زارع به‌عنوان‌ناطق پیش‌ازدستور مطالبی بیان‌داشتند.

باتحکیم وتقویت صف متحد نیروهای مردمی وضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!

تفسیر وقایع مهم جهان

امپریالیسم آمریکا دندان نشان میدهد

دنیا با شتاب بسوی دگرگونیهای بنیادی پیش‌میرود وهمزمان بااین روند اجتناب ناپذیر تاریخی ،مقاومت نیروهای واپس گرای امپریالیستی دربرابر این دگرگونی ها نیز افزایش‌می‌یابد . سراسر گیتی صحنهٔ رویاروئی خلق‌ها با امپریالیسم غارتگر و بـه ویـژه امپریالیسم آمریکاست . رویاروئی هرجا شکلی بخودمیگیرد .گاه تظاهرات و راه‌پیمائی های چندصدهزارنفری با شعار صلح و منع سلاح نوترونی است ،گاه‌دیگر رگبار مسلسل و گاه فریادهای خشم‌آلود مرگ برآمریکا ، مرگ بر اسرائیل . اماشکل ها هرچه باشد محتوی یکی است . دنیای کنونی‌ما دیگر تاب تحمل نظام غارتگر سرمایه‌داری و پیامدهای ناشی از آن‌را ندارد .هرحادثه‌ای که امروز در صحنه‌سیاست بین‌المللی روی میدهد ،تنهادرچارچوب این مبارزه‌جهان‌گستر خلق‌ها بر ضد امپریالیسم غارتگر قابل درک وتفسیر است . تنها بر این پایه‌است‌که می‌توان بین‌گلوله‌ای که بر قلب سادات نشست وگلوله‌ایکه بر قلب یک مزدور دیگر امریکائی در السالوادور مـی نشیند خویشاوندی منطقی یافت .اکنون منطقه خاور نزدیک ومیانه‌به‌یکی از کانون‌های شعله‌ور این رویاروئی تبدیل شده‌است . ازهنگامیکه‌انقلاب افغانستان وپس‌ازآن انقلاب‌بزرگ ایران زیر پای امپریالیسم‌را جارو کرد ، منطقهٔ خاور نزدیک و میانه به مرکز توطئه‌های ضدانقلابی شیطان‌بزرگ ودستیارانش تبدیل شد . هدف ازتمام‌این توطئه‌هامتوقف‌کردن موج‌انقلابی‌برخاسته‌در منطقه وسپس سرکوب آن بود . در شرایطی که امپریالیسم‌جهانی دیگر نمیتواند چون‌دوران گذشته با مداخله مستقیم نظامی جنبش‌های انقلابی را سرکوب کنـد ، نقش اصلی در اجرای این توطئه‌ها بعهده‌دست‌نشاندگان محلی‌امپریالیسم کـه انقلاب های افغانستان وایران به‌همان اندازه آنهـا را تهدید میکند واگذار گردید .ضیاء‌الحق دست دردست سادات ،اسرائیل ،انگلستان ، امریکا چین "مسئله‌افغانستان" را به‌وجود آورد ، صدام به‌ایران حمله‌کرد ،اینک مصر و سودان لیبی را هدف گرفته‌اند وملک حسن الجزایر را . درتمام‌این توطئه‌ها نیز عربستان سعودی با نثار دلارهای نفتی مداخله مستقیم دارد . حلقه‌این‌توطئه‌ها از شمال افریقاتاجنوب آسیا گسترده‌شده‌است .امپریالیسم‌آمریکا و هم‌دستان اروپائیش تعرض خود را علیه‌جنبش‌های انقلابی و رژیم‌های مترقی منطقه آغاز کرده‌اند . پیمان‌استراتژیک آمریکا و اسرائیل تکیه‌گاه این‌تعرض ضد انقلابی‌است .امریکائیها درصحنه‌اند واسرائیلـی‌ها و جنایتکارانـی چون نمیری وحسنـی مبارک و ضیاء‌الحـق‌و ملـک خالـد و دیگر بندگـان گـوش به فرمان آنهادرپشت‌صحنه .خلق‌های این‌منطقه که‌به‌دلایل سیاسی‌واجتماعی‌وفرهنگی‌ومذهبی میتوانند دریک‌جبهه نیرومند ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی گردآیند و راه‌نفوذی‌غارت‌گران بین‌المللی راسدکنند ،در اثر خیانت‌این خودفروختگان به‌روی هم تیغ میکشند .صدام خائن هزاران فرزند برومندعراق و ایران و میلیاردها ثروت این دوکشور را که میتوانست درمبارزه‌عادلانه‌خلق‌های منطقـه بـر ضد امپریالیسم وصهیونیسم نقش موثری ایفاکنداز میان‌برده‌ومیبرد .هم‌اکنون نیز نمیـری برای انجام‌چنین‌خیانت ننگینی برضدلیبی تدارک می‌بیند .اگر در عراق ،امریکائی‌ها در پشت پرده‌مخفی شده‌اند ،در سودان بطور علنی‌در میدان هستند .امریکائیها اعلام‌کرده‌اند که‌به سودان‌برای‌حمله‌به‌لیبی‌سلاح و کمک نظامی میدهند .هم‌اکنون سیل سلاح‌ها و مستشاران امریکائی به‌خرطوم سرازیرشده‌است . درمانورهای‌بزرگی که‌بزودی باشرکت‌مصر و سودان و ارتش امریکا انجام‌میگیرد ،چتربازان‌امریکائی درمنطقهٔ هم‌مرز بالیبی پیاده‌میشوند .نمیری در مصاحبه خود با فرانس‌پرس آشکـارا گفته است‌که‌برای سرنگونی رژیم‌قذافی که‌دست‌نشاندهٔ مسکواست به‌لیبی حمله‌خواهد کرد . هرسه‌کشور :امریکا ،مصر ،سودان ، با کمال بیشرمی‌ادعا کرده‌اند که لیبی‌امنیت منطقه را بخطر افکنده‌است .معلوم‌نیست لیبـی این کشور کوچک چندمیلیونی‌چگونه میتواندمصرو سودان‌را که چندین برابر بزرگتر ونیرومندتر از لیبی هستند تهدید کند .از آن گذشته چه کسی‌به‌امریکا حق‌داده‌است که داور بین‌المللی باشد .مداخله علنی امریکا در منطقه روز بروز شکل خطرناکتری به‌خودمی گیـرد . سیاست سرکوب جنبش‌های انقلابی در جهان که‌حکومت ریگان آنرا سیاست رسمی‌خوداعلام کرده‌است ،میتواندعواقب بسیار زیـان‌باری برای صلح‌منطقه وجهان دربرداشته بـاشد . هشدار دولت شوروی به امپـریـالیست های امریکائی که می‌خواهند به بهانهٔ مرگ‌سادات نیروهای‌نظامی‌خودرا در مصر و سودان مستقر کنند و جنبش انقلابی خلق‌های آن دوکشور و دیگر کشورهای منطقه را سرکوب کنند ،می‌تواند عامل بازدارندهٔ نیرومندی در بستن دست‌هارترین جناح‌امپریالیسـم امریکا در مداخله مستقیم نظامی باشد ،اما بـی‌تردید امپریالیسم از سیاست تحریک‌وبرافـروختن آتش‌جنگ بین‌کشورهای‌منطقه‌دست‌برنخواهد داشت . توطئه‌های‌امپریالیستی و ضد انقلابی درهرجا بشکلی ادامه خواهد یافت . در همان حال که‌نمیری وحسنی‌مبارک باتحریک امریکا برای سرنگونی رژیم قذافی در افریقا توطئه می‌چیند در اینسوی آسیا ضیاء‌الحق پاکستان رابه‌سرپل ضدانقلاب تبدیل‌نموده‌است .

پاکستان مرکز توطئهٔ ضد انقلابی

نقش پاکستان در کمک به امپریالیسم امریکا برای توطئه‌های آن بر ضد هندوستان افغانستان و ایران روز بروز روشنتر میگردد . علیرغم تمام‌تلاش‌هائیکه دولتهای‌هندوستان وافغانستان برای برقراری مناسبات دوستانه با پاکستان وعقیم‌گذاردن‌طرح‌ها وبرنامه‌های امپریالیستی در منطقه بعمل می‌آورند ، رژیم ضیاء‌الحق همچنان به سیاست خائنانه‌ضدانقلابی خود ادامه میدهد .مثلـث امریکا ، عربستان سعودی ،پاکستان به تکیه‌گاه ضدانقلاب جهانی دراین‌منطقه مبدل‌شده است . بی‌علت‌نیست‌که‌اسلام‌آباد به زیارتگاه بلندپایگان دولت‌های‌امپریالیستی تبدیل‌گردیده است . سفر اخیر تاچر نخست‌وزیر انگلستان به پاکستان ،یکی دیگر از مظاهر قدردانی‌استعمار نو از این‌نوکر سرسپردهٔ خود بود . تاچـر در این‌سفربه‌گفته‌رادیوی بی‌بی‌سی "اصرار ورزید که‌اورا به‌مرز افغانستان ببرند. وی در مرز به "آنطرف" اشاره کرده گفت ما میخواهیم آن کشورآزاد باشد . سخنگوی دولت محافظه کار بریتانیا در حسرت "آزادی "افغانستان آه‌می‌کشد .کیسه‌تهی‌امپریالیسم‌بریتانیابه‌خانم‌تاچر امکان‌نمی دهدکه‌چون‌عربستان‌سعودی ،آمریکا و چین به‌منظور خرید سلاح و تجهیزات برای "مبارزان "افغانی صدها میلیون دلارخرج‌کند امااونیز بقدروسع‌خود دومیلیون دلاربه‌آنان اهداکرد تا افغانستان را ازچنگ‌دشمنان‌اسلام "دست‌نشاندگان‌مسکو" آزاد کنند . هرجنبش انقلابی ،هرمبارزه‌توده‌ای در هرجای جهان اتفاق افتد امپریالیست‌ها آنرا به "عوامل‌مسکو" نسبت‌میدهند . درلیبی ،در افغانستان ، در ایران ،در السالوادور ،درجنبش و تظاهرات ضدجنگ در اروپا و امریکا همه‌جا و همـه جا "دست‌مسکو" در حرکت است .



اتهام کثیف به جنبش ضدجنگ

جنبش مبارزه علیه سیاست جنگ‌طلبانه امریکاواقعا مقیاس جهانی به‌خود گرفته‌است . درتمام‌کشورهای اروپا وحتی در خود امریکا صدها هزارنفر به‌اشکال مختلف :امضـا کردن طومار ،راه‌پیمائی ،تظاهرات ،اعلامیه و غیره مخالفت خودرا باسیاست مسابقهٔ تسلیحاتی و بخصوص‌تولید سلاح‌های مرگبارتازه از قبیل بمب‌نوترونی و موشک‌های ام .اس. و غیره اعلام‌میدارند .تنها در آلمان غربی بیش‌از یک میلیون و پانصد هزارنفر طوماری را که در آن‌نسبت‌به‌استقرار موشک‌های امریکائی درخاک کشورشان اعتراض‌شده‌است .امضاکرده‌اند .

امپریالیست‌های‌امریکائی ایـن جنبش را نیزنتیجه تحریکات "مسکو" وانمـود کرده جزوه‌ای از باصطلاح "اسناد "مربوط به‌ارتباط جنبش‌صلح را با اتحادشوروی منتشر ساختند . بدنبال‌این اقدام لونز دبیر کل‌ناتو ادعای اربابان آمریکائی خود را تکرار کـرد و گفت سازمان‌های طرفدار صلح هلند از شوروی‌پول گرفته وزیرنفوذ شوروی هستند .سخنان لونزبا اعتراض‌جدی وزیر کشور هلند روبرو شدواو در پارلمان آن کشور از لونز و سایر رهبران ناتو خواست ازتـهمت زدن به انسانهای شریفی که درجنبش صلح شرکت دارند دست‌بکشند .

جنبش صلح‌اکنون بصورت یـک جریان نیرومند ضدامپریالیستی که‌می‌تواندتمام‌کارت‌های‌امپریالیست‌ها را برهم زند‌درمی‌آید .این جنبش نیز یکی دیگر از اشکال رویاروئی‌خلق‌ها بانظام‌جهنمی سرمایه‌داری است‌که‌درشرایط کنونی که‌خصلت ماجراجویانه‌امپریالیسم شدت یافته ،از اهمیت ویژه‌ای برخورداراست . تمام مسائل دیگر در مقایسه با مسئله حفظ صلح که بقای جامعه بشری بدان‌منوط است جنبهٔ فرعی ودرجه‌دوم پیدامیکند .نظـریـه پـردازان امپریالیستی میخواهند ثابت کنند که جنگ هسته‌ای ــ موشکی‌چندان هم خطرناک نیست‌و درصورت بروز جنگ نیز میتوان‌زنـده ماند . شاید آنان دربارهٔ خودشان ومشتی سرمایه‌دار بزرگ که از هم‌اکنون پناهگاه‌های عمیق‌ضد‌اتمی برای خودآماده‌کرده‌اند ،درست‌میگویند اماآنچه مسلم‌است در پایان یک جنگ هسته‌ای کره ما چیزی جز یک قبرسـتـان بـزرگ مستضعفان نخواهد بود .جنبش صلح که‌می‌تواند دست‌جنایتکار اهریمنان جنگ‌طلب‌را از حرکت بازدارد ، کمک مستقیم به خلـق های اسیر در مبارزهٔ ضدامپریالیستی آنان است. جنبش ضدجنگ یکی از مهمترین عوامل بازدارندهٔ امپریالیسم امریکا در جنگ ویتنام‌بود واکنون نیز این جنبش نقش مهمی در خنثی کردن ماجراجوئی‌های جنگ‌طلبانه‌امپریالیستی درسراسرجهان‌دارد .مصائب وسنگینی بارجنگ بطورکلی بردوش‌زحمتکشان‌وبه‌ویژه زنان‌می‌افتد . به‌همین‌دلیل‌نیزآنان‌هسته‌اصلی‌مبارزان ضدجنگ را تشکیل میدهند .

زنان در پیشاپیش جنبش صلح

ازهمان‌نخستین‌روزی که ریگان‌به تخت نشست وسیاست‌جنگ‌افروزانه‌امپریالیسم‌امریکا راباوقاحتی‌بیش‌ازاسلاف‌خود اعلان نمود ، مبارزه‌بااین سیاست نیز در اروپا ،قاره‌ای که دوجنگ جهانی را از سرگذرانده‌است شکل گرفت .زنان در پیشاپیش جنبش صلـح گام برداشتند .راه‌پیمائی مشهور صلح که باشرکت صدهاهزارنفر طی ۴۵روز در خاک کشور های اروپای شمالی وغربی ادامه‌داشت و در آن صدهانفر ازشخصیت‌های‌برجسته‌سیاسی ،علمی وهنری نیز شرکت داشتند به‌ابتکارزنان نروژی آغازگشت . درهفته پیش‌کنگرهٔ جهانی درپراگ گشایش یافت .هزارنماینده‌از ۱۲۴ کشورجهان دراین‌انجمن بزرگ که مهمترین‌مسئله‌آن‌حفظ صلح‌بودحضور داشتند .سخنرانان‌دراین‌کنگره باصدای رسا اعلام کردند که حاضر نیستند فرزندان وهمسران خود را در راه مطامـع امپریالیسم‌قربانی کنند . دلیل نگرانی زنان‌را ازسیاست جنگ افروزانه امپریالیسم به‌آسانی میتوان‌درک‌کرد .درآمریکابزرگترین و ثروتمند ترین کشورسرمایه‌داری جهان ، دارودسته ریگان‌میخواهند ازپولی که‌برای‌کمک‌به‌معلولان دادن‌چاشت به‌کودکان ،پرداخت مددمعاش به بیکاران وسایر نیروهای‌رفاهی پرداخته میشود بکاهند و آنرابه مصرف ساختن بمب نوترونی‌و سلاحهای‌شیمیایی‌ودیگرسلاحهای‌مرگبار‌برسانند درسایرکشورهای‌سرمایه‌داری نیز مسابقـه تسلیحاتی‌هزاران مصیبت به بار آورده‌ومی‌آورد بدبختی‌هرخانواده‌نیزقبل ازهرچیز بدبختی زن‌خانواده‌است .زنها دیگرحاضرنیستند به سیاست‌ماجراجویانه‌امپریالیسم تن‌درده‌ندواین راآشکارادرکنگره خوداعلام‌کردند .

بنی صدر و متحدان...

بقیه‌ازصفحهٔ ۷

فعلا ازطرف دولت‌ایران مطرح شده‌و عکس‌العملی‌که‌وزارت خارجـه آمریکا نشـان‌داده‌به ترتیبی‌نباشدکه‌به‌روابط دوکشورآنقدرلطمه‌بزند که‌باعث توقف این‌روابط بشـــود . . . " (۱۹ خرداد ۵۸ ــ عباس‌امیرانتظام)

برای‌جلوگیری ازتوقف همین‌روابط مورد نظردولتمردان لیبرال‌بودکه "بررسی قراردادهای دوجانبه بین‌ایران‌وآمریکا "مدت‌ها به‌طول انجامیدولغوقرارداد دوجانبه ایران و آمریکـا فقط درآخرین‌روزهای‌قبل‌ازسقوط دولت موقت لیبرال آنهم تحت فشارافکارعمومی‌ورهبـری انقلاب به‌تصویب‌رسید .

بزبان دیگر ، دولت‌موقت تمام‌تلاش‌خود را برای"بهبود روابط ایران وآمریکا "بکارمی‌برد ،ولی‌آمریکایی‌ها ، باپیگیری‌سیاسـت خود علیه‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایـران ، کار را خراب می‌کردند! آمریکائی‌هااعدام عمال شاه درایران-رامحکوم‌می‌کردندو یاشاه‌ملعون رابه خاک خودمی‌پذیرفتندویااینجاوآنجا کانـون تشنج‌می‌افروختند ،ضدانقلاب راتقویـت‌می‌کردندو . . . درنتیجه‌سران‌دولت موقت مجبور می‌شدندچشم‌غره لطیفی به‌آمریکا بروند :

" . . . وزارت‌خارجه جمهوری‌اسـلامـی ایران ازسفیرجدیدآمریکادرایران خواسـت تا روشن‌شدن جوسیاسی بین‌دوکشور سفر خود را به‌ایران‌به تعویق بیاندازند . . .قطعنامه سنای آمریکا تناقض آشکار به روابط دوستانه‌میـان دولـت ایران و آمریکا دارد . . . " (۳۱ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

تازه ، همان‌طورکه‌دربالا گفتیم ، دکتـر یزدی بعنوان‌مفسر قانون‌اساسی آمریکا ،مدتی بعدحساب سنای‌آمریکا را ازدولت‌آمریکاجـدا کرد ،تا این "تناقض آشکار" رابه حسـاب تناقض بین‌سنای آمریکاودولت‌آمریکابگذارد!

عباس امیرانتظام هم که‌بعدها بجـرم جاسوسی‌برای آمریکا به حبس ابدمحکوم شـد ، هول‌هولکی به‌وسط پرید وصدورقطعنامه سنـای آمریکا را به حساب صهیونیست‌ها گذاشت :

" . . .کسی‌که بیش ازحد از موقعیـت انقلاب ما لطمه خورد وضرردید ،صهیونیست‌ها هستند . . . " (۵ خرداد ۵۸ ــ کیهان)

وهمه‌اینهادرست‌زمانی‌بودکه : "طـرح آمریکا برای اشغال نظامی‌خلیج فارس" منتشر شد :

"قراراست دولت‌آمریکادرصورتی‌که‌وضع درمنطقه‌خلیج‌فارس‌بحرانی وبه‌حالت‌استثنایی درآید ،مناطق وتاسیسات نفتی‌خلیج‌فارس را دراختیاربگیرد . . . " (۱۹ خرداد ۵۸-کیهان)

درگوشه وکنارمملکت‌نیزتشنج‌هایی روی می‌داد که‌همگی حکایت ازتوطئه‌گری آمریکـا و عمال آن علیه‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران داشت . هرچند دکتریزدی آنهارا به‌حسـاب آخرین تقلاهای "استبداد" می‌گـذاشـت و معتقدبودکه :

" . . . درهم‌کوبیده‌شدن‌یک‌استبداد ۵۸ ساله . . . این تشنجـات و تحریکـات رانیز دارد . . . " (۱۷ خرداد ۵۸ ــ کیهان)

وهمین سیاسـت بود که تا ملاقـات بابرژینسکی‌وسقوط دولت لیبرال‌ها ، ادامـه یافت .

(ادامه‌دارد)

اشاره:

درشماره‌های قبل ،کارنامهٔ ابوالحسن بنی‌صدر فراری را ،بعنوان رهبرجبههٔ متحد ضدانقلاب ، بررسی‌کردیم .این جبهه ، که بخشی‌ازآن بعدازشکست مفتضحانه ،سقوط و فراربنی‌صدر ،به مبارزهٔ مسلحانه روی آورده، دارای چند بازوی اصلی است :لیبرال‌ها، مائوئیستهاو چپ‌روهابه همراه ضد انقلابیون اصیل ،یعنی‌ساواکی‌ها ،طاغوتیهاوسرسپردگان رژیم‌گذشته ،بازوهائی‌هستندکه‌مرکزضدانقلاب جهانی‌ـ یعنی‌امپریالیسم‌آمریکاـ وپایگاه‌های داخلی امپریالیسم ، درایران ،یعنی کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌زمینداران ،از آنها سود می‌جویند ،تا به این یا به آن شکل (مسخ انقلاب از درون یا ضربه‌کودتایی یاهجوم‌از خارج) انقلاب را سرکوب و باردیگر رژیم‌ضدـانقلابی را در ایران مستقرکنند .

اعضای‌جبهه‌متحدضدانقلاب‌هم برپایهٔ خاستگاطبقاتی‌خودوهم براساس تقسیم کار دارای‌شیوه‌های‌مختلف درمبارزه‌باانقلاب‌بوده وهستند ،امااز آنجاکه‌همه‌این‌شیوه‌ها هدف یکسانی‌دارد ودراستراتژی معینی‌می‌گنجد ، بناچارمواضع سیاسی اعضای جبهه‌متحدضدـ انقلاب درمسائل‌مشخص وتاکتیک آنهادرکوتاه مدت نیز بریکدیگرانطباق پیدامی‌کند . این انطباق ،که به‌حکم شرایط عینی پیش می‌آید ، چنان‌است که‌فی‌المثل خط حرکتی " پیکار " ، ازچپ چپ باخط حرکتی "میزان"تاراست‌راست یکسان از آب درمی‌آید .وقتی‌مبارزهٔ طبقاتی شدت می‌گیردوجامعه هرچه‌بیشتر قطبی‌میشود، اعضای‌مختلف جبههٔ ضدانقلاب باهم متحد می‌شوندودرتشکل خودهمه‌نیرو رابرای‌سرکوب انقلاب بسیج می‌کنند .

دراین میان سرمایه‌داری لیبرال ،که‌هم بعلت سابقهٔ طولانی خوددرجامعه از نظر طبقاتی‌وسیاسی ،وهم بدلیل ارتباط ارگانیک باجبهه جهانی‌ضدانقلاب ،دارای سیاستی چندجانبه و زیرکانه‌است ،نقشی‌بغایت بغرنج ومکارانه برعهده دارد . در ایران،نقش سرمایه‌داری لیبرال ، به دلیل این‌که سیاستمداران‌نماینده‌آن‌هنوز هم می‌توانندزیر ماسک"اسلام" پنهان شوند ،حساس تر ، پیچیده‌تر ،بغرنجترو لذا خطرناکتر است. درست به همین دلیل است که وقتی‌اعضای چپ‌روی جبههٔ متحدضدانقلاب بااعمال ماجراجویانه درخدمت‌امپریالیسم قرارمی‌گیرنده ودسته‌دسته اعدام می‌شوند ، سرمایه داری لیبرال ، که بارها وبارهاافشاء شده ،می‌تواند خود را از زیر ضربه خارج کند .سرمایه داری لیبرال ،که‌باصطلاح سرخودرا خم کرده‌تاتوفان بگذرد ،مترصدفرصت می‌ماند ،تادرلحظه لازم به‌میدان بیایدوزهرخودرا به‌کام‌انقلاب بریزد .

"اتحادمردم" ، که‌بعدازبررسی "کارنامه بنی‌صدر"یکی ازمتحدان مائوئیستـ آمریکایی‌او ،یعنی‌حزب سیاساخته‌وپکن‌پرداخته "رنجبران" رامعرفی کردوپیوندعضوی آن را با جبههٔ متحدضدانقلاب به‌رهبری‌بنی‌صدرفراری نشان‌داد ،ازاین شماره به‌بررسی کارنامه یکی دیگر ازاعضای جبههٔ براندازی ،یعنی سرمایه‌داری لیبرال ایران‌می‌پردازد .

ازآنجا که سرمایه‌داری لیبرال‌ایران ،در مرحله‌اول پس ازپیروزی‌انقلاب‌قادربه‌تشکیل دولت شدوهنوز ، هم در زمینه سیاسی وهم به ویژه‌درعرصه‌اقتصادی دارای نفوذ وریشه‌است ، بررسی‌سیاستهای‌آن بایدعمیق‌تروهمه جانبه‌تر انجام‌شود .

"اتحادمردم"از این‌شماره وجوه مختلف سیاست سرمایه‌داری لیبرال‌ایران ،خواستها و اهداف آن رادرقبال مهمترین مسائل‌انقلاب ، در دوسال‌ونیم‌بعداز پیروزی انقلاب ،درمعرض قضاوت خوانندگان می‌گذارد .

لازم به‌تذکراست که‌اگر دراین‌مقالات از مهندس مهدی‌بازرگان ویااشخاص دیگر (بغیراز ضدانقلابیون فراری‌چون‌نزیه‌و . . .) نام برده شده ،بخاطر سمتی‌است که در دولت موقت داشته‌اندومواضعی‌است که درآن سمت‌هااتخاذ کرده‌اند ،وگرنه "اتحادمردم" با هیچ یک از اشخاص یاد شده مسئله یاخصومت شخصی ندارد .

* * *

توده‌های‌میلیونی خلق با فریادهای "مرگ‌برآمریکا" و "استقلال ،آزادی ، جمهوری اسلامی "آخرین‌دژهای‌رژیم‌منفورپهلوی‌رافرو ریختندوراه‌رابرای‌برپایی‌اولین‌دولت‌انقلاب هموارکردند . دولت‌موقت بناچاربایددرقدم اول تکلیف خودرا بادشمن‌اصلی خلق‌های ایران روشن می‌کرد .درواقع‌سرنوشت هر دولتی که بعدازانقلاب روی‌کارمی‌آمد ، در نحوه برخورد بادشمن‌اصلی‌ـ امپریالیسم جهانی ،بسرکردگی آمریکاـ تعیین‌می‌شد ،زیرا مردم‌آشکارا ریشه کن کردن سلطهٔ آمریکا را طلب می‌کردندواستقلال واقعی‌وهمه‌جانبهٔ میهن خودرا می‌خواستند .

متحدان بنی‌صدر ـ سرمایه‌داری لیبرال ایران (۱)

هدف اصلی سرمایه‌داری لیبرال ایران:

سازش با امپریالیسم آم

وقتی مهندس مهدی بازرگان ،رهبر "نهضت آزادی‌ایران" در ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه روز ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ ، به عنوان رئیس دولت موقت معرفی شد ، قبل از همه چیزدر مقابل این‌مساله حیاتی‌قرار داشت .امااز‌همان روز ۲۱ بهمن سال۱۳۵۷ ،که‌نخست‌وزیربرنامهٔ خود رااعلام‌کرد ،معلوم شدکه‌این بهار سال نکوئی‌درپی‌نخواهدداشت :

" . . .بنده‌ماشین‌سواری‌نازک‌نارنجی هستم که‌باید روی جاده‌های اسفالت و راه هموار حرکت کنم . . . " (کیهان)

وسپس " . . .نباید انتظارداشت‌مملکت یک شبه ره‌صدساله بپیماید . . . " (همانجا) .

درآخرهم‌تعریف وتمجید از شاپور بختیارخائن ، که:

" . . .دولت آقای‌بختیار با این‌قصد و داعیه روی کار آمدکه آزادی پس گرفته شده‌از مطبوعات را مجددا برگرداند ، حکومت‌های نظامی‌تهران وشهرستان‌هارامنحل سازد ، تعطیل‌کند ،آزادی‌اجتماعات‌بدهد ،باقیمانده زندانیان سیاسی را تصفیه نماید. . . شاه را روانه‌خارج کند ، ووعده‌هاو قسمت‌هایی از این برنامه‌انجام گرفت که بنده برای رعایت انصاف باید بگویم که‌دولت‌های‌قبلی‌نکردندو نتوانستندویانخواستند. . . " (همانجا) .

" . . .انقلاب ماضداستبدادی. . .بوده است" . (۶ اسفند ۵۷ ـ کیهان)

ویا " . . .حالااگرماانقلاب‌ضداستبداد کردیم . . . " (۲۰اردیبهشت۵۸ـ کیهان)

و درجای دیگر: " . . .یک زمانی بود که دو دشمن داشتیم یکی‌استبدادداخلی‌ودیگر استیلای خارجی ،ولی‌هردوعقب‌نشینی‌کردند ، اولی سرنگون شد و دومی راه بهتری در پیش گرفت. . . " (۱۴مهر۵۸ ـ سخنرانی مهندس بازرگان درمشهد)

البته‌مهندس بازرگان‌معلوم نکرد که بختیارچگونه وتوسط چه کسانی روی کار آمدو وظیفه او چه بود؟ ولی‌این‌سخنرانی‌نشان‌داد که ،ازنظرنخست‌وزیر دولت‌موقت ، وظایف انقلاب‌درهمان روز ۲۱ بهمن ۵۷ به پایان رسیده وحالافقط مانده‌بودکه بختیارکنار برود تا: " . . .شاهپورخان‌بختیارلر ، دکتربختیار حر بشود. . . " (همانجا)

پس آمریکا چه شد؟ دشمن اصلی کجا رفت؟

رئیس‌دولت‌موقت درطول‌این سخنرانی فقط یکباربه "استیلای خارجی "اشاره کرد ،که آنهم بسیارمحترمانه‌بود ،آری برخوردمهندس بازرگان با "استیلای‌خارجی "محترمانه (!) است .همواره هم‌چنین‌بوده است. درتمام سخنرانی‌هایی که‌مهندس بازرگان ،پس از انتصاب خود به‌سمت نخست‌وزیری ،ایرادکرد حتی‌یکبار کوچکترین جمله‌ای‌علیه آمریکا ، که امام‌خمینی‌ومردم‌ایران آن رادشمن اصلی " و "شیطان‌بزرگ" می‌دانند ،گفته‌نشده‌است .

مهندس بازرگان‌رئیس دولت موقت‌فقط تاکید براین‌داشته است که:

و" . . .یک‌نظام شاهنشاهی . . . ازبین رفته و جانشین نظام‌جمهوری‌اسلامی که باید بیایددرهیچیک ازاین‌سه‌مرحله پایه‌اش یعنی اسلام وجمهوری وآزادی‌وبعدهم‌نظام‌به هیچ وجه‌این‌سه تامستقرنشده‌ماند. . . " (۲مهر ۵۸ کیهان ـازپیام‌مهندس بازرگان به‌ملت)

ویا : " . . .تاچندماه پیش که مردم درخیابان‌هاتظاهرات‌می‌کردندو جوان‌ها زیر تانک می‌رفتندهدف مبارزه برعلیه‌دیکتاتوری بودوتامین‌آزادی‌ها .والسلام " (۷ خرداد ۵۸ کیهان ـازسخنان‌نزیه)

همچنان‌کمی‌بینید ،مهندس بازرگان و یارانش در دولت‌موقت آنچه بدان اعتقاد نداشتندویا آن رابدست فراموشی می‌سپردند ضدامپریالیستی‌بودن‌انقلاب ایران‌وتضاد آشتی‌ناپذیر آن باامپریالیسم جهانی به سرکردگی‌آمریکابود .واین خط غالب دولت موقت لیبرالهابود .

اعضای دولت موقت‌هم‌ـ در اکثریت مطلق خودـ دشمن‌اصلی‌انقلاب راهیچگاه به طور مشخص روشن نکردند . هرجاهم که زیر فشار توده‌ها مجبورشدند دشمن‌اصلی‌انقلاب.!

معرفی کنند ، سراغ‌صهیونیست‌هارفتند ، بدون اینکه‌ارتباط صهیونیسم باامپریالیسم رامدنظر داشته باشند و یا به‌آن بها بدهند : " . . .صادق طباطبایی ،سخنگوی‌دولت، اسرائیل‌وصهیونیسم بین‌المللی راعامل‌اصلی وقایع‌کردستان معرفی‌کرد. . . " (۱۲ شهریور ۵۸ـ کیهان)

ویا : " . . .کسی‌که بیش ازهمه‌از موقعیت (ظ : موفقیت) انقلاب مالطمه‌خوردوضررردید صهیونیست‌هاهستند. . . " (سخنان امیر انتظام ،هنگام اعتراض سنای آمریکابه اعدام عمال رژیم گذشته ـ ۵ خرداد۵۸ کیهان)

وخودآقای‌مهندس بازرگان‌هم عصارهٔ این‌تفکرراچنین‌بیان‌می‌کرد :

" . . .عوامل‌شاه مخلوع ،صهیونیستها ، سرمایه‌داران ،توده‌نفتی‌ها ومزاحمین‌پنج‌گروه ضدانقلابی جمهوری‌اسلامی‌ماهستند. . . " (۱۱مرداد ۵۸ ـ کیهان)

از این نمونه‌هابسیاراست ،که در آنهااز همه‌خبری هست ، غیر از آمریکا و با چنین برداشتی ازانقلاب ضدامپریالیستی‌ومردمی ایران‌بودکه‌دولت موقت از آغاز در جهت نزدیکی به‌آمریکا کام‌برداشت .

پس باید

به‌آمریکانزدیك‌شد. . .

برای روشن شدن بیشتر مسئله ، به‌نامهٔ مهندس بازرگان ، که پس از اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا و افشاءروابط "نهضت‌آزادی" باآمریکا در روزنامه‌هادرج‌شد ،اشاره‌می‌کنیم . مهندس بازرگان‌خوددراین‌نامه‌به‌وضوح‌مواضع خودرادرقبال‌آمریکا روشن‌می‌کند .اومینویسد :

" . . .پایه‌گذاران. . .نهضت آزادی نه تنها باآمریکا ،بلکه با بعضی‌ازکشورهای اروپاو نیز بادولت‌های وقت‌ارتباط‌های کم وبیش پنهانی‌داشته‌اند ،نه تنها ازچندماه مانده به پیروزی درخشان انقلاب ، بلکه از ۲۶ سال پیش بعداز کودتای ۲۸ مرداد۳۲. . . " (۲۰ بهمن ۵۸ـ کیهان)

به‌زبان دیگر ، "نهضت آزادی" بادولتـهای بعد از کودتا و با کودتاگران ، یعنی آمریکایی‌ها وسایرعمال رنگارنگ‌امپریالیسم ، همواره درتماس بوده‌است .

اماچرا؟

به‌دلایل مهندس بازرگان واینکه " این اقدامات روی چه نیت وبرای‌چه هدفی انجام گردیده. . . " (همان‌جا) می‌پردازیم .

بنا به‌گفته‌مهندس بازرگان ،هدف ازاین ارتباطها ، که به‌هرحال بادولت‌های بعد از کودتاو عمال‌کودتا برقرارمی‌شدچنین‌بود :

" . . .اولا رساندن ندای‌خفه‌شده ملت ایران به‌دنیا . . .ثانیا شاه. . . که بادسیسه و دستور دولت‌های بیگانه غربی‌وشرقی‌به ایران برگشته خائن و منفور است. . . وهمکاری وپشتیبانی‌آمریکاو اروپا دربلندمدت به سود خودآنها نیزنخواهدبود. . . " (همانجا)

به‌این‌ترتیب لیبرالهای ایران قصد داشتند به‌آمریکا ، که‌درایران کودتاکرده بود ، اولا بگویند :توندای‌ملت‌ایران راخفه کرده‌ای ! ثانیا به‌آمریکا ، که شاه را سرکار آورده بود واز کم وکیف همه قضایا خبرداشت ،بگویند که: چون‌شاه درایران برای توکارمی‌کند ،بین‌مردم منفوراست ! و از این‌هاگذشته‌برای آمریکایی‌ها روشن کنند که اگر این کارها را ادامه دهید ، عاقبت روزی مردم علیه شماخواهندشورید و منافع‌تان به خطر می‌افتد . چه توصیهٔ دلسوزانه‌ای !

ظاهرا این‌کوشش‌های خستگی‌ناپذیر ، که مرتباادامه‌داشته‌است ، درآستانه‌انقلاب فزونی می‌گیرد .چرا؟ رئیس دولت موقت پاسخ می‌ـ دهد :

" . . .از یکی دوسال‌مانده به‌پیروزی انقلاب هدف . . . ازبرقراری‌ارتباطات (با آمریکا) دومنظورذیل‌گردیدند. . . برگرداندن افکار عمومی اروپا وآمریکا از شاه و برداشتن حمایت همه‌جانبه نفع‌طلبانه‌ای که‌از او می‌نمودند. . . " (همانجا)

نکته‌نیزناگفته‌نماندکه‌منظورلیبرال‌ها



لیبرال : مواظب باشید ! بااین قدرقدرت نمی توان درافتاد !



آمریکا دربرابراتحاد مردم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند !

نیفتد، مذاکره می‌کردند.

براساس همین نامه افشاگرانه، سیاست دولت "گام به‌گام" مهندس بازرگان را پس از پیروزی انقلاب و در ارتباط با آمریکا مرور می‌کنیم: "... مهدی بازرگان... در نخستین مصاحبه‌اش پس از به قدرت رسیدن با خبرنگار نیویورک تایمز گفته است ایران در نظر دارد صدور نفت را به همه قسمت‌های جهان از جمله به آمریکا آغاز کند... بازرگان گفته است دولت انقلابی ایران مشتاق است روابط خوب خودرا با آمریکا از سر گیرد و... به ویلیام سولیوان سفیر آمریکا گفته است دولت... از حمله کوماندوهای چپ‌گرا به سفارت آمریکا بسیار بسیار متاسف است و آنانکه به این کار دست زده‌اند از ما نیستند..." (۳۰ بهمن ۵۷ ــ اطلاعات)

البته توجه دارید که چون مردم ایران هرگز با آمریکا روابط خوبی نداشته‌اند، نمی‌توانسته‌اند "روابط خوب خودرا با آمریکا از سر بگیرند"، ولی درباره روابط خوب آمریکا با "نهضت آزادی" چه عرض کنیم! ــ روابط خوبی که مهندس بازرگان و اعضاء دولت وی مرتبا برآن تاکید دارند وخواستار ادامهٔ آن هستند:

"... من بسیار متاسفم از آنچه (حمله به سفارت آمریکا) اتفاق افتاد. ما امیدواریم بتوانیم همه‌چیز را تحت کنترل دربیاوریم، تا دیگر این‌گونه حملات رخ ندهد. در این مورد اقدام فوری به عمل آمد و ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در ایران شخصا به خاطر اقدام سریعی که در این مورد انجام گرفت از ما تشکر کرد..." (۳ اسفند ۵۷ــ اطلاعات ــ گفتگوی مهندس بازرگان با نیوزویک)

البته لیبرالها خوشبختانه این فرصت را پیدا نکردند که "همه‌چیز را تحت کنترل" بیاورند، تا رضایت خاطر کامل آمریکا را فراهم کنند و ارباب ان سولیوان از آنها سپاسگزار شوند.

درهمین گفت‌وگو، رئیس دولت لیبرال ــها در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار آمریکایی مبنی براینکه:

"آیا قصد دارید کوشش‌هایی در راه بهبود روابط ایران و ایالات متحده صورت دهید؟" می‌گوید:

"... ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم روابط دوستانه‌مان را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ نمائیم.." (همانجا)

دکتر سنجابی وزیر امور خارجه دولت موقت هم معتقد بود که:

"... آمریکا ناگزیر است به پیروزی مردم ایران تن بدهد و در پی یافتن راه‌حل قابل قبولی باشد که ضمنا منافع مشروع آمریکا را هم محفوظ بدارد..." (۱۳ اسفند ۵۷ کیهان)

ودکتر یزدی می‌گفت: "... نفت را به دو کشور اسرائیل و آفریقای جنوبی نخواهیم فروخت، اما به هر کشور دیگری که بخواهد می فروشیم ..." (۳ اسفند ۵۷ــ کیهان)

ویا: "... ایران درصدد از سرگرفتن صدور نفت به کشورهای خارج منجمله آمریکاست..." (۳۰ بهمن ۵۷ ــ کیهان ــ مصاحبه مهندس بازرگان با نیویورک تایمز)

وبازهم. "... آنچه مسلم است این است که مدت زمان زیادی لازم است که ایران از وجود کارشناسان (خارجی) فنی بی‌نیاز باشد، بهمین جهت بمجرد اینکه دولت سازندگی را آغاز کند از این قبیل کارشناسان کمک گرفته خواهد شد..." (۱۱ فروردین ۵۸ــ کیهان ــ سخنان امیرانتظام سخنگوی دولت).

توجه دارید که این کارشناسان طبعاً بایستی آمریکایی می‌بودند. امیرانتظام این مسئله را بعدها بدینصورت شکافت:

"... ایران بی‌نیاز کارشناسان خارجی نیست... ما میلیاردها خرج سلاح‌های مختلف کرده‌ایم. مثلا هواپیمای اف ــ ۱۴ که داریم خلبانان ما می‌توانند باآن پرواز کنند، ولی از نظر نگهداری متخصص می خواهد..." (۱۸ فروردین ۵۸ ــ کیهان)

متخصص اف ــ ۱۴ اهل کجا می‌تواند باشد؟!

دکتر یزدی هم برای آنکه جای هیچ شبهه ــای در این مورد باقی نماند، تاکید کرد که:

"... برای تامین لوازم یدکی بدیهی است که شما به خارج نیازمندید..." (۱۳ مرداد ۵۸ کیهان)

دکتر یزدی بعد از این حکم، به تطهیر آمریکایی‌ها پرداخت وگفت:

"... بر خلاف گزارش‌هایی که از واشنگتن می‌رسد، ایران هیچ مدرکی دال براین که شاه مخلوع یا سفیر او در آمریکا، اردشیر زاهدی، به مقامات آمریکایی رشوه داده بودند، در دست ندارد..." (۱۶ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

دکتر یزدی خود را به ندانستن می‌زد. والا چطور ممکن بود نشریه "کوریه دوپلی تیک" بداند که:



"... شاه یک میلیون دلار رشوه داد تا نیکسون رئیس جمهور شد" (۳۱ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

ولی وزیر امورخارجه ایران نداند! چرا دور برویم. وزیر دادگستری دولت موقت هم در همان روزها اعلام کرد:

"... سالانه ۵۰۷۵۰۰ دلار به خانم جاویتس پرداخت می‌شد". (همانجا)

ولی وزیر امورخارجه دولت موقت از موضوع خبر نداشت!

دکتر یزدی درهمین گفتگو:

"... ابراز امیدواری کرد که آمریکا به شاه مخلوع اجازه دیدار یا زندگی در آمریکا را ندهد اوگفت که جلوگیری از ورود شاه به آمریکا یک ژست حسن نیت خواهد بود..." (همان جا)

ویا هنگامی که سنای آمریکا به اعدام عمال رژیم گذشته در ایران "اعتراض" کرد، وزارت امورخارجه دولت موقت فقط اعلام کرد که:

"... قطعنامه سنای آمریکا تناقض آشکار با روابط دوستانه میان دولت ایران و آمریکا دارد..." (۳۱ اردیبهشت ۵۸ــ کیهان)

کدام روابط دوستانه؟!

بعدهم دکتر یزدی، در تفسیر قانون اساسی آمریکا چنین به دفاع از سیاست دولت آمریکا پرداخت:

"... ما... به این مطلب وقوف داریم که در آمریکا قوه مقننه از قوه مجریه جداست و چنین قطعنامه‌ای که از طرف سنای آمریکا صادر شد ملزوما به منزله سیاست دولت آمریکا در برابر مسائل ایران نیست..." (۱ خرداد ۵۸ ــ کیهان)

دکتر یزدی، که در آن موقع وزیر امور خارجه دولت موقت بود، با چنین دیدگاهی نسبت به آمریکا، طبعا تاکید می‌کرد که:

"... هیچ خطری از نظر مداخلهٔ نظامی آمریکا ما را تهدید نمی‌کند..." (همانجا)

امیرانتظام، سخنگوی دولت، نیز پیش از آن گفته بود: "... چنین مطلبی را (حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس) تاکنون وزارت خارجه بطور رسمی اعلام نکرده و اطلاعیه‌ای در این مورد صادر نشده است..." (۸ اسفند ۵۷ــ اطلاعات)

واین در شرایطی بود که آمریکا هرروز بیش از روز قبل به انقلاب ایران چنگ و دندان نشان می‌داد. روزنامه "السفیر" از جمله در این مورد نوشت:

"آمریکا دست اندرکار پیاده کردن یک طرح عظیم نظامی در جهت ایجاد پیمان تازه‌ای در منطقه خاورمیانه با شرکت مصر، اسرائیل، ترکیه و یونان است..." (۲ خرداد ــ کیهان)

البته وزیر امورخارجه دولت موقت گاه و بیگاه، برای پوشاندن سیاست واقعی خود، به آمریکا نیز حمله می‌کرد، اما غالباً تحت این عنوان که:

"... اگر آمریکا در امور داخلی ایران مداخله کند، روابط ایران با آمریکا قطع می‌شود..." (۱۲ خرداد ۵۸ــ کیهان)

واین درست همزمان با آشوب‌های عمال آمریکا در خوزستان بود، اما دولت موقت رابطهٔ ایران را با آمریکا قطع نکرد!

بعدهم، پس از بازگشت دکتر یزدی از سفر نیویورک، در ۱۹ مهرماه سال ۵۸، وزیر امور خارجه دولت موقت اعلام کرد که:

"... اختلافاتی که ما با آمریکا داریم عمدتاً بر سر مسایل مربوط به قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا به مبلغ ۱۲ میلیارد دلار است..." (کیهان)

واینک سازش با آمریکا...

این نگرش دولتمردان لیبرال پایه سازش ــهایی با آمریکا بود، که بتدریج در سیاست دولت لیبرالها، عمده بودن آنها به منصه ظهور رسید، با استناد به اعمال وگفته‌های اعضای دولت موقت می‌توان گفت که دولت مهندس بازرگان هرگز درصدد قطع وابستگی ایران از آمریکا نبود و از آنجا که شخص مهندس بازرگان عقیده داشت که: "... باید آهسته اما با اطمینان کامل پیش رفت..." (۳۱ اردیبهشت ۵۸ ــ اطلاعات)

ایران انقلابی آهسته آهسته بسوی وابستگی مجدد به آمریکا هدایت می شد، بسوی آشتی با آمریکا و طبعا بازگرداندن آمریکا از پنجره:

"... امیرانتظام (سخنگوی دولت)... درمورد ملاقات سولیوان سفیر آمریکا در ایران با آقای دکتر سنجابی... گفت، ملاقات مشابهی نیز با من صورت گرفت که بحث بیشتر بر سر حفاظت سفارت آمریکا بود که به این منظور گارد سفارت در اطراف آن مستقر شد. درباره مرکز وابسته‌های نظامی سفارت آمریکا در سلطنت آباد آقای امیرانتظام گفت که سفیر در ملاقات خود با من درخواست کرد که اجازه استفاده از پرونده‌های سری خود در مراکز مذکور داده شود. در این مورد با آقای دکتر یزدی صحبت شد وموافقت به عمل آمد که وابسته‌های نظامی آمریکا از پرونده ها استفاده کنند... در مورد اینکه آقای دکتر سنجابی اظهار داشته است که سولیوان باید برود معاون نخست‌وزیر (وسخنگوی دولت) گفت رسماً چنین موضوعی نیست واین موضوع مربوط به وزارت خارجه آمریکا است..." (۱۳ اسفند ۵۷ اطلاعات)

به زبان دیگر، آمریکایی که، در اثر پیروزی انقلاب، از مواضع خود بطور موقت عقب‌نشینی کرده بود، به همت دولت موقت لیبرالها، پا-ورچین پاورچین جلو می‌آمد مدتی بعد نیز، یعنی در تاریخ ۱۵ شهریور ۵۸، شرکت ملی نفت ایران که توسط حسن نزیه اداره می شد، از آمریکا نفت سفید خرید. حسن نزیه، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، در برابر اعتراضات مردم اظهار داشت:

"... هدف اصلی از این عمل... رعایت احتیاط لازمه وبرای مقابله با افزایش ناگهانی مصرف در فصول مختلف سال است... علت خرید... از یک شرکت غیردولتی و مستقل آمریکایی این بوده است که فروشنده یکی از خریداران عمده و چندین ساله نفت خام از شرکت ملی نفت ایران بوده و بنابراین مناسب ترین شرایط فروش را پیشنهاد نموده است..." (۱۵ شهریور ۵۸ ــ کیهان)

واین دروغ محض بود. سخنگوی انجمن اسلامی شرکت ملی نفت ایران صراحتا اظهار داشت:

"... اکنون شرکت نفت طبق قراردادی با بهای بسیار سنگین نفت سفید از آمریکا می خرد ما با ارائه کشورهایی که به مراتب نفت ما را بهما ارزانتر خواهند فروخت، خواستار عقد قرارداد با آنها شده‌ایم که مدیریت نپذیرفته است..." (۳ مهر ۵۸ ــ کیهان)

و: "... مهندس بازرگان... بدون اطلاع از واقعیت... انجام هرگونه انتقادی را ازسوی مردم عمل ضدانقلابی می خواند..." (همانجا ــ انتقاد آبادانی‌ها از دفاع بازرگان ازنزیه)

حالا معلوم است که دفاع رئیس دولت موقت ازحسن نزیه "بدون اطلاع ازواقعیت" هم نبوده است، زیراکه این دفاع حتی بعد از افشای رابطه حسن نزیه با سفارت آمریکا نیز بی‌وقفه ادامه یافته است.

درحقیقت نخست‌وزیر لیبرالها ازشخص نزیه دفاع نمی‌کرد، ازخط مشی او دفاع می‌کرد، که مورد حمایت وتائید خود وی بود. بی‌جهت نبود که هارولد براون وزیر دفاع وقت آمریکا، در همان زمان اعلام کرد که:

"... فکرمی‌کنیم بتوانیم روابط دوستانه‌ای (باایران) برقرار کنیم..." (۷ اسفند ۵۷ کیهان)

وکار مهندس بازرگان که می‌گفت:

"... هرگز در دولت خود با حزب کمونیست توده ویا هرنیروی مارکسیستی دیگر همکاری نخواهد کرد... راهی برای همکاری با آنها وجود ندارد، زیرا که همیشه خیانت می‌کنند. (۹ اسفند ۵۷ ــ کیهان)

به جایی رسید که آمریکایی ها گفتند:

"... ما در سطوح مختلف با رهبران تازهٔ ایران در تماس هستیم و سخنان کارتر مبنی بر علاقهٔ آمریکا به برقراری روابط دوستانه و همکاری کامل با دولت تازه ایران با استقبال رهبران این کشور روبرو شده است..." (۲۵ بهمن ۵۷ ــ کیهان)

خرید نفت از آمریکا البته فقط آغاز کار بود. جای پای امپریالیست‌ها "گام به‌گام" هموار می‌شد. مدتی بعد دکتر مولوی رئیس بانک مرکزی ایران، که بعدها از ایران گریخت، رسماً اعلام کرد:

"... ایران برای جلب سرمایه های خارجی تلاش می‌کند... ما از سرمایه گذاری کشورهای عضو بازار مشترک در بخش کشاورزی ایران استقبال می‌کنیم..." (۲۰ فروردین ۵۸ کیهان)

سخنگوی دولت نیز اعلام کرد که:

"... دولت درنظر دارد که روال کار به صورت عادی و به همان سیستم گذشته برگردد..." (۲۷ فروردین ۵۸ ــ کیهان)

یعنی مردم به اشتباه انقلاب کردند. حالا هم که مرتکب این اشتباه شده‌اند، باید جازه بدهند، ماکارها را به شکل قبلی بازگردانیم، شکل دلخواه آمریکا! حسن نزیه اعلام کرد:

"... ناچارهستم اعتراف کنم که به وجود پاره‌ای ازکارشناسان خارجی نیازمند هستیم، زیرا در طرح‌های پتروشیمی وپالایشگاههای کشور ۷۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده که سه چهارم این طرح‌ها به اتمام رسیده و یک چهارم آن باقی مانده است. ولی متاسفانه کارشناسان خارجی به علت عدم امنیت حاضر به ادامهٔ کار در ایران برای انجام این طرح‌ها نیستند..." (اول اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

همین علامت‌ها بود که مقامات وزارت خارجه آمریکا به آنها استناد و اعلام کردند که:

"... دولت جدید ایران به واشنگتن علامت داده است که می خواهد ازطریق مبادلهٔ سفیر روابط دوکشور را بهبود بخشد..." (۱ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

۴ روز بعد هم اعلام شد:

"... سفیر جدید آمریکا در ایران تعیین شد" (۵ اردیبهشت ۵۸ ــ کیهان)

واین همزمان با اعلام فروش نفت به آمریکا بود!

دکتر یزدی وزیر امورخارجه دولت موقت بعدها در این مورد گفت:

"... کاتلر قبلا سفیر آمریکا در زئیر بود وقبل از آنکه من به وزارت خارجه بروم پذیرش وی را داده بودند..." (۱۷ خرداد ۵۸ کیهان)

البته وضع کاتلر به اندازه‌ای خراب بود که "ایران توافق خودرا باانتصاب کاتلر به سفیرکبیری آمریکا در تهران پس گرفت. کاتلر قرار بود بزودی فعالیت خودرا به عنوان سفیر آمریکا در ایران آغاز کند..." (۱۶ خرداد ۵۸ ــ کیهان ــ سخنان هادینگ کارتر)

ولی نیامدن کاتلر به معنی توقف تلاش برای برقراری "روابط خوب باآمریکا" نبود:

"... اگر دولت آمریکا علاقمند است که روابط خود را بادولت جمهوری اسلامی ایران بهبود بخشد، باید سفیری بفرستد که دارای سوابق بهتری ازکاتلر باشد..." (دکتر یزدی ۱۷ خرداد ۵۸)

تازه همین پس گرفتن توافق درباره کاتلر هم به نظر سخنگوی دولت موقت رفتار نامناسبی بود. امیرانتظام بیش ازاینها می خواست:

"... من امیدوارهستم که این مطالبی که

بقیه در صفحه ۵

احزاب، جمعیت ها، سازمان هاو...

پیام‌ها و تلگرام های تبریک به مناسبت انتخاب و تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام خامنه‌ای

حزب توده ایران

ریاست جمهوری اسلامی ایران
حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران انتخاب شما را به مقام برجستهٔ ریاست جمهوری اسلامی ایران صمیمانه تبریک می گوید.

مردم ایران با رای شکننده شانزده میلیونی اعتماد عمیق خود را به جمهوری اسلامی ایران و به شخص شما ابراز داشته و نشان دادند که به انقلاب بزرگ خود که مهمترین حادثه تاریخ چندهزارساله کشور ماست عمیقا دل بسته و آماده‌اند که از آن در برابر انواع توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی با تمام قوا پشتیبانی کنند.

جناب آقای خامنه‌ای!

شما در شرایط دشوار و در عین حال امیدبخشی به این مقام شامخ انتخاب شده‌اید. اعتماد مردم نسبت به شما تصادفی نیست. زندگی پربار گذشته و استواری شما در نبرد قاطع علیه استبداد و امپریالیسم و در راه استقرار عدالت اجتماعی، متانت شما در لحظات حساس پس از پیروزی انقلاب این امید و اطمینان را به مردم می دهد که شما می‌توانید در این لحظات دوران ساز در مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران نقش ارزنده ای ایفا کنید.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با تجهیز همهٔ قوای ضدانقلاب داخلی و خارجی قصد آن دارد که به جمهوری اسلامی ایران مجال تثبیت و تحکیم ندهد. تجاوز آشکار به مرزها و خرابکاری، ترور، آدمکشی، محاصرهٔ اقتصادی، تبلیغات زهرآگین علیه جمهوری اسلامی ایران و مهمتر از همه تفرقه‌افکنی و از بین بردن و مخدوش کردن مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران از جمله وسایلی است که امپریالیسم برای رسیدن به هدف‌های شوم خود بکار گرفته و بدون تردید در آینده با قساوت و شدت بیشتری به کار خواهد گرفت.

در برابر این خصم درنده و اذناب آن، انقلاب ما توان مقاومت و پیروزی دارد بشرطی که ما نیز هشیار باشیم و به‌دور از هرنوع نفاق همه نیروهای صدیق هوادار انقلاب را در چارچوب قانون اساسی و اصول مترقی آن برای مقابله با دشمن و پیشبرد اهداف انقلاب تجهیز کنیم و ثبات و حاکمیت قانون را مستقر سازیم که در آن هر انسان شریف مدافع انقلاب با هر نظر و عقیده‌ای که دارد احساس امنیت و آرامش کند.

جناب آقای خامنه‌ای!

مردم ایران که در گذشته‌ای نزدیک چند ده تن از برجسته‌ترین دولت‌مردان و یاران امام چون آیت‌الله بهشتی، محمد علی رجائی، دکتر باهنر، محمد منتظری را از دست داده‌اند به شما که خود نیز قربانی توطئه‌های جنایتکارانه و کثیف ضدانقلاب هستید در مقام ریاست جمهوری امید بسته‌اند.

ما نیز در این امید با مردم ایران شریکیم و اطمینان داریم که تجربه شخصی مبارزات گذشته و روشن‌بینی که در درک مسائل دشوار زمان تاکنون از خود نشان داده‌اید به شما کمک خواهد کرد که همه نیروهای سالم انقلابی جامعه را در محور دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تکامل و شکوفائی آن زیر رهبری امام خمینی گردآورید و توطئه‌های دشمنان انقلاب را عقیم گذارید.

امیدواریم سلامت کامل خود را هرچه‌زودتر بازیابید و در انجام این وظایف سنگین و شریف موفق بوده و بتوانید نامی که شایسته شماست در تاریخ انقلاب ایران باقی گذارید.

حزب توده ایران بنا به مشی اصولی و بر اساس معتقدات انقلابی خود همواره از جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی حمایت کرده و در آینده نیز استوار و محکم در این راه خواهد ماند شما میتوانید به این پشتیبانی صادقانه اعتماد کنید.

با گرمترین سلامها و بهترین آرزوها
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول ــ نورالدین کیانوری

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

حضرت حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور

انتخاب آن حضرت را به ریاست جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ این امر بزرگ را از سوی امام خمینی ــ که برکات وجود عالی‌شان مستدام باد ــ تبریک گفته توفیق کامل آن مبارز آزموده و استوار را در پیشبرد و تحقق هدف‌های انقلاب، پاسداری استقلال و تمامیت ارضی کشور، ادامه جنگ تا پایان پیروزمندانه بر صدتجاوزگران صدامی و سرکوب توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، استقرار امنیت شامل در سایه قانون اساسی و کمک به شکفتگی استعدادهای متنوع افراد ایرانی در محیط عدل و برابری و آزادی خواستارم. والسلام

دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
۶۰/۷/۲۰

جمعیت ایرانی هواداران صلح

حضرت حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور

با عرض بهترین تبریکات به مناسبت انتخاب حضرت عالی به ریاست جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ رای مردم ازسوی حضرت امام خمینی مدظله العالی، توفیق مساعی آن حضرت را در تحقق و گسترش هدف‌های والای انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، پیروزی در جنگ با رژیم تجاوزگر صدام، تدمیر توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی، استقرار حکومت قانون و تامین عدل و برابری و آزادی برای عموم آرزو دارم.

دبیر اول جمعیت ایرانی هواداران صلح ۶۰/۷/۲۰

اعلامیه مشترک

سازمان جوانان تودهٔ ایران و سازمان دانشجویان پیشگام ایران

برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی، برای برآوردن نیازهای رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران،

دانشگاهها و مدارس عالی باید هرچه سریع‌تر گشوده شوند!

در زیر بخش‌هایی از این اعلامیه از نظر خوانندگان می‌گذرد:

"شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروه های متعهد و متخصص کار خود را به نتیجه رسانده و در بازشدن دانشگاهها در این سال حداعلای توان خود را به‌کار گیرند".
از پیام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به‌مناسبت آغاز سال ۱۳۶۰ شمسی.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز شدکه، علیرغم رهنمودها و تاکیدات امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بر بازگشائی دانشگاهها در سال جاری و علیرغم وعده‌های مکرر مسئولین و دست‌اندرکاران "انقلاب فرهنگی"، مراکز آموزش عالی کشور همچنان تعطیل است.

این امر نگرانی دهها هزار دانشجو وحدود یک میلیون دیپلمه پشت کنکور و میلیون‌ها پدر و مادر بیمناک از آینده فرزندان و میهن عزیزشان را، که چشم انتظار گشایش دانشگاهها در اول مهر ماه بودند، برانگیخته است.

سازمان دانشجویان پیشگام ایران و سازمان جوانان تودهٔ ایران بر مبنای سرنوشت جوانان و دانشجویان میهن‌مان احساس می‌کنند، ضرور می شمارند که بار دیگر مواضع خویش را دربارهٔ "انقلاب فرهنگی" و "مسئله دانشگاهها" بیان دارند و توجه مسئولین و دست‌اندرکاران "انقلاب فرهنگی" را به ضرورت بازگشایی هرچه‌سریعتر مراکز آموزش عالی کشور جلب کند.

در اعلامیه آمده است:

"ما بکرات تاکید کرده‌ایم که: دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را با تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی ملازم ندانسته و نمی دانیم، و به عکس معتقدیم که تنها در صورت فعالیت ثمربخش مراکز آموزش عالی و شرکت فعال همه دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، بدور از هرگونه تنگ‌نظری و انحصارطلبی است که می‌توان چنین "انقلاب فرهنگی" ای را تحقق بخشید.

ما گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم، در شرایطی که قریب به ۲۰۰ هزار دانشجوی ایرانی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا، یعنی مرکز جهان سرمایه‌داری، بنام تحصیل سالیانه میلیاردها ارز کشور را، به انحاء گوناگون، از میهن انقلابی خارج میکنند (هم اکنون سالیانه قریب به ۱۳ میلیارد تومان ارز یعنی ۲ برابر بودجه آموزش عالی کشور و ۱۰ برابر بودجه دانشگاه تهران، بزرگترین دانشگاه کشور، بطور رسمی خارج می‌شود)، و متاسفانه عملا بیش از دانشجویان داخل کشور مورد توجه مسئولین قرار دارند، تعطیل مراکز آموزش عالی داخل کشور تحت این عنوان که نظام حاکم بر آن "غربی" است، به هیچ روی پذیرفتنی نیست. مسئولین امر به جای آنکه با گسترش شبکه آموزش عالی در داخل کشور شرایطی فراهم آورند که این نیرو از خارج به داخل جذب شود، با تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، بی‌عدالتی بزرگی را بر دانشجویان داخل کشور روا داشته‌اند و در عین حال بخشی دیگر از جوانان را به تحصیل در خارج کشور ترغیب کرده‌اند.

رهاکردن حدود ۱۵۰ هزار دانشجو به‌حال خود و بدون هیچ چشم‌انداز روشنی برای آینده (با توجه به اینکه به‌قول آقای جلال‌الدین فارسی عضو ستاد انقلاب فرهنگی، نهاد های انقلابی و سازمان‌های دولتی تنها توانسته‌اند حدود ۳۰ هزار دانشجو از حدود ۱۷۵ هزار دانشجوی کنونی را جذب کنند) و بلاتکلیفی قریب به یک میلیون دیپلمه در پشت درهای بستهٔ دانشگاهها، چه ثمره‌ای برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت، به‌جز اینکه ازیکسو بر نارضایتی‌ها دامن بزند و ازسوی دیگر روند بازسازی میهن انقلابی را به‌تاخیر اندازد؟

هم‌اکنون میهن عزیز ما با کمبود شدید نیروی متخصص برای به راه انداختن چرخ‌های اجتماعی و اقتصادی خویش روبروست. در میهن ما، به دلیل سیاست‌های نواستعماری رژیم گذشته، تنها ۱۶۲۰۰ پزشک وجود دارد یعنی برای هر ۱۰ هزار نفر تنها ۴ پزشک. اگر در نظربگیریم که برای همین تعداد در اتحاد شوروی ۳۴/۴ پزشک، در جمهوری دمکراتیک آلمان ۲۳/۹ پزشک و در کوبا ۱۳/۷ پزشک وجود دارد، به‌عمق کمبود های کنونی پی می بریم. یکی از پیامدهای زیانبار تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی این‌است که قریب به ۲۵ هزار دانشجوی گروه‌پزشکی ــ از جمله حدود ۶ هزار دانشجوی رشته پزشکی ــ از تکمیل تحصیل بازمانده‌اند.

دانشگاهها و مدارس عالی ما، با امکانات موجود، میتوانند سالیانه حدود ۴ هزار فارغ‌التحصیل گروه‌پزشکی، ۹ هزار فارغ‌التحصیل رشته‌های مهندسی وفنی و قریب به ۱۵۰۰ فارغ التحصیل کشاورزی را به‌جامعه تحویل دهند و همین‌مقدار می‌تواند بخشی از کاستی‌های موجود را برطرف‌کند و روند بازسازی میهن انقلابی را تسریع بخشد.

آیا ادامه تعطیل دانشگاهها و مدارس‌عالی موجب آن نخواهد شد که در درازمدت مسئولین امر مجبور شوند بجای بهره‌گیری از فارغ التحصیلان داخل کشور، که عموما از با استعدادترین جوانان هستند و در عین حال بخشی از آنان از خانواده‌های متوسط و زحمت‌کشند، از فارغ‌التحصیلان خارج از کشور برای اداره چرخ‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند؟"

سپس در اعلامیه می‌خوانیم.

"امام خمینی، در ۲۳ فروردین ۱۳۶۰، در ملاقاتی با مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی دگربار بر برگشایش هر چه‌سریع‌تر دانشگاهها تاکید کردند. ایشان در این ملاقات صراحتا گفتند: "همه نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاه‌ها تجهیز کنید"، ومتذکر شدند: "پس از بازگشایی اصلاحات لازم به‌فوریت انجام گیرد.

فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری نیز مکررا بر اهمیت بازگشایی سریع دانشگاه‌ها و مدارس عالی تاکید داشته‌اند. ایشان در مصاحبه با روزنامهٔ کیهان (۵۹/۱۲/۴) چنین گفتند:

"... اما آنچه الان به‌نظرم می‌آید این‌است که انقلاب فرهنگی هر چه‌زودتر باید انجام بگیرد و بعد از آن دانشگاهها باز بشود... روی همین اصل من بارها به‌شورای انقلاب فرهنگی سفارش کردم که سعی بکنید کار دانشکدهٔ پزشکی، دندان‌پزشکی، داروسازی و اینجور رشته‌

بقیه در صفحه ۱۱

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران انتخاب حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای را به‌ریاست جمهوری اسلامی ایران به‌امام خمینی، رهبر و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران و همهٔ مردم ایران تبریک گفته‌است. در اعلامیه‌ای که به این مناسبت انتشار یافته خطاب به رئیس جمهور گفته‌شده‌است:

مردم ایران شما را شناخته‌اند و می‌دانند که شما در راه خدمت به جمهوری اسلامی ایران و یاری رساندن به‌مستضعفان حتی از ایثار جان خود دریغ ندارید و این راهم ثابت‌کرده‌اید.

زن و مرد، بچه و بزرگ شخصیت حجت‌الاسلام خامنه‌ای، این مبارز بزرگ را می شناسند و از گذشت و فروتنی بی حد و حصرا و مطلع هستند و شخص رئیس جمهوری منتخب ۱۶ میلیون نفر را از خود می‌دانند و برای حفظ او و پیشبرد کار او آماده هرگونه ایثار و خدمت هستند.

ما زنان هم با نهایت احترام و فروتنی نیرو، وقت و فکر خود را در اختیار شما می‌گذاریم و امیدواریم که بتوانیم به جمهوری اسلامی ایران، به مردم ایران در برابر دشمنان خونخوار داخلی و خارجی خدمت بنمائیم و آرزومندیم که شما تندرستی کامل خود را بازیابید و در این امر خطیر که به عهدهٔ شما گذاشته‌شده موفقیت در همه زمینه‌ها به‌دست بیاورید.

برای شما عمر طولانی آرزو می‌کنیم و امیدواریم که از گزند دشمنان داخلی و خارجی در امان بمانید و باز تکرار می‌کنیم که ما برای انجام وظایف محوله گوش به فرمان داریم و با جان و دل آماده خدمت هستیم.

طرح بیمهٔ بیکاری...

بقیه از صفحه ۱

نخست باید گفت که تدوین "طرح بیمه‌بیکاری" فی‌نفسه نشانگر توجه مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی به مسائل ومشکلات کارگران و بنابراین مثبت وبه لحاظ هدفی که تعقیب میشود قابل تائیداست. در واقع انقلاب و فرزندآن ،نظام جمهوری اسلامی ایران که محو طاغوت‌منشی را وجهه همت خود قرارداده ،باید هرچه مطمئن تر و پیگیرتر دراین راستاگام بردارد. مبارزهٔ تاریخی زحمتکشان ایران که تجسم زنده آن هم‌اکنون درحاکمیت انقلابی موجود بارتاب مسلم دارد ،خود مطمئن ترین وثیقه تدوین واجرای قوانین انقلابی آینده بشمارمی‌رود . "طرح‌بیمه‌بیکاری" به‌این‌ترتیب و درجای خود بی‌شک بخشی از آن چارچوبی است که باید ساخته وپرداخته‌شود .واگرسخنی‌هست تنها ازبابت نشان‌دادن‌نارسایی‌ها و حتی‌المقدور کمک مشخص به بهبودآن است .

اماطرح بیمه‌بیکاری نمی‌تواند جدا ازکل‌مسائل اقتصادی یعنی‌برنامه ریزی‌اقتصادی کشور ،مساله اشتغال‌به ویژه ،وحق کار برای شهروندان و در مقام‌نخست کارگران وزحمتکشان‌باشد . به عبارت دیگر اساسا قانون کارو بیمه ـ های اجتماعی باید درپرتو نصوص صریح‌قانون‌اساسی ناظر برایجادچنان بنای‌استواری باشد که با استفاده‌از برنامه‌ریزی جامع وکلی‌اقتصادی‌اصل‌را بر تعمیم حق کار و تضمین بهره وری انقلابی واساسی از آن قراردهد . چنین‌زمینه‌ای ناگزیرقدرت‌جذب‌نیروی کار را به‌اقتصادکشور ارزانی خواهد داشت ،همچنان‌که مراقبت و پرورش نیروی‌کار، و حمایت همه جانبه از زحمتکشان را به‌کمک قانون‌کار مترقی تامین‌خواهدکرد . به‌این‌ترتیب هم‌کارو زندگی‌زحمتکشان‌ازدستبردویرانگرکار ـ فرمایان غارتگروبیکاری‌های‌ناخواسته مصون‌خواهدماند ،هم‌مجموعهٔ قوانین کار ـ نه انبوهی از ساحه‌های پراکنده وشعب نامربوط و ناقص ـ نظام همبسته وجامعی از کار درخواهدآمدکه‌همچون‌اهرم‌مطمئنی سلامت جامعه انقلابی ومبارزه‌قانونی و عادلانه کارگران و زحمتکشان‌راراهبر خواهدشد .روشن‌تر بگوئیم ،فی‌المثل ، طرح‌بیمه‌بیکاری "وزارت‌کار با آن که ظاهرا برتکلیف دولت در ایجاد زمینه اشتغال تاکید دارد ،این امرکه‌تنها در کنار اشتغال وبرپایه‌آن می‌توان به‌بیمه بیکاری‌اندیشیدوارتباط منطقی این دو، ناگزیر مسکوت می‌ماند .باری ،کمترین نارسایی این‌گونه "طرح "های خرد و پاره‌پاره نیز همین‌است که‌پیوند اصل‌و فرع را از نظر می‌افکند ،علت پنهان می‌ماند وعارضه برجایگاه ممتازومقدم قرارمی‌گیرد .بدیگرسخن درطرح ، این نکته ملحوظ نیست که مهم‌تر ، ایجاد شرایطی است که بیکاری‌ناخواسته حتی‌الامکان پیش نیاید وازجمله با تامین زمینه مساعد برای فعالیت های تولیدی واقتصادی گسترش اشتغال حاصل شود .

بهرحال ، تازمانی که‌جامعیت قوانین کار به همان قوت دفاع ازحق کارزحمتکشان،وتامین‌حقوق حقه‌صنفی آنان به‌کمک طرح اصولی‌مسائل عام و درکنارآن چاره‌اندیشی‌های لازم برای تضمین این‌حقوق ، ورعایت آن‌ضوابط، وجههٔ همت وزارت کار ودیگر مسئولین ذیربط قرارنگیرد ، نسخه‌های‌متنوع مسکن ، چاره‌ساز دردهای عمیق زحمتکشان‌نخواهدبود .

چه‌بایدکرد ؟

امااین‌مهم چگونه عملی‌خواهد بود ؟ و نیز ، با در نظر گرفتن این‌که مسائل کارگری و قوانین‌کار از دامنهٔ گسترده‌ای برخوردارند ،فرمول‌بندی و تدوین یک طرح جامع نه فقط برای تامین کار وصندوق بیکاری‌بلکه بمنظور پاسخگویی به‌مسائل‌اشتغال ،دستمزد ، شرایط کار وحقوق وتکالیف کارگران ، این همه از عهدهٔ کدام‌مرجع ساخته است ؟ درجوابگوئی به‌این‌سوال‌نخست بایدمعین‌کنیم کدام نهاد وچه کسانی صلاحیت تشخیص وتعیین نیازهای زحمتکشان وحقوق‌حقه آنان را دارا هستند ؟ تجربه نشان داده است که نمایندگان راستین ازمیان‌خودکارگران یعنی‌تشکل‌های‌ویژه صنفی ازقبیل اتحادیه وسندیکاها اساسی‌ترین ارگان انجام چنین‌رسالتی به‌شمارمی‌آیند . همین‌جا بایدافزودکه‌تشکل‌های‌شورایی زحمتکشان‌نیز ،بویژه درشرایط کنونی تکامل‌انقلاب ایران ،باید سهم‌جدی خاص خود رادراین‌کاراداکنند ، زیرا وظیفه "همکاری درتهیه‌برنامه‌هاوایجاد هماهنگی درپیشرفت امور" جز درپرتو ایجادشرایط ضرور ودر مرکز آن تامین حقوق کار زحمتکشان عملی‌نیست .

متاسفانه ،همزمان باانتشارطرح ، دعوت عام به‌اظهارنظر پیرامون‌آن دیده‌می‌شود .اما نه دعوت ازسندیکاـ ها وشوراها که‌نمایندگان وارگان های صنفی وشورایی‌کارگران وزحمتکشان محسوب می‌شوند ،حال آن‌که تنها با بذل توجه به‌اصابت نظر سازمان‌های سندیکائی وشورایی‌کارگران می‌توان شرایط تصحیح وتکمیل طرح‌های‌مربوطه را فراهم‌آورد .

حال ،گذشته ازاین‌که " طرح‌بیمه بیکاری " نشانگرعدم برخورد مسئولین به مجموعه‌مسائل کارگری بمثابه‌یک کل جامع و همبسته است وصرفنظر ازآن‌که حتی یک قانون کار همه جانبه نیزتنها باگذشتن از صافی نمایندگان راستین کارگران ،یعنی انجمن‌های‌صنفی و شوراهاامکان پیدائی‌می‌یابد ،ذکر پاره‌ای ازنارسائی‌های‌موجود در مواد "طرح‌بیمه‌بیکاری " رابویژه ازنظرتاکید براسلوب نگرش به‌مسائل کار و نگارش قانون کارگری ضروری دانیم .

بدوا بایدتصریح‌کردکه طرح ـ هایی از این دست به مثابه چاره اندیشی‌های ضرور درجهت حمایت از زحمتکشان نمی‌تواندچندان‌مفید و کار ـ ساز باشد ،مگرآن‌که‌درشمول‌خود واجدجامعیت‌باشد ومثلا بیمه‌بیکاری تمام‌کارگران را اعم از کارگران فصلی ، ساختمانی ، کارگران کشاورزی‌و زحمتکشان‌صنوف گوناگون و واحد های کوچک را که در بیشتر موارد زیرپوشش بیمه نیستند ،دربرگیرد . درغیراین صورت ،حتی‌اگرقانون‌روی‌کاغذ تصویب شود ،ازنظراجرا توفیقی‌نخواهدیافت‌و معضل بیکاری‌همچنان‌لاینحل باقی خواهدماند .

قانون ومسئلهٔ اخراج کارگران

بنابه‌اظهار قائم‌مقام وزارت‌کار ، اجرای بیمه‌بیکاری راهی‌است درجهت حذف‌ماده ۳۳ قانون‌کار کنونی ،حال با توجه به‌این که "مطابق‌ماده ۱۲ "طرح بیمه‌بیکاری" رسیدگی به‌اختلاف‌کارگر و کارفرماهمچنان به مراجع حل اختلاف (مندرج درقانون‌کار) واگذارشده‌ودر ماده بعدی (۱۳)،طرح‌صریحاصندوق بیمه‌بیکاری را از ورود به مسائل و مناقشات مربوط به روابط کار منع کرده است ،مساله‌بغرنج‌ترمی‌شود . توضیح آن که‌هیات‌های‌حل‌اختلاف بنابر سوابق موجود تاکنون کمتربه‌سودکارگران عمل کرده‌اند وبویژه درچارچوب ضوابط گذشته اساسا درجهت منافع کارفرما تشکیل‌می‌شده‌اند .بگذریم از آن که وظایف قبلی این‌هیات‌ها نیز به همین دلیل به‌صورت تاخیر درازمدت‌دراخذ تصمیم‌وحل مناقشات کارگرو کارفرما تعبیرعملی‌یافته‌اند . به‌این‌ترتیب نظر به‌مفهوم "بیکاری غیرارادی "که‌درطرح افاده‌شده ـ واین خودچارچوب سیال ومقوله‌ای کشداربه شمارمی‌آید ،این سوال باقی‌می‌ماندکه "طرح " چگونه‌به حذف ماده ۳۳ قانون کار کمک خواهد کرد ؟ زیرا ضوابط اخراج یاابقای کارگر کماکان‌غایب است وجانشینی‌برای‌ماده ۳۳وجودندارد . پس آنچه ازقلم‌افتاده است شرایط‌اخراج کارگران است که باید دقیقا وبطور مشروح تعیین‌وروشن شودتاکارفرما شخصانتواندتصمیم بگیرد ودر این تصمیم از مساعدت‌احتمالی ضوابط قانونی‌بیمه بیکاری نیز مستقیم یاغیرمستقیم سودجوید . گذشته ازهمه اینها ، سهم‌پرداختی‌کارگران در سه درصدپرداخت‌کارگر و کارفرما تعیین نشده‌است . کارگران‌بدرستی خواهان آنندکه دراین‌طرح وطرح‌های نظیر ، با توجه به بنیه‌مالی‌ضعیف وتنگدستی عمومی‌به اضافه‌دشواری‌های فراوان به ویژه‌هزینه بالای زندگی که‌قدرت خرید آنان رابشدت محدود می‌کند ، سهم پرداختی‌آنان به‌حداقل‌ممکن‌کاهش‌یابد.

همین‌جا بایدگفت که‌تعیین‌در ـ یافتی کارگربیکار که در "طرح " حداقل آن‌مساوی باحداقل‌پایه‌دستمزد قانونی وحداکثرآن برابر باهفتادوپنج‌درصد دستمزد دوره‌اشتغال مشخص شده ، باید تابع‌حداقل نیازهای مشخص کارگر وخانواده‌تحت تکفل‌اوباشد . و این‌اصل در درجه نخست باید در تعیین ضوابط حداقل دستمزد (دوران اشتغال) درقانون کار ملحوظ واقع شود.

وپایان‌سخن‌این که بندبند قوانین باید باچنان صراحت ، دقت‌و وضوحی مقصود خود را بیان دارد و حاوی چنان‌زمینهٔ روشنی برای اجرای خود باشدکه‌راه‌گریز برقانون‌شکنان خود سرسدشود وگرنه قانون تامین اجتماعی نیزدرگذشته وجودداشته ، ولی‌بخش مهمی ازطبقه کارگر از آن‌نصیبی نبرده است . طرح‌بیمه‌بیکاری متاسفانه‌حتی‌در موادمحدودولزوما ناقص خود نیزبه شیوه‌ای نگاشته‌شده وپرداخت‌یافته که ازاین مدل‌فاصله کمی ندارد .

مجلس شورای...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب مادر سومین مرحلهٔ تکاملی خود ،درهماوردی باتوطئه‌های آمریکاوپایگاه‌های‌داخلی آن موفق نخواهدشد ،مگر آن که به یک رشته تدابیر بنیادین درزمینه‌های حساس اقتصادی واجتماعی‌دست‌زندوخاستگاه طبقاتی لیبرالیسم و وابستگی‌طاغوت‌ـ گرائی را درمعرض‌تهاجم قطعی‌انقلابی قراردهد ونابودکند .این‌تدابیربایدبا یک‌سلسله‌قوانین‌تسجیل وتثبیت شود تاارگان‌های‌اجرائی ونهادهای‌انقلابی بتوانندکارحیاتی "حفظ جمهوری اسلامی " و وظیفهٔ تاریخی به پیروزی رساندن‌قطعی انقلاب را به سرانجام برسانند .زندگی‌نشان‌می‌دهد که‌مهم‌ـ ترین‌این‌تدابیرـ و قوانین مربوط به آنهاـ بایدبه‌ویژه در زمینه‌های زیر اتخاذگردد :

ـ اجرای اصلاحات‌ارضی واقعی وریشه‌ای (الغای‌بزرگ‌مالکی اعم از فئودالی وسرمایه‌داری ،زمیندار کردن دهقانان‌بی‌زمین‌وکم‌زمین ،فراهم‌سازی زمینه‌برای اعتلای کشاورزی سالم و مستقل وخودکفا)

ـ کوتاه‌کردن دست واسطه‌های غارتگر و دلالان وسرمایه‌داران کلان (ملی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی ، ایجاد شبکه‌دولتی توزیع ،گسترش و تقویت شبکه‌تعاونی ،مبارزهٔ با تورم و گرانی)

ـ تعیین تکلیف‌انقلابی برای اراضی وساختمان‌های شهری (حل مسئلهٔ حادمسکن وقطع یدزمینخواران ودلالان ،تداوم کارساختمانی)

ـ تامین‌عدالت‌اجتماعی (تعدیل ثروت‌ها ،جلوگیری ازغارت‌بی‌بندوبار بازپس‌گرفتن‌اموال‌غصبی‌واحقاق‌حقوق پایمال‌شدهٔ مردم)

ـ احیاء اموراقتصادی (به راه انداختن چرخ‌صنایع ،ایجادرشته‌های تولیدی مستقل وسالم ،تنظیم امور مالیاتی طبق روح انقلاب ،تداوم ملی‌ـ شدنها ،تقویت انواع‌تعاونی‌ها درتولید وتوزیع ومصرف)

تدوین وتصویب قوانین برای عملی ساختن‌این تدابیر ،اگر چه مدتهاست که‌ازحادترین‌مسائل جامعهٔ انقلابی مابوده ،تاکنون بعلل‌مختلف‌از جمله‌سنگ‌اندازی‌هاواشکال‌تراشی‌هائی که‌در راه‌آن میشده ، چه از جانب لیبرال‌ها وچه‌ازسوی روحانی نمایان صدخط‌امام وبعلت بهانه‌ها وعذرـ ها ،بکه به‌دستاویزهای مختلف‌تراشیده میشده ،چه‌ازطرف ناکثین چه از جانب مارقین ،چه‌طاغوت‌منشانه و چه قشری‌ـ گرایانه ، بعهدهٔ تعویق‌افتاده‌است .ولی جامعهٔ انقلابی مادیگرنمیتواند تحمل تعویق‌کند .تعویق به‌معنای "اختلال‌در نظام جمهوری اسلامی" است ، عدم تصویب و اجرای این‌قوانین به معنای ایجاد "فساد" و "حرج"است ، یعنی موجودیت جمهوری‌اسلامی ایران را دچار مخاطره‌میکند ،شالوده‌آن‌رافاسد میکند و از بین‌میبردوآنچنان‌مشکلات وتنگناهائی ایجادمیکند که‌میتواندبه بهای سنگینی‌تمام‌شود .مسائل‌نامبرده مستقیمابانگاهداری‌یابرعکس با ضربه زدن به‌پایگاههای ضد انقلاب ، با تضعیف یا برعکس با تقویت پایگاه اجتماعی‌انقلاب‌رابطه‌دارد .هراقدامی درجهات‌نامبرده ،اگر انجام بشود ("فعل "آن) موجب نابودی امکانات ضدانقلاب شده وبزرگ‌مالکی یا کلان سرمایه‌داری ،فساد وطاغوت‌زدگی ، غارت‌وپوسیدگی را از بین‌میبرد و در برابر دهقانان‌زحمتکش و تودهٔ محروم شهر و روستا ،یعنی همهٔ مستضعفان‌را راضی وشادمیکند و صف انقلاب را تقویت میکند .اما اگراقدامی‌درجهات نامبرده‌انجام‌نگیرد ،یا بیش از این به‌تعویق افتد ("ترک "آن) ،چنین موردی برعکس، موجب جان گرفتن عمال‌شیطان‌بزرگ واذناب آمریکامی‌ـ شود ،بساط چپاول وستم و زورگوئی و بهره‌کشی بی‌حساب را میگستراند ، مردم‌زحمتکش را در شهروده‌ناراضی‌و پراکنده وناامیدمی‌سازد ومستقیما به پشتیبانان‌و مدافعین انقلاب صدمه میزند .

بنابراین ،اینگونه‌مسائل دیگر تنهامربوط به‌منافع گروهی‌ازمردم و زندگی‌روزمره‌این یاآن دسته نیست . دیگر تنها این یا آن مشکل جزئی اقتصادی واجتماعی‌مطرح نیست ،بلکه اساسا خود نظام و ضرورت حفظ آن مطرح‌است .

ماباتوطئه‌های پیاپی‌و بسیار متنوع امریکا و باخرابکاری‌های ضدـ انقلابیون روبرو هستیم و نمی‌توانیم از "حفظ نظام جمهوری‌اسلامی " چشم بپوشیم .مرحلهٔ سوم‌انقلاب ما که در رویاروئی سیاسی با لیبرال‌ها و دار و دسته‌بنی‌صدر و اذناب امریکاکامیابی بدست‌آورد ،اگردرعرصه‌های‌اجتماعی واقتصادی‌نیزپیروزنشود ،اگرپایگاه ـ های‌لیبرال‌ها و وابستگان وپیوستگان آمریکا و در درجهٔ اول بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری راازریشه‌نابودنکند ، نه‌فقط به‌جلونخواهدرفت ،بلکه از درون خواهد پوسید ،فاسدخواهدشد مسخ‌خواهدشدو همان پیروزی معین سیاسی اولیه‌اش نیز زیرعلامت‌سئوال قرارخواهد گرفت و راه برای بازگشت لیبرال‌ها و "معتدلین میانه‌رو " ، مطابق نسخه‌آمریکا ،بسوی اریکه‌قدرت سیاسی نیز بازخواهد شد .

مردم‌انقلابی‌ایران از همان ابتدای اعلام‌مبادله‌نامه و تعیین تکلیف‌توسط امام‌خمینی دیدگان خود را هشیارانه ،متوجه مجلس کردند و بلافاصله حل‌این‌خواست‌های‌اساسی و مسائل عمده را در گروانجام‌رهنمود امام واستفاده از راهگشائی ایشان دانستند . مردم‌مشخصا در زمینه اصلاحات ارضی که‌اکنون در تصویب‌و اجرای بندهای "ج" و "د" متبلور شده و نیز ملی‌کردن بازرگانی‌خارجی ومسئله‌اراضی‌وساختمان‌های‌شهری ، چشم انتظار خود را به‌مجلس دوخته و روز شماری میکنند .این‌مسائل اینک دیگرباهیچ‌مانع ورادعی از آنچه تا کنون مطرح‌میشده وسد راه‌بوده و با هیچ‌بهانه‌ودستاویزی از آنگونه که تا کنون عنوان‌میشده وچوب لای چرخ میگذاشته ،نمیتواند لاینحل‌بماند . دیگرواقعا عذری باقی نمانده. اینک دیگر تعیین تکلیف توسط ولایت‌فقیه ومقام‌رهبری که‌برقوای سه‌گانه نظارت دارد ،انجام شده وتصویب‌اکثریت‌وکلا کافی‌است تامصوبات مجلس شورای اسلامی قابل‌قبول‌برای همه و لازم ـ الاجرا باشد . دیگر تعبیرهای مختلف پذیرفته‌نیست وهیچکس در هیچ مقام ومرجعیتی وباهیچ‌عذر و دستاویزی نمی‌تواندنه‌عرفا ونه شرعا ،از اجرای آنهاجلوگیری‌کند .واضحاست که اجرا قوانین‌باید ازهرگونه‌زیاده‌روی‌وقانون شکنی‌وتجاوزبه‌حقوق‌وبه نص مقررات بری باشد تا بازبدست عیب‌جویان‌و بهانه‌تراشان‌بهانه‌ای نیفتد . طبق اصول شریعت‌اسلامی که‌احکام‌اولیه‌را (که‌صریحاناشی ازمتن‌کتاب و سنت بوده وهمواره‌محترم‌شمرده‌میشود) از احکام‌ثانویه (که‌براثر علل و عوامل جدیدپدید میشود و دستور العمل و طرح‌های تازه را ایجاب میکند وبناـ براین‌موقت‌شمرده‌میشود یعنی وابسته به‌علل‌وضرورت‌هاست) تمیزمیدهد ، درتعیین‌تکلیف قید "موقت‌بودن "نیز آمده‌است . برای آنکه در صفحات "اتحادمردم "متن کامل‌نامه پرـ اهمیت امام‌خمینی ثبت شود و مسئولیت مجلس بیشتر درک گردد عین‌متن را دراینجامیاوریم :

بسم‌اللەالرحمن‌الرحیم ـ آنچه درحفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد ،که‌فعل‌یاترک آن‌موجب اختلال نظام‌میشود وآنچه ضرورت دارد که ترک آن یافعل آن مستلزم فساداست وآنچه فعل یاترک آن مستلزم حرج است پس ازتشخیص موضوع به‌وسیلهٔ اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی باتصریح‌به‌موقت بودن آن مادام که موضوع محقق‌است وپس از رفع‌موضوع خودبخودلغو میشود ، مجازند در تصویب واجرای آن و بایدتصریح‌شود که‌هریک ازمتصدیان‌اجرا ازحدودمقرر تجاوزنمود ،مجرم شناخته میشود و تعقیب قانونی وتعزیز شرعی‌میشود .

مردم‌چشم‌انتظارند .مجلس شورای‌اسلامی‌دربرابر وظایف‌تاریخی وحیاتی‌قراردارد .مردم انقلابی‌ایران امیدوارند هرچه‌زودتر مجلس ثابت کند که‌شایسته اعتماد امام و سزاوار احترام وامید مردم‌است .

شش سال ازتأسیس "کبله "های اتیوپی می‌گذرد

چندی‌پیش شهروندان‌اتیوپی ششمین سالگردانتشاراعلامیه‌انقلابی را برپاکردند ،که‌برپایه‌آن همه‌اراضی و خانه‌های‌شهری‌ملی شدوانجمن‌های‌شهر ـ نشینان ("کبله "ها) تاسیس یافت . روزنامهٔ "دایی تیوپین‌هرالد " در سر مقاله‌خودبدین‌مناسبت‌نوشت :

"درحالیکه‌صاحبان‌پیشین‌اراضی وخانه‌های‌شهری‌عزاگرفته‌اند ،توده ـ های استثمارشدگان‌سابق‌باشادمانی‌به آن روزمی‌اندیشند " .

الیگارشی فئودال‌وسرمایه‌داران داخلی‌وخارجی‌هم پیوندآن ،پیش‌ازآن سودهنگفتی‌ازبابت‌این‌اراضی و خانه‌ها به‌جیب می‌زدند .

یکی‌ازنخستین‌گامهای دولت اتیوپی‌پس ازملی‌کردن‌اراضی‌وخانه‌های شهری‌الغای‌بدهکاری‌های‌مستاجران و کاهش فوق العاده کرایه خانه‌ها برای اکثریت‌مردم بود .

درآستانه‌انتخابات "کبله "ها در چندهفته‌پیش ، کارنامه‌آنها بس‌موفقیت ـ آمیزارزیابی‌شد .این‌کامیابی‌بویژه‌در زمینه‌خانه‌سازی‌تعاونی ، "مغازه های مردمی "وتشویق‌کارگاه‌های تعاونی و خانگی‌حاصل‌گردید .

آمریکا برای...

بقیه از صفحه ۱

آمریکا ومتحدان آن مدتهاست که زراد ـ خانه خودرا در کشورهای مرتجع منطقه و همچنین پایگاه های تجاوزگری خودرا در اینجا وآنجا ، نو نوار وآماده کرده و می کنند . این تدارکات نه تنها متوجه ایران ، بلکه علیه کلیه کشورهای انقلابی خاورمیانه است . مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل اخیرا پس از دیدار از آمریکا اعلام کرد که : " . . . دیدارش از واشنگتن را با بدست آوردن یک هدف عمده . . . یعنی استحکام بخشیدن به روابط استراتژیک قوی ترین واشنگتن و تل آویو پایان داد . . . " (۲۳ شهریور ۶۰ ـ جمهوری اسلامی)

دراین سفر : . . . مناخیم بگین نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس از آمریکا خواسته است به انباشتن تانک در خاورمیانه مبادرت ورزد . . . (وی) به این بهانه که منافع غرب درخاور میانه می تواند ازسوی شوروی . . . مورد حمله قرارگیرد ، تاکید کرد آمریکا باید . . . با این مبارزه طلبی مقابله نماید " . (همان جا)

وزیرامورخارجه اسرائیل نیز در همین ارتباط گفته است که : " . . . آمریکا بعنوان قسمتی از طرح همکاری های نظامی با این کشور در اسرائیل زراد ـ خانه هایی ایجاد خواهد کرد . . . " (همانجا)

ازسوی دیگر بنا به گزارش صریح خبرگزاری فرانسه : " . . . استراتژی جدید مشترک اسرائیل وآمریکا درخاور ـ میانه به ادامه استقرار پایگاه های آمریکایی درمنطقه . . . منجر خواهد شد . . آمریکا واسرائیل درباره توسعه همکاری های نظامی . . . موافقت کرده اند . . . " (آزادگان ـ ۲۳ شهریور ۶۰)

دیگرنوکران حلقه بگوش آمریکا در منطقه نیز دراظهارخدمت به ارباب سر ازپا نمی شناسند : " . . . رژیم حاکم بر مصر باآمریکا توافق کرده است که . . . درماه آوریل آینده پایگاه هوایی ایتام را دراختیار نیروهای چندملیتی آمریکا قراردهد . . . قرار است . . . دوهزار و پانصد آمریکائی . . . مجهز به سلاحها ی سبک . . . دردوپایگاه مذکور و همچنین درجنوب شرم الشیخ . . . مستقر شود . . . " (جمهوری اسلامی ـ ۲۳ شهریور)

ودرازاء این خدمت " . . . آمریکا . . . هزارموشک زمین به زمین . . . به مصرخواهد فروخت . . . " (همانجا)

ویا : " . . . آمریکا . . . متعهد شده است که ۲۵۰ تانک ام ـ ۶۰ دراختیار مصر قرار دهد . . . " (اطلاعات ۲۸ شهریور)

واما سهم دیگر نوکران : " . . . طرح ۳ میلیارد دلاری کمک های اقتصادی و نظامی آمریکا به پاکستان . . . طرح های واشنگتن مبنی برمجهز نمودن ارتش پاکستان به سلاح های مدرن موجب نگرانی شدید کشورهای همسایه گردیده است . . . پاکستان روز گذشته به طور رسمی موافقت خود را باکمک های آمریکا اعلام کرد وآمریکا نیز متقابلا متعهد شد که هواپیماهای جنگنده ٔ اف ـ ۱۶ را دراسرع وقت در اختیار پاکستان قراردهد . . . " (اطلاعات ـ ۲۶ شهریور ۶۰)

واما جعفرنمیری ، نوکر آمریکا در سودان : " . . . جعفرنمیری ازآمریکا تقاضای کمک کرد . . . نمیری . . . گفت که **امیدوار** است آمریکا پایگاه های نظامی خودرا در خاک سودان احداث کند . . . وی افزود ضمن دریافت کمک ۱۰۰ میلیون دلاری ازآمریکا . . . تلاش خواهد کرد تا **کمک های** بیشتر **نظامی** آن کشور را نیز . . . **دریافت** نماید . . . " (اطلاعات ـ **۲۶ شهریور**)

متحدین آمریکا نیز بیکار ننشسته اند : " . . . انگلیس تانک پیشرفته و توپ سنگین به مصر می فروشد . . . " (اطلاعات ـ ۲۸ شهریور ۶۰) ویا این که : " . . . یونایتدپرس از کویت گزارش داد مارگارت تاچر نخست وزیر انگلیس و رهبران کویت بطور مفصل درباره مسائل متعدد ، ازجمله امنیت خلیج فارس و طرح ۸ ماده ای فهد بایکدیگر گفتگو کردند . . . مسئله اصلی مذاکرات نخست وزیر انگلیس ورهبران کویت را علاوه بر طرح ۸ ماده ای عربستان ، گسترش روابط اقتصادی باتوجه خاص به فروش اسلحه ازجانب انگلیس به کویت تشکیل می داد . . . وزیر دفاع کویت پس از دیدار باتاچر گفت دراین دیدار مسئله ٔ فروش اسلحه مورد بررسی قرار گرفت و قرار است یک هیئت نظامی کویتی برای دنبال کردن این مذاکرات به انگلیس اعزام شود . (جمهوری اسلامی ـ ۷ مهرماه) وتمام اینها برای اینکه : " . . . انگلیس مایل است به نیروهای . . . واکنش سریع آمریکا بپیوندد . . . " (همان جا) وهمین تمایل یکسان است که باعث گسترش " . . . همکاری نظامی فرانسه وانگلیس با رژیم سعودی . . . " (کیهان ـ ۴ مهرماه) شده است . ویا موجب گردیده که : " . . . نیروی دریایی ژاپن . . . بمنظور حفاظت ازناوگان تجاری اش درخلیج فارس یک ناو گشتی به این منطقه گسیل . . . (اطلاعات ـ ۱۱ مهرماه) دارد .

وسرانجام : " . . . ریگان دستور ساختن ۲ سلاح مرگبار را صادر کرد . . . این هواپیما ها که از تحرک زیادی برخوردار است درنیروهای واکنش آمریکا و درمناطق حساس جهان مستقر می شود . . . " (منبع بالا)

محاصره انقلاب زیر پوشش مبارزه باکمونیسم

امپریالیسم جهانی تدارک عظیم نظامی خودرا علیه خلق های منطقه مانند همیشه زیرپوشش مبارزه با " خطرشوروی " و " کمونیسم " انجام می دهد ، اما تنها با نگاهی به نقشه ایران وهمسایگان آن به خوبی می توان دید که آنچه آمریکا زیر عنوان مقابله باکمونیسم در منطقه انجام می دهد ، چیزی جزتنگ تر کردن حلقه محاصره ٔ ایران ، افغانستان ، سوریه ولبنان نیست . پاکستان رامسلح کرده اند ، رژیم کودتاگر ترکیه برای سرکوب نهضت آزادی بخش این کشور و مقابله با انقلاب ایران روی کار آمده است ، رژیم صدام در راه خدمت به امپریالیسم به جنگ با ایران برخاسته است و : " . . . شش کشورخلیج فارس عملا واردتوطئه علیه ایران شدند . . . روسای ستاد مشترک ارتش های ممالک عضوشورای همکاری های خلیج فارس در ریاض تشکیل جلسه خواهد داد . این شورا ازعربستان سعودی ، . . . عمان ، بحرین ، کویت ، قطر وامارات متحده عربی تشکیل شده است . . . وزیران خارجه کشورهای عضو شورای همکاری ـ های خلیج فارس طرح . . . عمان برای امنیت منطقه را پذیرفته اند . . . این طرح خود نوعی تهدید سیاسی ـ امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران است که حق قانونی کنترل تنگه هرمز را داراست . . . " (اطلاعات ـ ۲۴ شهریور ۶۰)

ودرچارچوب همین نقشه تجاوز ـ گرانه است که : " . . . اسرائیل ، حمله همه جانبه به جنوب لبنان راتدارک می ـ بیند . . . " (کیهان ـ ۲۵ شهریور) و : " . . . مناخیم بگین به واشنگتن آمده تا تائید دولت آمریکا رابرای هدفی که دنبال دارد یعنی اشغال کامل و رسمی ساحل غربی رود اردن بدست آورد . . . " (آزادگان ـ ۲۱ شهریور ۶۰)

این همه به معنای آن است که آمریکا خودرا برای ایجاد درگیری در منطقه خلیج فارس آماده کرده ومنتظر است تا " . . . اگرجنگ درنزدیکی مرز ـ های ایران روی دهد . . . " (۲ مهر ماه آزادگان) فرصت داشته باشد " . . . به سرعت ازطرفی که مایل است حمایت کند . . . " (همان جا) وبه قول خبرگزاری تاس دیگرکیست که نداند " . . . طرفی که آمریکا می خواهد از آن سریعا حمایت کند رهبران ارتش شاه وپلیس مخفی ودیگراوباشان دیکتاتورسرنگون شده است . . . " (همان جا)

به منظور اجرای چنین توطئه شومی است که آمریکا به وضعی فضاحت بار وبسان شیادآبروباخته ای که دیگر به هیچ اصلی پای بند نیست " . . . اکنون . . . علی رغم نص صریح بیانیه الجزایر . . . رأسا دست به انسداد موجودی های دفترحفاظت منافع (ایران) . . . زده است . . . " (اطلاعات ۲ مهرماه ـ ازاطلاعیه وزارت امورخارجه)

وازسوی دیگر : " . . . درآستانه سفرهیئت نمایندگی ایران به مجمع عمومی سازمان ملل . . . به ایران اعلام داشته که معاونان وزارت امورخارجه ٔ جمهوری اسلامی ایران رابه دلیل ارتباط بامسئله گروگان های آمریکایی ، عناصر نامطلوب تشخیص می دهدونمی تواند به آنها اجازه ورود به خاک آمریکا رابدهد . . . " (ازهمان اطلاعیه)

و روزنامه نیویورک تایمز ارگان امپریالیست های آمریکایی ، ضمن تائید این گونه اعمال ، ازدولت آمریکا می ـ خواهد که خودرا به سیم آخربزند و " . . . ازمجاهدین خلق حمایت کند ، چرا که عملکردهای گروه مجاهدین خلق باعث روی کارآمدن یک رژیم نظامی طرفدار آمریکا با یک کودتا خواهد شد . . . (اطلاعات ـ ۵ مهرماه)

آری آمریکا ، می میرد برای یک چنین نظامی وبرای همین است که نقشه آمریکا واسباب اجرای این نقشه آماده شده است . ژوزف کرافت یکی ازمهره های " سیا " نیزاخیراً درروزنامه ٔ واشنگتن پست ازآمریکا خواسته است که ازامکانات وسیع خود درترکیه ، پاکستان و عمان برای تقویت نیروهای مخالف انقلاب ایران ورهبری سازش ناپذیرآن ، امام خمینی ، وسپس دخالت مسلحانه در ایران ، استفاده کند . بعبارت دیگرآمریکا شیطان بزرگ ، آماده واکنش سریع است ومانور نیروهای عضو ناتو باشرکت " . . . چهارصدهزار نظامی . . . در دماغه شمال درترکیه شرقی . . . " (کیهان ـ ۲۳ شهریور ۶۰) در حقیقت اعلام این آمادگی است .

همه این واقعیت ها نشان می دهد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا ، آماده واکنش سریع می شود . خطرآمریکا ومتحدان آن ازهمیشه حدی تر ، فوری تر و نزدیک تر است . امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکا برای انجام این نقشه جبهه متحدوسیعی راتدارک می بیند و پیوسته بردامنه آن می افزاید . ضد ـ انقلاب درسطح جهانی ، علیه انقلاب بسیج شده است . جبهه ٔ جهانی انقلاب نیزباید متحد باشد . انقلاب ایران که پیروزی نهائی ویاشکست آن اثر زیادی بر روی مجموعه انقلاب جهانی دارد ، تنها و تنها با اتحاد همه نیروهای ضد ـ امپریالیستی ومعتقد به انقلاب در داخل ودرسطح جهانی است که می تواند توطئه آخر امپریالیسم راهم نقش برآب کند .

هشیارباشیم! متحد شویم! دوستان ودشمنان خودرا در داخل و خارج بشناسیم . این تنها راه علیه بر دشمن هار ومتجاوز است .

ارتش صدام فرو می ریزد

مقاله ای درباره ٔ وضع درونی ارتش صدام اقتباس از « طریق الشعب » ارگان مخفی حزب کمونیست عراق ، شماره ٔ ۱۰ اواسط ژوئیه ۱۹۸۱ .

مخالفت باجنگ وادامه آن **وعدم** درک اهداف آن ، تنها منحصربه هزاران سرباز و درجه دار نیست که تابحال صد ـ ها تن از آنها از ارتش گریخته و یا به نیروهای پارتیزانی ملحق شده اند . بسیاری ازافسران وحتی افسران ارشد نیزبعلت اظهار نارضائی و یا به دلیل تردید عوامل صدام نسبت به اخلاص و وفاداری آنان از همان ماه های اول جنگ قربانی قهر و غضب رژیم دیکتاتوری شده اند . رژیمی که جز کشتار ، مجازات دیگری نمی شناسد .

درطول ماههائی که از مسخره " قادسیه " می گذرد ، دهها افسر ، یادر میدانهای جنگ و یا درواحدهای نظامی و بازداشتگاه ها و سلول های سازمان امنیت ، بدست عوامل نزدیک صدام به قتل رسیده اند .

چنین سرنوشتی همچنین در انتظار کلیه افسرانی است که واحد های آنها درجنگ با ایران دچار شکست فضیحت بارشده اند و از عهده ٔ جبران آن نیزبرنیامده اند . چنین افسرانی صرفنظر از میزان وفاداری به صدام و حزب او ، درخطر جدی مرگ قرار می گیرند . حتی عده ای از نزدیکترین و وفادارترین افسران به صدام نیز که تنها چندروز از برگزینی آنها به مقام فرماندهی ـ بجای افسران اعدام شده ـ میگذشت ، به این سرنوشت دچارشدند بعنوان مثال می توان ازسرهنگ ستاد جاسم حمدان فرمانده یکی از لشکرها و دو تن دیگر از افسران ارشد سرهنگ دوم محمدعبدالله و سرگرد ستاد علاء حلیل نام برد .

شک و تردید نسبت به وفاداری عده زیادی ازافسران ومقامات ارتشی ، باعث شده است که عده پرشماری به فرمان صدام بازنشسته شوند و یا از ارتش و پلیس اخراج گردند . در سایه ٔ همین شک و ظن ، برخی ازافسران به علت روابط خویشاوندی (حتی بسیار دور) با افرادی که مظنون به همکاری با نیروهای ملی هستند ، بعنوان مجازات به پستهای کشوری گمارده شده اند . به عنوان مشتی ازخروارمی توان ازسرهنگ صبحی فرحان ، سرهنگ مصطفی عانی و سرهنگ دوم ستاد دحام نام برد که به دلایل فوق اخراج گشتند .

حتی برخی ازکسانی که از ارتش اخراج شده و یا بازنشسته شده اند و یا به حبس ابد محکوم گشته اند ، بار دیگر احضار و بعنوان " مجازات " اعدام شده اند .

اگر به این عده ، شماره ٔ بزرگ افسرانی که در جبهه های جنگ کشته شده اند را نیز اضافه کنیم ، به این نتیجه میرسیم که ارتش صدام در شرف فروریختن کامل قراردارد . افسران نزد همکاران خود از مجازات سربازان به ستوه آمده ای سخن میگویند که به دلیل مخالفت باجنگ ، افشای جنایات صدام ودشنام دادن به او ، اعدام شده اند . عده بسیاری از افسران خود نزد افسران دیگر **مخالفت خویش را باجنگ و تنفر** خود را از صدام آشکارا بیان می کنند . سربازان نیز علی رغم آن که می دانند مجازات اعدام در انتظار آنهاست از ابراز تنفر نسبت به صدام خودداری نمی کنند .

برای مثال ذکر یک حادثه که در بخش جنوبی جبهه روی داده است و بیانگر شکاف عمیق وروبه گسترش میان صدام وافسران اوست ، قابل توجه است . دراین حادثه ، سروان عدنان از اهالی قادسیه دو افسر را (که یکی از آنها کمیسر سیاسی بوده است) میکشد و با سلاح خود به ایران میگریزد . لازم به تذکر است که فعالیت این افسر مورد تائیدورضایت فرماندهی قرار داشته و وی حتی چندین مورد پاداش دریافت کرده بوده است ، ولی زمانیکه متوجه می ـ شود اورا به تمایل نسبت به مخالفان مذهبی صدام متهم کرده اند و جانش درخطر قرارگرفته است به این اقدام دست میزند .

اوجگرفتن عملیات شجاعانه پارتیزان های جبهه میهنی درکردستان وضرباتی که نیروهای مخالف از درون موسسات نظامی دربغداد ، بصره و کوت بررژیم صدام وارد کرده اند (چون عملیات داخل پایگاه ابوغریب ، اردو ـ گاه الرشید و پایگاه هوائی کوت) فرماندهان نظامی رژیم را به اضطراب وسراسیمگی شدیدی دچار کرده است . دستوراتی که چندی پیش از طرف " استخبارات عسکری (رکن ۲ ستاد ارتش) صادرشد ، بیانگر این واقعیت است . در این دستورات که به صورت بخشنامه صادر گشتند ، تاکید شده است که با گماردن نگهبانان و گشتی ها و دیگر اقدامات ، تدابیر امنیتی راتشدید کنند دراین بخشنامه ها حتی دستورداده شده است که افسران برای خوابگاه خودمکان ـ های امنی رابرگزینند و تاکید شده است که این مکان ها نباید پنجره و منفذ داشته باشد!

وضع ارتش وسازمان های رژیم در کردستان ، بسیار " وخیم " است . هر روز خطوط قرمز برنقشه های اداری ونظامی منطقه (کردستان) که بیانگر راه های غیرمجاز وخطرناک برای آمد و رفت نیروهای ارتش اند ، درازتروشاخه دارتر ومحدوده ٔ راه های مجاز و " امن " ، تنگتر میشوند . اوامری که فرمانده ٔ نیروهای الرشید به شماره ۶۵۲ ـ ۸۱/۲/۵ صادر کرد ، جز بیان این حقیقت نیست .

محمدفتحی امین (فرمانده مزبور) دستورات اربابان خود را در " رهبری " دربخشنامه منعکس کرده و دستورمی ـ دهد که " آمد و رفت افراد در راه های **خارجی** ، جز در اوقات معینی ، ممنوع است " ، " آمدورفت نیروهای مسلح و **نیروهای** انتظامی باخودروهای **نظامی در** تمام راه های خارجی به **استثنای دوراه کرکوک** ـ اربیل وزاخو ـ دهوک ، آنهم در اوقات معینی ، مجاز **نیست** " ، " آمد و رفت نیروهای امنیتی **وکارمندان** فقط بایددرحمایت اسکورت ـ ها صورت گیرد " ، " بایددستجات گشتی برراه های خارجی گمارده شوند " . " پاسگاه های کنترل و تفتیش را تقویت کنندونگذارند هیچ اتومبیلی بدون تفتیش عبور کند " ، " هرحادثه ای را سریعا وباتمام وسائل ممکن حتی ازطریق هواپیماهای عمود رواو به نزدیکترین پایگاه نظامی گزارش دهند " . . .

آیا این دستورات دلیل قاطعی برگسترش بیش از پیش فعالیت های مسلحانه و قهرمانانه ٔ پیشمرگان در کردستان وترس و دهشت فرماندهان ارتشی ازاین عملیات نیست؟

درواقع صادرکنندگان بخشنامه ـ ها اعراق نکرده اند ، اماکوشش های آنها عبث وبیهوده بوده است ، در عملیات پارتیزان ها تحولات جدیدی روی داده است . آنها اکنون ازتعرض به نیروهای رژیم از خارج ، بدرخنه به داخل مواضع آنهاوتهاجم به درون پاسگاه ها ومراکز گردان ها وهنگ ها ، روی آورده اند . قربانیان این عملیات پیروزمندانه ٔ پارتیزان ها نیز دیگرمنحصربه سربازان ودرجه داران جز نیست ، بلکه عده ٔ زیادی ازافسران وفرماندهان حتی فرماندهان لشکرها را نیزشامل میشود .

اخبار درگیری ها و پیروزی های پارتیزان ها بسرعت درتمام نقاط کشور پخش میشودو روحیه سربازان را تقویت کرده و بدانها جرات میدهد تا در برابرافسران عالی رتبه ایستادگی کنند این اخبار روحیه فرماندهان هوادار صدام راتضعیف میکند و در قلب آنها رعب وهراس می افکند . در جبهه سوسنگرد سرهنگ ستاد ابراهیم بدست یکی ازمحافظان خود (یک سربازکرد بنام حقه) کشته میشود . . .

اماصدام ازنوع دیگری ازوحشت به خودمی لرزد . اوشدیدا نگران آنست که نتواند کلیه ٔ مخالفان روبه افزایش خود را درصفوف نیروهای ارتشی ، بویژه در میان افسران ، ازمیان بردارد . این حادثه گویای بسیارچیزهاست :

یکی ازفرماندهان نظامی از یک سربازکرد که از مرخصی از شهرخود باز می گشت ، راجع به وضعیت کردستان سئوال میکند . سرباز پاسخ میدهد که می ـ ترسد حقیقت رابگوید . فرمانده با دادن اطمینان به سرباز سئوال خود را تکرار میکند . سربازمیگوید که عده ٔ زیادی از افسران ودرجه داران از ارتش گریخته و به پارتیزان ها ملحق میشوند . فرمانده مذکور در جواب میگوید : " چرامی ترسی؟ . . . مگرپارتیزانها بما سیما آمده اندو ما به آنها ملحق نشده ایم؟!

نامهٔ خانواده‌های زندانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مسئولان کشور

حضور محترم: رئیس مجلس شورای اسلامی
دفتر نخست وزیری
وزیر کشور
دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران
دادستان کل انقلاب
دادستان تهران
شورای سرپرستی زندانها

در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هر روز با نیرنگی تازه و توطئه و دسیسه‌ای جدید، درصدد نابودی دستآوردهای انقلاب شکوهمند میهنمان برآمده، ودر شرایطی که میهن انقلابی ما مورد تجاوز آشکار رژیم صدام قرار گرفته است، ضرورت وحدت تمامی نیروهای ضد امپریالیست و مترقی کشورمان برای در هم کوبیدن توطئه‌های امپریالیسم و تجاوزات رژیم صدام بیش ازهرزمان دیگری احساس می‌گردد.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیرغم موانعی که در سر راه دارند، با حضور فعال خود در سنگرهای سرخ مقاومت و تقدیم ده‌ها شهید فدائی و نیز شرکت فعالانه در کمک رسانی‌های پشت جبهه، مبارزه با ضد انقلاب و کوشش پیگیر در راه تحکیم وحدت صفوف خلق، عملاً به اثبات رسانیده‌اند، که از مدافعین راستین انقلاب پر شکوه میهنمان می‌باشند. با این وجود هنوز متاسفانه تعداد قابل توجهی از فرزندان مبارز و انقلابی این مرز وبوم به اتهام هواداری از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بجای حضور در جبهه‌های مقاومت علیه امپریالیسم که جای واقعی آنان است، در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می‌برند. حضور اینان در زندانهای جمهوری اسلامی تنها باعث خوشی دشمنان سوگندخوردهٔ انقلاب خواهد شد. درشرایطی که آیت الله موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی اعلام داشته است که طرح ۱۰ ماده‌ای به اجرا خواهد آمد، ودر شرایطی که دادستان کل انقلاب و دادستان کل کشور یعنی بالاترین مقام‌های قضایی وحقوقی جمهوری بر این طرح مهر تائید زده‌اند بسیاری دیگر از مقامات وشخصیت‌های جمهوری اسلامی نظیر آیت‌الله منتظری، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، حجت الاسلام خامنه‌ای امام جمعهٔ تهران، آیت الله مشکینی، و... برضرورت اجرای قانون ـ ازجمله طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی بارها وبارها اشاره کرده‌اند چرا باوجود تاکید امام خمینی که امسال باید " سال قانون باشد، قانون اجرا نمی‌شود.

امروز توجه مسئولانه به شرایط حساس میهنمان ونیز انجام وظایف خطیری که این شرایط پیش روی تمامی ارگانها، نهادها و نیروهای ضد امپریالیست وانقلابی نهاده است کلید اصلی ورمز موفقیت انقلاب به شمار می‌رود، ازاین روست که ما خانواده‌های زندانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درتهران درشرایطی که نزدیک به چند ماه است حتی موفق به ملاقات فرزندان و وابستگان خود نگشته‌ایم از مقامات جمهوری اسلامی خواهانیم که ضمن فراهم آوردن امکان ملاقات ما با فرزندانمان با رسیدگی مجدد هرچه سریعتر وضعیت آنان امکان آزادی و حضورشان را در سنگر انقلاب بوجود آورند تا از این طریق گامی اساسی درجهت تحکیم وحدت صفوف مردم واتحاد نیروهای وفادار به انقلاب برداشته شود.

با احترام:
خانواده‌های زندانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فتوکپی برای روزنامه‌های: کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، کار، اتحاد مردم

در هفته‌ای که گذشت:

مشکل افغانی‌های مهاجر را ریشه‌ای حل کنید

آقای دکتر محمدی استاندار سیستان وبلوچستان درمصاحبه‌ای باروزنامه اطلاعات، اعلام کرد: "کسانی هستند که درلوای آوارگان یا مجاهدین افغانی به ایران آمده‌اند وسوء استفاده می‌کنند وبه کارهای ناشایست ومخل نظم می‌پردازند" (اطلاعات ــ ۱۹ مهر ۱۳۶۰)

"مساله حضور افغانیها درمنطقه که عده‌ای از آنها برای دولت ومردم ایجاد نارضایتی کرده‌اند و به کار قاچاق مواد مخدر یا قاچاق اجناس موردنیاز مردم دست می‌زنند و ناراحتی مردم را افزایش می‌دهند و همچنین وجود عده‌ای از ضدانقلابیون مورد حمایت سادات معدوم وقابوس وملک خالد و آمریکا درمیان این برادران وخواهران مهاجر افغانی، ناچار عده‌ای از آنها را به خطری بالقوه برای انقلاب اسلامی ایران تبدیل می‌کند" (اطلاعات ــ ۱۹ مهر ۱۳۶۰) استاندار سیستان و بلوچستان که از نزدیک با مشکل "مهاجران افغانی" روبروست. آنها را به چند دسته تقسیم کرد و گفت: "ما معتقدهستیم که این افغانی‌ها را باید تفکیک کرد" (همانجا). او گفت یک دسته از افغانی‌ها کسانی هستند که می‌توانند جنگ کنند. گروه دوم را افراد مسن، علیل وزن وبچه تشکیل می‌دهند و گروه سوم را عوامل مشکوک و فاسد تشکیل می‌دهند. استاندار سیستان و بلوچستان درباره دسته اخیر گفت: "مشکلات ناشی از وجود برخی عوامل مشکوک وفاسد در میان این مهاجرین باید از بین برود" (همانجا) وافزود که دولت ایران: بهیچ عنوان در رابطه با تصمیمات خودش در سرزمین جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین گذشتی از لحاظ حاکمیت دولت بعمل نخواهد آورد". استاندار سیستان وبلوچستان ضمن اعلام اینکه برای افراد مسن و علیل طی دوماد آینده اردوگاه‌هائی آماده می‌شود تاکید کرد که دولت اجازه نخواهد دادکسانی در لباس افغانی های رانده شده به کارهای نامشروع از قبیل قاچاق مواد مخدر و دزدی وغیره بپردازند.

این سخنان استاندار سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که خوشبختانه مقامات مسئول سرانجام به توطئه امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا برای استفاده از مهاجرین افغانی علیه انقلاب ایران پی برده‌اند. چنان که استاندار سیستان و بلوچستان اعلام کرد. راه حل‌هایی هم برای این مشکل درنظرگرفته شده که قدم اساسی آن تفکیک مهاجرین افغانی است. این راه حل‌ها بدون تردید به انقلاب ایران کمک می‌کند تا مشکل مهاجران افغانی را که امپریالیسم آمریکا، نیروی وسیعی را در میان آنها، بعنوان ذخیره ضد ــ انقلاب سازمان داده حل کند. اما حل ریشه‌ای این مشکل ممکن نخواهد بود، مگر ازطریق مذاکره با دولت افغانستان برای حل وفصل این معضل درچارچوب مناسبات برابرحقوق دو کشور.

ازخطر ضدانقلاب درسیستان و بلوچستان غافل نشوید

استاندار سیستان وبلوچستان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات دربارهٔ "مساله اشرار وخوانین سلطنت‌طلب و قاچاقچیان مواد مخدر... وسلطنت‌طلبان فراری وساواکی‌های اخراجی مستقر در پاکستان را که گویا بتازگی با اشرار و خوانین دراین حرکات همراه شده‌اند" (۱۹ مهر ۱۳۶۰) گفت: "البته این حرکات که ازطرف اشرار، خوانین و قاچاقچیان (که درحقیقت همان یاران وفادار وبرحق طاغوت **هستند**) حرکت ــ های مذبوحانه است ومانباید به این حرکتها، زیاد بها بدهیم" (همانجا)

ما ضمن تائید خطر جدی باند ــ های گوناگون ضدانقلاب درسیستان و بلوچستان نمی‌توانیم باکم بها دادن به این خطر موافق باشیم. همه اخبار، حوادث وقرائن (ازجمله همین مصاحبه) نشان می‌دهد که امپریالیسم نقشه های خودرا برای تبدیل سیستان وبلوچستان به کردستان دوم به مرحله اجرا درمی‌آورد این نقشه که توسط "سیا" طراحی شده و اکنون زیر نظر مستقیم کارشناسان آمریکایی وماموران امنیتی پاکستان دنبال می‌شود، جزئی از نقشهٔ اساسی امپریالیسم برای سرنگونی انقلاب ایران است. ازاین رو باید به این خطر بهای زیاد داد، جدی با آن برخورد کرد و برای مقابله قاطع وفوری با آن آماده شد.

غارت سرمایه داران ادامه دارد

آقای بزرهانی نماینده مردم دزفول درمجلس شورای اسلامی، درگفت و گوئی باروزنامه کیهان، درکنار مسائل مختلف به طرح یکی از مهمترین مشکلات کشور پرداخت: "تجارت خارجی ما بجز مواردمعدودی هنوز درانحصار یک مشت بازاری محتکر وسرمایه‌دار و بابا است که درنهایت بی‌دردی به این ملت خیانت می‌کنند. ومتاسفانه بعد از انقلاب با اینها برخورد قاطع وبنیادی نشده است و عموما سیرتر شده‌اند" (کیهان ــ ۱۹ مهر ۱۳۶۰)

این سخنان نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ریشه ــ های اساسی مشکلات جامعه آگاهی دارند. انتظار مردم این است که ازاین آگاهی برای حل مشکلات یاری گرفته شود وهرچه زودتر با دولتی شدن بازرگانی خارجی، غارتگری سرمایه‌داران پایان گیرد.

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

بقیه از صفحه ۸

ها را که خیلی معطلی ندارد و استادشهم الحمدالله هست شروع کنید... بسته ماندن دانشگاه ها به این صورت به ضرر کشور است" و "اگر تعطیل دانشگاه‌ها طول بکشد و معلم ودانشجو در دانشگاه ها نباشد، فاجعه است برای کشورما."

نخست وزیر شهید آقای دکتر باهنر که خود از دست اندرکاران و صاحب‌نظران ارزندهٔ آموزشی کشور بود، نیز به وضع نظام آموزش عالی توجه ویژه‌ای داشت وبارها در سخنان خود توجه مسئولین ودست اندرکاران را به اهمیت گشایش هرچه سریع تر دانشگاه‌ها جلب کرد: "... امیدواریم دانشگاه‌ها تا سال تحصیلی آینده با محتوای بهتر و ظرفیتی بیشتر کارخودرا از سر گرفته و در از بین بردن عقب‌ماندگی های سابق، چه ازنظر کمی و چه از لحاظ کیفی، نقش خودرا ایفاء کند." (جمهوری اسلامی ــ ۵۹/۱۲/۱۷) و: "... بازگشایی دانشگاه‌ها طولی نخواهد کشید و امیدواریم سال آینده دانشگاه‌ها بازشود." (صبح آزادگان ــ ۱۳۵۹/۱۲/۲۰)

به دنبال رهنمودها و تاکیدات امام وخواست مکرر مردم بر روشن شدن وضع مبهم نظام آموزش عالی، مسئولین "ستاد انقلاب فرهنگی" بارها بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس عالی را وعده دادند.

درخردادماه ۱۳۶۰ دکتر شریعتمداری، عضو "ستاد انقلاب فرهنگی" پس از دیدار اعضاء ستاد با امام خمینی رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، درپاسخ به این سئوال که: "درسال تحصیلی جدید چه رشته‌هایی دردانشگاه‌ها بازگشایی می‌شود"؟، صراحتا اظهار داشت: "کوشش ستاد براین است که رشته‌های پزشکی، فنی، مهندسی، کشاورزی و رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه در زمینه تربیت معلم افتتاح بشود." (اطلاعات ۶۰/۳/۲۴)"

سپس اعلامیه با تحلیل همه‌جانبهٔ پی‌آمدهای محدود شدن وعده های مسئولین "ستاد انقلاب فرهنگی" مبنی برپذیرش صدها هزار جوان علاقمند، پیشنهادات و مواضع خویش را دربارهٔ بازگشایی دانشگاه‌ها ومدارس عالی کشور به‌شرح زیر اعلام می‌دارد:

"سازمان دانشجویان پیشگام ایران وسازمان جوانان توده ایران، در آغاز سال تحصیلی جدید، دگربار ه پیشنهادها و مواضع خویش را درباره بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس عالی، تکرار می‌کنند و امیدوارند که درجهت پایان بخشیدن به ابهام کنونی در وضع نظام آموزشی کشور موردتوجه مسئولین قرارگیرد:

* ما پیشنهاد می‌کنیم که برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین درنظام آموزش عالی و برای برآوردن نیاز های رشد وتوسعهٔ جمهوری اسلامی ایران، هرچه سریعتر به بی‌برنامگی‌ها وندانم‌کاری‌های کنونی پایان داده‌شود و در جهت بازگشایی سریع دانشگاه‌ها و مدارس عالی اقدامات فوری وبنیادین صورت‌گیرد. مراکزآموزش عالی (**بویژه** در رشته‌های پزشکی مهندسی **وفنی**، کشاورزی وتربیت معلم)، **بر پایه** اقدامات انجام شده تا کنون، هر چه سریع‌تر گشوده شوند وهمانگونه که امام گفته‌اند: "پس ازبازگشایی اصلاحات لازم به‌فوریت انجام گیرد."

* ما از اعلام طرح "چگونگی پذیرش استاد و دانشجو در دوره انتقال"، ازآنرو که نشانگر توجه وزارت فرهنگ وآموزش عالی به‌ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها ومدارس عالی است، استقبال می‌کنیم. ولی متاسفانه، طرح مذکور حاوی برخی نکات منفی است، که نمی ــ تواند موردتائید ما و سایر نیرو ــ های علاقمند به آینده انقلاب وجمهوری اسلامی ایران قرارگیرد، ازجمله: اغماض قائل شدن برای وزراء و نمایندگان مجلس رژیم شاه ملعون ــ که پس از کودتای امپریالیستی سال ۳۲ درمشاغل فوق به رژیم شاه آمریکا خدمت می ــ کرده‌اند ــ، عدم توجه به رسالت ارشادی و پرورشی نظام آموزش عالی در قبال هواداران گروه‌های چپ رو، ضوابط مبهم وقابل تفسیر تنگ‌نظرانه برای پذیرش اساتید و دانشجویان، که می‌تواند علیه برخی از نیروهای مومن به انقلاب وجمهوری اسلامی ایران مورد سوء استفاده قرارگیرد و غیره. از اینرو ما طرح مذکور را به هیچ روی درچارچوب نیازها ومقتضیات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانیم و امیدواریم که مسئولین امر با برخوردی اصولی وواقع‌بینانه به‌تجدیدنظر بنیادی در آن بپردازند.

* ما معتقدیم که اقدامات اخیر وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ازجمله آزادکردن استخدام استاد توسط دانشگاه‌ها وطرح تشکیل "ستاد امور اجرایی انقلاب فرهنگی" و "شوراهای مدیریت جهاد دانشگاهی" "گامی در جهت پایان بخشیدن بر ناهماهنگی‌ ــ های حاکم برمدیریت مراکز آموزش عالی ورفع کمبودکادر آموزشی برای فعالیت ثمربخش دانشگاه‌هاست.

درعین‌حال، ضوابط و مقررات اعلام شده توسط وزارت فرهنگ وآموزش عالی برای استخدام اساتید را واقع ــ بینانه ومبتنی برنیازهای جاری نظام آموزش عالی و منطبق با رهنمودهای امام خمینی مبنی بربکارگیری اساتید متخصص ومتعهد، صرفنظر از اعتقادات مسلکی، نمی‌دانیم و مصرانه می خواهیم که ضوابطی واقع‌بینانه وبدور از هرگونه انحصارطلبی وتنگ‌نظری، جایگزین ضوابط فوق شوند.

ما امیدواریم که "ستاد امور اجرایی انقلاب فرهنگی" و "شورا های مدیریت جهاد دانشگاهی" بتوانند به یک ارگان متمرکز ودارای قدرت تصمیم‌ ــ گیری واجرایی درخور برای تسریع روند بازگشایی مراکز آموزش عالی و انجام دگرگونی‌های بنیادین در نظام آموزش عالی بدل شوند. در عین‌حال، ما بر آنیم که انتصابی بودن دانشجویان و دانشگاهیان عضو این ستاد وشوراها، نمی‌تواند تامین‌کننده نقش دانشجویان دراداره امورخویش باشد وپیشنهاد می‌کنیم که اعضای دانشجو و دانشگاهی این ستاد و شوراها با رای همه دانشجویان ودانشگاهیان وازمیان دانشجویان و دانشگاهیان مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران ــ صرفنظر از اعتقادات مسلکی آنان ــ انتخاب شوند تا بتوانند نقش بسیج‌گر شایسته‌ای را در تسریع بازگشایی مراکز آموزش عالی و انجام دگرگونی بنیادین درنظام آموزش عالی ایفاء کنند.

* ما معتقدیم که تنها راه تامین یک محیط آموزشی سالم، سازنده وپربار وبدور ازهرگونه تشنج و آشوب ــ که امپریالیسم، به سرکردگی امریکای جنایتکار، و "تفاله"های آن بی شک خواهندکوشید بر مراکز آموزش عالی کشورمان تحمیل کنند ــ واگذاردن امنیت وانتظامات دانشگاه‌ها و مدارس عالی به عهدهٔ نمایندگان واقعی دانشجویان ــ صرفنظر از اعتقادات مسلکی ــ است. برای تحقق این امر، پیشنهاد حزب تودهٔ ایران مبنی برتشکیل کنگره‌ای در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها، از نمایندگان دانشجویان متعلق به گروه‌ ــ ها وسازمان‌های مومن به انقلاب ووفادار به جمهوری اسلامی ایران، را مورد تاکید قرار می‌دهیم.

وظایف این کنگره عبارتند از: تبادل نظر واتخاذ تدابیر درباره نحوه فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانش ــ جویان ومشارکت دانشجویان در امر بازگشایی دانشگاه‌ها وتدارک انتخاب شورای نمایندگان دانشجویان ــ که مسئول مستقیم حفظ نظم و امنیت و فعالیت آرام وسازنده دانشگاه‌ها خواهد بود.

بدون تردید تشکیل این کنگره گام ارزنده‌ای درجهت تحکیم اتحاد همه نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران وسنگ بنیاد تشکیل "اتحادیه سراسری دانش ــ جویان"، به‌عنوان ضامن شرکت فعال دانشجویان درحیات اجتماعی وسیاسی کشور وتامین حقوق صنفی شان و ضامن فعالیت سالم، سازنده و پربار مراکز آموزش عالی خواهد بود.

اتحاد مردم

شماره ۹۹ دوره دوم دوشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰

امپریالیسم آمریکا و دستیاران مصری و سودانی آن توطئهٔ گسترده‌ای را علیه لیبی تدارک می بینند

اتحاد شوروی ایالات متحده آمریکا را بخاطر تلاش برای اعمال فشار برمصر ومداخله درامور داخلی آن کشور محکوم ساخت واینگونه تلاشها را غیرمجاز وغیرقانونی "خواند.

دولت اتحاد شوروی در بیانیه‌ای خطاب به دولت امریکا دراین زمینه، از گسیل کشتی های جنگی به سواحل مصر واعلام آماده باش "سپاه واکنش سریع" آمریکا یادکرد.

دولت اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت، که "چنین اقدامات خشونت بارو تشنج زایی مغایربا موازین مناسبات بین‌المللی است."

به عقیده دولت اتحاد شوروی، "اقدامات ایالات متحده در قبال رویدادهای کنونی مصر به افزایش خطرناک تشنج درسراسر منطقه انجامیده است. رویدادهای پیرامون مصر برمنافع امنیتی اتحاد شوروی تاثیر می‌گذارد و اتحاد شوروی، از اینرو، این رویدادها را به دقت زیرنظر می‌گیرد."

روزشنبه ۱۸ مهر ۶۰، جسد انور سادات درقاهره به خاک سپرده شد. رئیس‌جمهور مصر روز ۱۴ مهر ۶۰ در جریان رژه‌ای نظامی ترور شد.

تشییع جنازه سادات درشرایط تشدید اقدامات امنیتی صورت گرفت. بیشترکشورهای عرب ازشرکت در این تشریفات خودداری جستند.

"پراودا" در مقاله‌ای خاطر نشان ساخت، که آمریکا ازطرد سادات ازصحنه سیاست برای "قدرت نمایی نظامی" بهره می جوید.

همزمان با دفن سادات "نیروهای واکنش سریع" ویکان‌های دریایی آمریکا درنزدیکی مصر به حالت آماده باش درآمدند.

ازسوی دیگر، دربرخی ازشهرهای مصر درگیری‌های مسلحانه سکنه بارژیم ادامه یافت.

باعتراف یک مجلهٔ مصری ارتش برای مقابله بامخالفان از هلیکوپترهای جنگی استفاده کرد.

درملاقات‌هایی، که میان سران مصر و سیاستمداران کشورهای غربی صورت گرفت، به افزایش حضور نظامی آمریکا درمنطقه پرداخته است.

الکساندرهیگ، وزیر خارجه امریکا، تاکید کرد که ایالات متحده واگذاری سلاح‌های مدرن را به مصر (از جمله هواپیما، تانک وموشک) سرعت خواهد بخشید. به گفته هیگ آمریکا قصد دارد از اینراه "پشتیبانی خود را از دوستانش درمنطقه به ثبوت برساند".

درملاقات هیگ باحسنی مبارک درباره مانورهای مشترک نیروهای مسلح دوکشور گفتگو شد. دراین مانورها هواپیماهای "بی-۵۲" هم شرکت خواهندکرد. دولت امریکا از دولت مصر خواسته است، که درازای دریافت کمک‌های نظامی آمریکا، ادامه سیاست خائنانه خودرا در چارچوب تبانی "کمپ دیوید" تضمین نماید.

الکساندرهیگ، وزیر خارجه آمریکا، گفته است، که گسیل هواپیماهای "آواکس" به مصر ومانورهای نظامی آینده درآن کشور "باید نشان دهد، که چگونه ارتش آمریکا میتواند درمنطقه عمل کند."

مانورهای نظامی نامبرده که ۲ هزار سرباز آمریکایی رادربر خواهد گرفت بطورعمده درنزدیکی مرزهای لیبی صورت خواهد پذیرفت.

واشینگتن ماههاست، که به کارزارتبلیغاتی وسیع علیه لیبی مشغول است.

لیبی درپیامی به "شورای امنیت" دسیسه‌های تجاوزکارانهٔ آمریکا و متحدان ارتجاعی آنرا درآفریقا علیه خود محکوم ساخت.

ویلی برانت درکنفرانس "شمال-جنوب" شرکت نمی‌کند

ویلی برانت، صدر حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، درسخنرانی در رم گفت، که انتظار ندارد که کنفرانس "شمال - جنوب" مکزیک به نتایج مشخصی دست یابد. وی بیش از این اعلام کرده بود، که در کنفرانس نامبرده شرکت نخواهد جست. یادآور میشویم، که برانت ریاست "کمیسیون شمال - جنوب" را بعهده دارد.

آمریکا و دیگرکشورهای امپریالیستی علیرغم توصیه‌های او، از تخصیص بودجه بیشتر برای کمک به کشورهای رشد یابنده احتراز می ورزند.

ازسوی دیگر، ریگان درسخنرانی خواست کشورهای رشد یابنده را برای ایجاد نظامی نوین درپهنه اقتصاد بین‌المللی ردکرد.

مردم اروپای غربی نمی‌خواهند "گروگان هسته‌ای" آمریکا باشند

روزشنبه ۱۸ مهرماه ۶۰، درحدود ۳۰۰ هزارنفر درتظاهرات بی سابقه ای دربن (جمهوری فدرال آلمان) درراه خلع سلاح وتنش زدایی در اروپا و علیه استقرار بمب نوترونی و موشک‌های جدید آمریکایی و اروپای غربی شرکت کردند.

تظاهرات بن کارگران صنعتی روحانیون، سازمان‌های سندیکائی جوانان، زنان و عناصر ضد فاشیست، سوسیال دمکرات‌ها، کمونیست ها و لیبرال‌ها و غیره را در برمی گرفت. در صفوف راهپیمایان حتی سربازان هم دیده میشدند. این راهپیمایی با میتینگی درمرکز بن پایان یافت.

چندین نماینده دوحزب حاکم سوسیال دمکرات ولیبرال نیز توصیه رهبری خودرا نادیده گرفتند و دراین تظاهرات شرکت کردند.

ارهارد اپلر، یکی از اعضای رهبری حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، درسخنرانی خود ادعای برتری نظامی "پیمان ورشو" را بر "ناتو" رد کرد وخاطرنشان ساخت، که شماره جنگ‌افزارهای این دوپیمان دراروپا تقریبا برابر است.

درتظاهرات بن نمایندگان جنبش‌های صلح درپاره‌ای از دیگر کشورهای اروپای باختری وایالات متحده نیز شرکت جستند.

ازسوی دیگر، درسیسیل (ایتالیا) نیز تظاهرات بزرگی علیه استقرار موشک‌های آمریکائی برگزار شد. در این تظاهرات هزاران تن ازسراسر ایتالیا شرکت کردند. ازجمله شعارهای تظاهرکنندگان عبارت بوداز: "سرنگون باد موشک‌های هسته‌ای امریکا!" و "سیسیل نمی خواهد گروگان هسته‌ای امریکا باشد!"

بوریس پونوماریوف، نامزد هیئت سیاسی ودبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، درسخنرانی خود در کنفرانس ملی سربازان جنگ دوم جهانی درمسکو گفت که "اوضاع کنونی جهان هر گونه کوششی را برای حل مهم ترین مسائل دوران ما، یعنی ادامه و تحکیم روند تشنج زدایی ایجاب می کند."

به گفته پونوماریوف، "به نظر اتحاد شوروی، برای جلوگیری از جنگ باید کانون‌های درگیری نظامی را از میان برداشت ودرپی تضمین‌های سیاسی مطمئن برای مقابله باپیدایش دوبارهٔ آنها بود."

بوریس پونوماریوف همچنین به ضرورت تحدید مسابقهٔ تسلیحاتی، به ویژه جنگ افزارهای هسته‌ای، قطع تولید بمب نوترونی وجلوگیری از استقرار موشک‌های جدید آمریکا در اروپای غربی اشاره کرد. به گفته او:

"اتحاد شوروی خواستار ازسرگیری وتعمیق گفتگوهای سیاسی، ازجمله با ایالات متحده، است."

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز ومدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده - (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی
صندوق شماره ۳۱۴/۱۱۱۷

مزدوران امپریالیست‌های اروپای غربی دوش بدوش مداخله‌گران "پرتوریا" درآنگولا می جنگند

نیروهای آفریقای جنوبی نبردهای خودرا درجنوب آنگولا گسترش می دهند. به نوشته "ژورنال دی آنگولا" دراین عملیات تانک‌ها، توپخانه و هواپیماهای نژادپرستان شرکت دارند. درروزهای اخیر بسیاری از غیرنظامیان هدف حملات گسترده بوده‌اند.

"ژورنال دی آنگولا" در سرمقاله‌ای خاطرنشان می سازدکه "رژیم گسترش طلب (آفریقای جنوبی) خطری برای دیگرکشورهای مستقل آفریقا نیز به شمار میرود. درستیزه‌های مداخله‌طلبانهٔ آفریقای جنوبی مزدوران کشورهای اروپای غربی هم دوش بدوش نیروهای منظم "پرتوریا" می‌رزمند. در میان مزدوران، افراد ارتش استعماری پرتغال نیز دیده می شوند."

بیش از ۵۰٪ سربازان آمریکایی معتادند

رسیدگی به علل سقوط یک هواپیمای ناوهواپیمابر "نی میتز"، که درمه امسال به مرگ چهارده نفرانجامید، تنها تقصیرخلبان راثابت نکرد. کالبد شکافی قربانیان نشان دادکه، حداقل ۶ نفرآنها زیرتاثیرمواد مخدربودند. به گفته ویلیام سی. لوئیزل، سرکارشناس "پنتاگون"، برای مواد مخدر، در برابر یکی ازکمیسیون‌های "کنگره"، سوء استفاده از مواد مخدردرنیروهای مسلح آمریکا "مسئله‌ای جدی" است. به تخمین "پنتاگون"، ۳۸٪ نظامیان آمریکا به ماریجوانا و غیره معتادند. به گزارش یو. اس. نیوز اندورلد ریپورت، به ویژه سربازان جوان جزء معتادان هستند. به موجب گزارشی، ۳۷٪ سربازان آمریکا به ماریجوانا، ۷٪ به کوکائین و۹٪ به دیگر مواد مخدراعتیاددارند.

اکنون "پنتاگون" سالیانه صد میلیون دلارصرف مبارزه بااعتیاد در نیروهای مسلح می کند. در این مبارزه ۳۹۰۰ پرسنل نظامی شرکت دارند. نیروی دریایی آمریکا چندی پیش گردانی، مجهز به سگهای تعلیم یافته، را مامور مبارزه با اعتیادکرد.

وقایع مهم جهان در یک هفته

لهستان سوسیالیستی بوده و خواهد بود

درلهستان، یوزف باریلا، معاون وزارت دفاع گفت، که مهم ترین ویژگی رویدادهای کنونی مبارزه سرسختانه در راه تحول آتی لهستان است.

وی، که در مراسم سی وهشتمین سالگرد پایه‌گذاری نیروهای مسلح لهستان در ورشو سخن می گفت، یادآورشد، که "نیروهای ضدسوسیالیستی میکوشند تاقدرت رابدست گیرندوهم پیمانی‌های سیاسی ونظامی لهستان را آماج حملات خود قرارداده‌اند.

یوزیف باریلا هشدار داد:

"مادربرابر چنین تلاشهایی بی تفاوت نخواهیم ماند، به ویژه آنکه "ناتو" به تسریع مسابقهٔ تسلیحاتی و مانورهای بزرگ نظامی دست زده است."

معاون وزیر دفاع لهستان یادآور شدکه نیروهای مسلح لهستان برای غلبه بردشواری‌های کنونی لهستان وتثبیت اوضاع کوشش می ورزند.

دراین میان، "روده پراوو" (چکسلواکی) در تفسیری دربارهٔ کنفرانس "همبستگی" نوشت که این کنفرانس "به‌روشنی رویارویی با حزب و دولت" دست یازید.

روزنامه ویتنامی "نیان دان" در این زمینه خاطرنشان ساخت که "دشمنان سوسیالیسم درلهستان دیگرهدف خود رامبنی براحراز قدرت دراین کشور پنهان نمی سازند.

یوجی نیاکامپارا، رئیس "جامعه زنان لهستان"، درکنفرانس مطبوعاتی درپراگ گفت که "علیرغم تلاش نیروهای ضدسوسیالیستی، لهستان یک کشور سوسیالیستی بوده است وخواهد بود."

او کمک دیگر کشورهای سوسیالیستی را به لهستان ستودواظهار اطمینان کرد که زحمتکشان لهستان گام‌هایی استوار در راه غلبه بر بحران کنونی آن کشور برخواهند داشت.

در ورشو، کمیته مرکزی "حزب متحدکارگری لهستان" پلنوم خود را آغازکرد. دراین پلنوم قراراست وضع سیاسی لهستان، روند اجرای مصوبات کنگره فوق‌العاده حزب و وظائف آموزشی - ایدئولوژیک بررسی شود.

دربریتانیا چهارمیلیون نفربیکارند

ادوارد هیث، نخست وزیر اسبق بریتانیا، سیاست اقتصادی دولت تاچر راشدت محکوم کرد. وی در کنفرانس سالیانه حزب محافظه‌کاران در بلاک پول سخن می گفت.

از هنگام احراز قدرت محافظه‌کاران، همکاری در بریتانیا دو برابر شده است. واکنون رسما متجاوز از سه میلیون نفر را دربرمی گیرد (در واقع بیش از ۴ میلیون نفر) در نه ماه نخست سال میلادی نزدیک به ۶۵۰۰ شرکت ورشکسته شده‌اند.

وزیرکاربریتانیا تهدیدکرد، که درکشورش حق اعتصاب محدود خواهد گردید.

مایکل فوت، رهبر "حزب کارگر" بریتانیا گفت، که سیاست اقتصادی محافظه‌کاران "کشور را به ورطهٔ فاجعه کشانده است."

به گفتهٔ او این سیاست، "برای میلیونها نفرخانمان برانداز بوده است."

رهبرسندیکاهای آلمان غربی:

سفارش های بازرگانی اتحاد شوروی برای نیم میلیون کارگر آلمان غربی کارفراهم کرده است

هاینتز اوسکارفتر، رهبر "کنفدراسیون سندیکاهای آلمان (غربی)" پس از بازگشت خود از اتحاد شوروی که در جریان آن با برژنف هم دیدارکرد، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در هامبورگ "کوشش برخی از محافل غربی را برای اعمال فشار برآلمان غربی به منظور تحدیدمناسبات اقتصادی بااتحاد شوروی" محکوم کرد.

فتر خاطرنشان ساخت، که سفارش‌های بازرگانی اتحاد شوروی در آلمان غربی برای نیم میلیون کارگر آلمان فدرال کار فراهم آورده است.

اعتراض مردم اسپانیا علیه نقشه عضویت آن کشور در "ناتو"

فیلیپه گونسالس، دبیرکل "حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا"، گفته است که سوسیالیست‌های اسپانیا، علیرغم همه دشواری‌ها، به مخالفت خود با عضویت آن کشوردر "ناتو" ادامه خواهند داد. او این ادعا راکه حزبش درباره مسئلهٔ نامبرده موضعی مبهم پیش گرفته است، ردکرد.

"حزب کمونیست اسپانیا" اعتراضیه بیش ازنیم میلیون نفر اسپانیایی را علیه نقشه پیوستن اسپانیا به "ناتو" به دولت ارائه داشت.

۶۰۰ تن ازضدانقلابیون افغانی نابودشدند

به گفته حیدرمسعود، معاون اول وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، کشور او ازهمه چیز بیشتربه صلح باثبات وپایدار نیازمند است.

حیدرمسعود افزود که جنگ اعلام‌نشده آمریکا وچین علیه افغانستان به پیدایش تشنج در منطقه انجامیده است

گزارش‌های رسیده از کابل حاکی است که ۶۰۰ تن ازاشرار ضدانقلابی در هرات نابود شدند.

نمایندگی های محترم فروش "اتحاد مردم"
دوستان وهواداران
اتحاد دموکراتیک مردم ایران

خواهشمنداست بهای نسخه‌های هفته‌نامهٔ "اتحاد مردم" و کمک‌های نقدی خود را طی حواله‌های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آریاشهر به نام محمود اعتمادزاده واریز وفتوکپی فیش آن را به نشانی: تهران، منطقه ۱۳، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷ ارسال فرمایند.
هفته‌نامه "اتحاد مردم"